



پژوهشکده شورای نگهبان

مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۹

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۸



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مشروح مذاکرات شورای نگهبان جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان

ویراستاران و مستندسازان: حسن افراسیابی و عباس حسن خانی

بازبینان:

علی زمانیان جهرمی و محمد حسن باقری
ناظر علمی:

کاظم کوهی اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۸

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۱/۸/۱۳۹۲ شورای نگهبان

فهرست مطالب

- ۲ مقدمه
- ۳ نطق پیش از دستور
- طرح دوفوریتی تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند (اعاده شده از شورای نگهبان) ۴
- طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی ۱۴
- طرح استفساریه قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش ۵۰
- طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراهای مجامع و سایر هیئت‌ها ۶۳
- لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز (اعاده شده از شورای نگهبان) ۱۱۳

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفسارهای مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای احاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم.

با عرض تبریک به مناسبت عید شریفِ مظلومِ فرخنده‌ی غدیر، عیدی که هیچ حقی مثل حق او ضایع نشد بعد از حق خدا، با اینکه آیات الهی همه جا و در همه چیز مشهود است خدا نادیده گرفته شد و اکثر مردم دنیا کافر شدند. این واقعاً از عجایب روزگار است که چنین آیه‌ای از آیات الهی - که از این واضح‌تر وجود ندارد و حتی خورشید هم از این مسئله واضح‌تر نیست - این جور مورد انکار و مورد تردید قرار گرفت. و بعد هم حق علی علیه‌السلام [مورد انکار قرار گرفت]؛ حق به این واضحی، به این آشکاری، در ملاء و در آن جمعیت بیش از صد هزاری در غدیر، این جوری نادیده گرفته شد، آن هم در یک فاصله‌ی بسیار کوتاهی [از واقعه‌ی غدیر]، در فاصله‌ای حدود دو ماه. بعد از آن هم یک عده‌ای سکوت کنند و هیچ چیزی نگویند و بعد، سیاستمداران هم بیایند کار خودشان را بکنند و برای همیشه این حق ضایع بشود و بشر بدبخت بشود در اثر اینکه دستش از دامان علی علیه‌السلام کوتاه شده است. حالا خدا این نعمت را به ما داده است که ما واقعاً باید شکر این نعمت را به جا بیاوریم. ما در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَجَعَلَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَ كُمْ بَعْرَشِيهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَ كُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهِ اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طِيبًا لِخُلُقِنَا وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَتَرْكِيَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا». خداوند انشاءالله توفیق بدهد عملی بکنیم که همه‌ی این خصلت‌هایی که در این قطعه‌ی زیارت آمده شامل حال ما بشود، «طِيبًا لِخُلُقِنَا» باشد، «تَرْكِيَةً لَنَا» باشد، «طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا» باشد. انشاءالله عملمان عملی باشد که ما را مشمول همین فقره از زیارت قرار بدهد. مجدداً به شما تبریک عرض می‌کنم.

طرح دوفوریتی تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم. «طرح تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند (اعاده شده از شورای نگهبان)»^(۱) اولین ایراد شورای نگهبان به این مصوبه [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۹۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۶] این بوده است: «ماده واحده و تبصره یک آن»^(۲) چون به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق تأمین هزینه جدید معلوم نشده است، بنابراین خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. نمایندگان مجلس این ایراد را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «در سطر دوم ماده واحده، عبارت «سابقه پرداخت حق بیمه را دارند»

۱. طرح دوفوریتی تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند، در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۵۲/۳۶۰۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با توجه به فوریتی بودن این مصوبه، آن را در مرحله‌ی اول رسیدگی بدون تشکیل جلسه و با نظرخواهی غیابی از اعضای شورای نگهبان بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت مفاد این مصوبه با اصول (۷۵) و (۱۱۲) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۹۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۷۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. طرح دوفوریتی تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند، مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی به شرح زیر بوده است: «ماده واحده - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است به افرادی که حداقل ده سال حق بیمه پرداخت نموده‌اند و به سن شصت سال برای مردان و پنجاه و پنج سال برای زنان رسیده‌اند یا به هر دلیلی به تشخیص کمیسیون‌های موضوع ماده (۹۱) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و اصلاحات بعدی آن در سنین کمتر از موارد فوق از کارافتاده شده‌اند ولی از حق مستمری برخوردار نمی‌شوند، متناسب با سنوات پرداخت حق بیمه، حقوق بازنشستگی پرداخت نماید. افرادی که کمتر از ده سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، می‌توانند با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه اعم از حق کارگر و کارفرما تا ده سال به نرخ سال جاری، از امتیاز بازنشستگی این حکم برخوردار شوند.

تبصره ۱- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است بدون در نظر گرفتن هر نوع شرطی، به فرزندان و همسر بیمه‌شده متوفی که زیر ده سال سابقه پرداخت حق بیمه دارد نسبت به سنوات، مستمری پرداخت نماید. تبصره ۲- بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ لغو می‌گردد.»

جایگزین عبارت «حق بیمه پرداخت نموده‌اند» می‌شود.»

آقای جنتی - آن قسمت از ماده واحده که به نظر من باید حذف می‌شد، حذف نشده است.

منشی جلسه - بند اصلاحی بعد هم این‌گونه است: «در تبصره (۱)، عبارت «بدون در نظر گرفتن هر نوع شرطی» حذف و کلمه «همسران» جایگزین «همسر» می‌شود.»

آقای مؤمن - به تبصره (۲) هم ایراد گرفته بودیم: «در خصوص تبصره (۲) ماده واحده، نظر به اینکه تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ به تصویب مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام رسیده،^(۱) لغو آن با توجه به نظر تفسیری این شورا،^(۲) خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای علیزاده - بله، تبصره (۲) را هم نمایندگان مجلس با توجه به ایراد ما، در اصلاحیه‌ی فعلی اصلاح کرده‌اند.^(۳) ندانند.

آقای مؤمن - در این اصلاحیه، مفاد تبصره (۲) قبلی را حذف کرده‌اند و ایراد بار مالی‌اش را با آوردن تبصره (۲) فعلی خواسته‌اند برطرف کنند.

۱. «ماده واحده- تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۷ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ۱- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه، بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد. ۲- بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازای هر سال سابقه پرداخت حق بیمه، غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به‌طور یک‌جا و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود.»

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم خردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.»

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد ...»

۳. تبصره (۲) مصوبه‌ی اصلاحی مجلس مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷: «تبصره (۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره ۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است علاوه بر حق‌الثبت فعلی، یک در ده هزار به قیمت منطقه‌ای بابت حق‌الثبت اموال غیرمنقول دریافت و به ردیف خاصی در خزانه‌داری کل واریز نماید. دولت مکلف است اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون را از محل درآمدهای موضوع این تبصره پیش‌بینی نماید.»

آقای علیزاده - دو مورد به مفاد تبصره (۲) اضافه کرده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - همین مقدار اصلاحات در این مصوبه کافی است.

آقای علیزاده - البته مجلس قبلاً یک بار محل تأمین اعتبار مالی اجرای این مصوبه را پیش‌بینی کرده بود. حالا دوباره در تبصره (۲) اصلاحی گفته‌اند که سازمان ثبت اسناد و املاک، مبلغی از حق‌الثبت اموال غیرمنقول بگیرد [تا برای اجرای این مصوبه، هزینه شود]. این را از این جهت پیش‌بینی کرده‌اند که همیشه اینها با هم اختلاف دارند. آنها می‌گویند همین مقداری که ما به تأمین اجتماعی می‌دهیم برای تأمین این هزینه‌ها کافی است اما سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید کافی نیست.

آقای مدرسی یزدی - حالا که مجلس این تبصره (۲) را برای تأمین هزینه‌ها اضافه کرده است، آیا کافی است؟ حالا ما باید ببینیم میزان این درآمدها و هزینه‌های سازمان تأمین اجتماعی در سال چقدر می‌شود؟ چقدر هزینه دارد و چقدر درآمد دارد؟ اینها باید با هم یک نوعی تناسبی داشته باشند.

آقای علیزاده - میزان درآمد سازمان تأمین اجتماعی را از اینجا می‌شود محاسبه کرد، اما شاید در مورد هزینه‌هایش نشود محاسبه‌ی دقیقی انجام داد.

آقای مدرسی یزدی - چرا نشود؟! هزینه‌ها و درآمدهای سازمان همگی فرمول دارد. سازمان بیمه [در مباحث مالی] حواسش از دیگران جمع‌تر است.

آقای علیزاده - منظورم این است که با توجه به تعداد زیاد بیمه‌شدگان و تنوع مستمری‌بگیران که شامل بازنشسته‌ها، ازکارافتادگان و بازماندگان بیمه‌شدگان متوفی می‌شود و اینکه هر کدام از این افراد چقدر حق بیمه به سازمان پرداخت کرده و چقدر مستمری باید دریافت کنند، محاسبات دقیق مالی سخت است.

آقای مدرسی یزدی - سازمان تأمین اجتماعی همه‌ی اینها را با حساب‌های احتمالات محاسبه می‌کند که در مجموع، محاسبه‌ی خرابی از کار در نمی‌آید. آنها بلدند. آنها هیچ‌وقت ضرر نمی‌کنند.

آقای علیزاده - الآن که سازمان ثبت یک مبلغ بسیار کمی، در حد پنج در هزار یعنی نیم درصد می‌گیرد، در مجموع یک خرده از دویست سیصد میلیارد تومان بیشتر می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - ما که واقعاً از همه‌ی جوانب این موضوع آگاهی نداریم. حقش این است که دقیقاً بررسی شود. این کار یک کارشناس می‌خواهد. این را ماها نمی‌فهمیم.

آقای اسماعیلی - سازمان تأمین اجتماعی که می‌گوید کافی نیست.

آقای سوادکوهی - نه، اگر حرف آنها بخواهد ملاک تصمیم‌گیری باشد که درست نیست. [باید همه‌ی جوانب قضیه را در نظر بگیریم].

آقای مدرسی یزدی - بله، فقط حرف سازمان ملاک نیست، اما خوب باید [در مورد همه‌ی جوانب قضیه] بحث و بررسی دقیق بشود.

آقای سوادکوهی - حالا نظر شما این است که این مصوبه، خلاف [قانون اساسی] است؟

آقای مدرسی یزدی - ما باید بررسی کنیم و آلاً [نمی‌توانیم در مورد آن دقیقاً نظر بدهیم].

آقای ابراهیمیان - تردید حاج‌آقای مدرسی لااقل از لحاظ سازمان تأمین اجتماعی بررسی شده و به هر حال، [نظر آنها این است که منابع تخصیص داده شده، هزینه‌های اجرایی این طرح را پوشش نمی‌دهد].

آقای اسماعیلی - بله، سازمان تأمین اجتماعی می‌گویند این منابع، کافی نیست.

آقای مدرسی یزدی - خوب، آنها [= مجلس] جوابشان چیست؟ خوب باید به ما یک صورت بدهند، آمار بدهند، سازمان تأمین اجتماعی باید آمار دقیقی از هزینه‌های مصوبه به شورا بدهد.

آقای علیزاده - اگر آن دفعه [= مرحله‌ی قبلی رسیدگی به این مصوبه] آمار داد، این دفعه هم می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - سازمان باید بیاید بگوید این کار چقدر هزینه دارد. آنها باید هزینه‌های این مصوبه را به صورت آماری محاسبه کنند.

آقای علیزاده - الآن وقت این جور درخواست‌ها نیست.

آقای مدرسی یزدی - اینها فرمول دارد. اصلاً کل بیمه فرمول دارد و آلاً هیچ‌کس نمی‌توانست از طریق بیمه تجارت کند و صنعت بیمه داشته باشد. سازمان تأمین اجتماعی باید هزینه‌های اجرایی را مشخص کند و نشان بدهد و آنها [= مجلس] هم بگویند مثلاً با این مقدار منابع، درست می‌شود. اعداد و ارقام اینها، اگر در حدود هم باشد، خوب یک چیزی [و ایراد را منتفی می‌کند].

آقای علیزاده - تأمین اجتماعی در مورد موضوع ده سال حق بیمه، کی به ما نامه داده است؟! نامه‌ای تا به حال به ما نداده است. نامه‌ای که داده‌اند، در مورد مصوبه‌ی دیگری است.

آقای ابراهیمیان - نه، در مورد این موضوع هم به ما نامه داده است.

آقای مدرسی یزدی - من که به این مصوبه، ابهام می‌گیرم. الان با این وضع موجود، من می‌گویم ابهام دارد. چون نمی‌شود [در مورد کفایت منابع تخصیص داده شده با هزینه‌های اجرایی این مصوبه قضاوت کرد]. این مصوبه برای ما ابهام دارد، نه برای قانون مجلس؛ برای ما ابهام دارد.

آقای مؤمن - اصلاً ببینیم این مصوبه خلاف اصل (۷۵) هست یا نه؟

آقای مدرسی یزدی - بدون فحص که نمی‌شود [در این خصوص، حکم کرد] و آلاً مثل اصل عملی^(۱) جاری کردن بدون فحص می‌شود. شما به هر موضوعی که رسیدید [بدون بررسی و فحص از حکم شرعی]، نمی‌توانید که اصل عملی جاری کنید.

آقای علیزاده - عرض من این است که آقایانی که علی‌رغم این اصلاح به عمل آمده، اشکال قبلی را کماکان به قوت خود باقی می‌دانند، باید به باقی بودن اشکال رأی بدهند.

آقای جنتی - حاج آقای مدرسی، ببینید، ما وقتی می‌خواهیم بگوییم مصوبه‌ای بار مالی دارد، باید بار مالی داشتش را احراز بکنیم.

آقای علیزاده - بله، مسلماً.

آقای جنتی - عدم‌الاحراز کافی نیست.

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است. ولی سؤال من این است که احراز بار مالی مصوبه باید با فحص و بررسی باشد یا بدون فحص و بررسی هم امکان دارد؟

آقای اسماعیلی - ضمن اینکه باید توجه داشته باشیم که بار مالی داشتن این مصوبه را قبلاً ایراد گرفته‌ایم.

آقای علیزاده - بله، ببینید جناب آقای دکتر [اسماعیلی]، وقتی ما قبلاً مسئله‌ی بار مالی مصوبه را ایراد گرفتیم، الان می‌گوییم آیا بعد از انجام اصلاحات مجلس، ایراد به قوت

۱. «اصل عملی» یا «دلیل فقاهتی» اصطلاحی است در اصول فقه که به قانون مقرر در تعیین حکم شرعی مشکوک گفته می‌شود. به عبارت دیگر، اصل عملی به معنای قواعدی است که در موارد بروز شک در تعیین حکم شرعی، وظیفه‌ی عملی مکلف را پس از آنکه به دلیل و اماره‌ای دست نیافت روشن می‌کند. به طور کلی، استنباط در فقه شیعی بر دو مرحله مبتنی است: نخست، جستجو از دلیل حکم شرعی یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل، و دوم، رجوع به اصول عملی برای تشخیص وظیفه‌ی مکلف، هنگام دست نیافتن بر دلیل شرعی پس از جستجوی آن. (جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۵۲۵)

خودش باقی است یا نه؟ برای اینکه دوباره ایراد بگیریم، باید رأی بدهیم. خوب حالا هم آقایان اعضا اگر ایراد را باقی می‌دانند رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - این آقایان [کارشناسان مرکز تحقیقات شورای نگهبان] هم نوشته‌اند «صرف نظر از...»^(۱) ولی واقعیت این است که نمی‌شود از این موضوع صرف نظر کرد.

آقای علیزاده - ببینید، حضرت آیت‌الله جنتی یک مطلبی فرمودند، به آن توجه فرمایید. ما هم می‌خواهیم بگوییم که این مصوبه بار مالی دارد، اما باید به این نتیجه برسیم که بار مالی وجود دارد. اینکه می‌فرمایید نمی‌توانیم نظر بدهیم که دلیل بر وجود بار مالی این مصوبه نیست. ما اگر می‌خواهیم بگوییم اینجا بار مالی وجود دارد، باید واقعاً و مسلماً براینمان ثابت شود که اینجا بار مالی وجود دارد.

آقای مدرسی یزدی - با بررسی یا بدون بررسی؟

آقای ابراهیمیان - اجمالاً ما باید اطمینان داشته باشیم که ...

آقای علیزاده - باید اطمینان داشته باشید که مصوبه بار مالی دارد، نه اینکه اطمینان داشته باشید که بار مالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، آن هم باید باشد. [باید هر دوی اینها با هم باشند].

آقای علیزاده - نه، باید به آن طرفش [= بار مالی داشتن مصوبه] اطمینان داشته باشیم.

آقای جنتی - به نظر من ما باید این اصل را قبول کنیم که عمل مجلس صحیح است؛ یعنی باید عمل مجلس را حمل به صحت عمل کنیم، مگر خلافش ثابت بشود. پس کسانی که می‌گویند بار مالی مصوبه از اینجا [= منبع مذکور در تبصره (۲) مصوبه‌ی اصلاحی] تأمین می‌شود، نباید برای حرفشان دلیل بیاورند.

آقای علیزاده - بله، آنها برای چه باید دلیل بیاورند؟

آقای جنتی - ما این [طریق تأمین مالی] را علی‌القاعده باید بپذیریم، مگر اینکه

۱. «صرف نظر از اینکه درآمد پیش‌بینی شده در تبصره (۲) این ماده واحده، تکافوی بار مالی حاصل از اجرای این طرح را می‌کند یا خیر، با تصویب این ماده واحده، چنانچه دولت مکلف به وصول درآمد مزبور در سال جاری و هزینه‌کرد آن برابر این تبصره باشد، این امر به منزله متمم قانون بودجه سال جاری بوده و از این جهت، مغایر با نظریه تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان و اصل (۵۲) قانون اساسی می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰، ص ۲، قابل مشاهده در آدرس

خلافش برایمان ثابت بشود؛ لازم هم نیست برویم دنبال دلایل اثباتش بگردیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟ شما فقط چرایی این [مدعا] را بگویید.

آقای جنتی - همین که عرض کردم دیگر. اصل بر صحت عمل مجلس است. به نظر من این اصل وجود دارد.

آقای مدرسی یزدی - پس این طور که شما می فرمایید، ما باید همه‌ی مصوبات مجلس را قبل از اینکه بخوانیم، با توجه به اصل صحت بگوییم ان شاء الله درست است و مطابق قانون اساسی است! پس همه‌ی آنها را تأیید کنیم. اصلاً دیگر نیازی به خواندن و بررسی هم نیست!

آقای علیزاده - خب، آقایانی که می خواهند در این مورد فحص کنند، این مصوبه یک هفته مراعا بماند تا فحص کنند.

آقای مدرسی یزدی - البته فرد نمی تواند در این مورد، فحص کند، بلکه نهاد [شورای نگهبان] باید این کار را انجام دهد.

آقای رهپیک - اشکال شورا به این مصوبه چه بوده است؟ اشکال این بود که طریق تأمین هزینه‌ی اجرای این طرح تعیین بشود. خب، نمایندگان مجلس هم در این اصلاحیه، طریق تأمین هزینه را تعیین کرده‌اند. ما در موارد دیگر هم همین طور عمل می کرده‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - ولی آیا این طریق تعیین شده، [به معنای واقعی] طریق تأمین کننده‌ی هزینه‌ها هست یا نیست؟

آقای رهپیک - آنچه الآن در این اصلاحیه آمده که حتماً طریق تأمین هست.

آقای سلیمی - حالا بحث این است که آیا این طریق، تأمین کننده‌ی هزینه‌ها هست یا نه؟
آقای رهپیک - آن یک چیز دیگر است.

آقای مدرسی یزدی - معنای اصل (۷۵) این است.

آقای علیزاده - آیا این درآمد وجود دارد یا خیر؟

آقای رهپیک - عرض بنده یک تتمه دارد. نمایندگان مجلس برای تأمین هزینه‌های اجرای این مصوبه یک طریق متعارفی را تعیین کرده‌اند. این طریق تعیین شده هم به طور متعارف محصول دارد؛ درآمد دارد. به نظر من آن اصل صحتی که [حاج آقای جنتی و آقای علیزاده] می فرمایند به این موضوع ضمیمه می شود [و اشکال موجود را برطرف می کند].

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای رهپیک - ما قبلاً به مجلس گفتیم که طریق پیش‌بینی شده اشکال دارد. آنها هم پس از ایراد ما، در این اصلاحیه‌ی فعلی، طریق متعارف تأمین هزینه‌ها را تعیین کردند. این طریق هم علی‌القاعده در مجلس بررسی شده است. حالا ما هم اگر کار نمایندگان را حمل بر صحت کنیم و ارزیابی‌شان را درست تلقی کنیم، ایراد شورا را برطرف شده می‌دانیم.

آقای مدرسی یزدی - خب، اصلاً کل مصوبه را حمل بر صحت کنید! اصلاً چرا این همه در مورد آن بحث کنیم!

آقای رهپیک - نه، کل مصوبه را نمی‌شود حمل بر صحت کرد.

آقای عزیزاده - ما نمی‌گوییم کلاً مصوبات مجلس را حمل بر صحت کنیم. با وضعیت فعلی هم این پیشنهاد شما که می‌گویید عده‌ای را [برای بررسی کفایت منابع مالی پیش‌بینی شده در این مصوبه] تعیین کنیم، قابل اجرا نیست. در آن مورد باید در شورای نگهبان تصمیم بگیریم که ان‌شاءالله تعدادی مشاور برای شورا استخدام کنیم تا مصوبات این‌چنینی را [به‌طور تخصصی] بررسی کنند. فعلاً برای بررسی این مصوبه که نمی‌توانیم بگوییم به سرعت مشاور استخدام کنند. خب، الان در مورد این مصوبه چطور رأی بگیریم؟ بگوییم آقایانی که علی‌رغم اصلاحات به‌عمل آمده در این مصوبه، نظرشان بر این است که اشکالات آن رفع نشده است، رأی بدهند.

آقای ابراهیمیان - به نظر من اشکالات مصوبه رفع نشده است.

آقای عزیزاده - پس الان در این مورد رأی می‌گیریم.

آقای سلیمی - پابرجا بودن اشکالات مصوبه، رأی نداشت.

آقای مدرسی یزدی - آقای عزیزاده، در مورد بررسی کارشناسی این مصوبه هم رأی‌گیری کنید. شاید کسی بخواهد به این موضوع رأی بدهد. اگرچه می‌دانم کسی به آن رأی نمی‌دهد، ولی حالا این را هم رأی بگیرید که در مواردی مثل این مصوبه، اصلاً یک بررسی کلی انجام شود.

آقای عزیزاده - ما نمی‌توانیم مصوبات را بررسی کلی کنیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا نمی‌توانیم؟

آقای عزیزاده - اگر می‌خواهید در مورد مصوبه بررسی فردی کنید، مانعی ندارد. اظهار نظر نهایی در مورد آن بماند برای جلسه‌ی هفته‌ی آینده.

آقای مدرسی یزدی - امکان بررسی فردی که وجود ندارد. اصلاً مصوبه را چرا نمی‌توانیم از طریق شورا بررسی و تفحص کنیم؟ من معتقدم شورا باید در چنین مواردی بررسی و تفحص انجام دهد.

آقای مؤمن - بله، درست است.

آقای علیزاده - مشکل این مصوبه با این وضعیت حل نمی‌شود.

آقای جنتی - اگر برای بررسی مصوباتی مثل همین مصوبه، بتوانیم این کار [کارشناسی دقیق] را بکنیم، خیلی خوب می‌شود.

آقای علیزاده - بله، خیلی خوب است؛ باید چنین کاری را بکنیم.

آقای مدرسی یزدی - شما فرمانش را صادر کنید، ان شاء الله انجام می‌شود.

آقای علیزاده - بله، ما قبول داریم که برای بررسی کلی این‌گونه مصوبات باید فکری کرد.

آقای جنتی - بله، کار خیلی خوبی است. خب، پس از این اشکال هم بگذریم.

آقای علیزاده - اشکال بعدی شورا به این مصوبه را قرائت بفرمایید.

منشی جلسه - تبصره (۱) مصوبه ایرادی نداشت؟ آن اصلاحاتی که نمایندگان مجلس در خصوص تبصره (۱) داشتند، ایرادی نداشت؟

آقای علیزاده - تبصره (۱) اشکالی ندارد.

منشی جلسه - اگر تبصره (۱) ایرادی ندارد، تبصره (۲) را بخوانم.

آقای مؤمن - مجلس متن تبصره (۲) را حذف کرده و متن دیگری جایگزین آن کرده است.

آقای علیزاده - تبصره (۲) را اصلاح کرده‌اند.

منشی جلسه - ما [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۹۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۶] در مورد تبصره

(۲) این ایراد را گرفته بودیم: «در خصوص تبصره (۲) ماده واحده، نظر به اینکه تبصره

(۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ به تصویب مجمع

محترم تشخیص مصلحت نظام رسیده، لغو آن با توجه به نظر تفسیری این شورا

خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای علیزاده - در مورد رفع این ایراد هم رأی گرفتیم.

آقای مؤمن - خیر، در این مورد رأی نگرفتیم.

آقای علیزاده - بله، خیلی خب.

منشی جلسه - «در خصوص تبصره (۲) ماده واحده، نظر به اینکه تبصره (۳) بند (۳)

ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ به تصویب مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام رسیده، لغو آن با توجه به نظر تفسیری این شورا خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای علیزاده - مجلس مفاد تبصره (۲) را حذف کرده است دیگر.

منشی جلسه - بله، پس به این ترتیب، تبصره (۲) اصلاح شده است.

آقای علیزاده - بله، مجلس تبصره (۲) قبلی را حذف کرده و به جای آن متن جدیدی آورده است.

آقای مؤمن - بله، به جای آن، این متن جدید را آورده‌اند.

آقای علیزاده - این متن جدید را آورده‌اند و دیگر آن متن قبلی که مربوط به لغو بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی بود را نیاورده‌اند؛ چون ما در ایرادمان گفته بودیم که بند (۳) ماده (۸۰) را مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کرده و لذا لغو آن اشکال دارد. مجلس هم آن را دیگر نیاورد.

آقای اسماعیلی - آن بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی به قوت خودش باقی است.

آقای علیزاده - بله، آن تبصره در جای خودش باقی مانده و مجلس دیگر متعرض آن مصوبه‌ی مجمع نشده است. پس این ایراد هم، حل شده است.

آقای ابراهیمیان - در مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شرایطی مثل داشتن ده سال سابقه‌ی حق بیمه و ... برای بیمه‌شدگان پیش‌بینی شده بوده که با وجود آنها می‌توانستند مستمری بگیرند.

آقای علیزاده - الآن دیگر در این مصوبه‌ی اصلاحی، به آن مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام متعرض نشده‌اند. بحث لغو مصوبه‌ی مجمع، در مصوبه‌ی قبلی بود که الآن اصلاح شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس در مصوبه‌ی قبلی، مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را لغو کرده بود.

آقای علیزاده - بله، در تبصره (۲) مصوبه قبلی گفته شده بود: «بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ لغو می‌گردد.»

آقای اسماعیلی - مجلس الآن این را حذف کرده است.

آقای علیزاده - بله، این قسمت را حذف کرده‌اند.

آقای اسماعیلی - یعنی مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام لغو نمی‌گردد. الآن به‌جای تبصره (۲) قبلی، دو بند جدید به مصوبه اضافه شده است. بنابراین مصوبه اشکال دیگری ندارد.

آقای علیزاده - بله، اشکال دیگری ندارد؛ چون گفته‌اند مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌جای خودش باقی است.

آقای مؤمن - این دو تا کلمه‌ای که به ماده واحده و تبصره‌ی (۱) اضافه شده است هم ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - خیر، آنها هم ایرادی ندارد.

آقای مؤمن - همین دیگر.^(۱)

طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی

منشی جلسه - دستور بعدی «طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی»^(۲) است.

«موضوع استفساریه:

با اینکه حقوق و حق بیمه سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد مذکور به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است، آیا مستمری بازنشستگان موضوع ذیل ماده (۷۷)

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۷۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۵۲/۴۴۶۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۹۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۶، «طرح تعیین تکلیف تأمین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده‌اند» که با اصلاحاتی در جلسه مورخ هفدهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۱۳/۴۴۶۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۱، نظر خود مبنی بر مغایرت مفاد این مصوبه با اصل (۷۳) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

قانون تأمین اجتماعی^(۱) باید بر اساس میانگین بیمه‌پردازی دو سال آخر (سال ۲۹ و ۳۰) محاسبه گردد یا خیر؟

نظر مجلس:

بلی، باید بر اساس میانگین دو سال آخر محاسبه شود.»

آقای علیزاده - اجازه بدهید من در مورد جریان این استفساریه یک توضیحی بدهم. ضمناً یک نامه‌ای هم وزارت رفاه در این خصوص نوشته و به شورا ارائه داده است. در گذشته قانونی تصویب شده است که مطابق آن هر کارمندی که بیست و پنج سال سابقه‌ی کار داشته باشد، دولت و دستگاه مربوطه می‌تواند پنج سال باقی‌مانده از خدمتش را به او ارفاق کند، یعنی پنج سال به او اضافه بدهد تا این فرد زودتر بازنشسته شود.^(۲) حکم این قانون، «می‌تواند» بود [و لذا الزامی برای قبول درخواست

۱. ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، اصلاحی ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۷- میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از (۳۵/۳۰) سی و پنج، سی‌ام متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید. تبصره- متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده، ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر بیست و چهار.»

۲. ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت، مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت سه سال کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشند با حداکثر پنج‌سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس سی‌سال پرداخت خواهد شد. حداقل سنوات قابل قبول برای استفاده بانوان شاغل از این حکم بیست سال بوده و حداکثر سنوات ارفاقی آنان پنج سال خواهد بود. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس سنوات خدمت قابل قبول آنان محاسبه و پرداخت خواهد شد.

تبصره ۱- دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون مکلفند بار مالی ناشی از اجراء این قانون در سال ۱۳۸۶ را از محل اعتبارات سال جاری خود پرداخت نمایند. اعتبار مورد نیاز برای سال‌های آتی در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و تأمین خواهد شد.

تبصره ۲- سهم صندوق‌های بازنشستگی بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و نیز کسور بازنشستگی و یا حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما نسبت به سنوات ارفاقی از محل اعتبارات تبصره (۱) تأمین و به صندوق‌های مذکور پرداخت خواهد شد.

تبصره ۳- شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند صرفاً با استفاده از منابع

بازنشستگی پیش از موعد برای دستگاه‌ها ایجاد نمی‌کرد. [خب، بعضی از دستگاه‌ها این قانون را اجرا کردند و بعضی دیگر مثل قوه قضائیه، آن را اجرا نکردند. اما عده‌ای از این بازنشستگان] به خاطر برداشت‌هایی که در مقام اجرا از این قانون شد] به دیوان عدالت اداری شکایت کردند. اینها شکایت کردند که [مطابق ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی و تبصره‌ی ذیل آن] منظور از احتساب دو سال آخر در تعیین مستمری بازنشستگی، این نیست که آن دو سال آخر خدمت (۲۵) سال را که عملاً اشتغال داشته‌ایم ملاک قرار دهند، بلکه باید آن پنج سال سنوات ارفاقی را هم بر آن اضافه کنند. یعنی سال‌های (۲۹) و (۳۰) که از سنوات ارفاقی خدمت بوده را باید ملاک تعیین مستمری بازنشستگی قرار دهند. در این مورد، بعضی از شعب دیوان عدالت اداری به نفع شاکیان رأی دادند، ولی برخی دیگر رأی ندادند. بالاخره چون آرا متفاوت بود، پرونده‌ها برای اظهار نظر نهایی به هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ارسال شد. هیئت عمومی هم به این رأی داد که دو سال آخر خدمت واقعی، یعنی سال‌های (۲۴) و (۲۵) باید ملاک محاسبه‌ی مستمری بازنشستگی در نظر گرفته شود، نه دو سال آخر با احتساب سنوات ارفاقی.^(۱)

→

مالی خود، کارکنان واجد شرایط خود را به نحو مقرر در این قانون بازنشسته نمایند.
تبصره ۴- کارکنانی که به استناد این قانون بازنشسته می‌شوند از حقوق و مزایای سایر قوانین و مقررات که برای کارکنان بازنشسته در نظر گرفته شده است بهره‌مند خواهند بود.
تبصره ۵- آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»
گفتنی است حکم مقرر در این قانون، به موجب «قانون تمدید قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶»، از تاریخ اتمام مهلت اجرای آن، به مدت پنج سال دیگر تمدید شد.
۱. رأی شماره (۶۷۴) مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری: «... نظر به اینکه مطابق ماده (۹) قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب سال ۱۳۷۹، مبنای حقوق بازنشستگی یا وظیفه مستخدمان مشمول عبارت است از معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنان در ۲ سال آخر خدمت که ملاک کسور بازنشستگی است و در ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی میزان مستمری بازنشستگی تابعی از متوسط مزد یا حقوق شناخته شده است و به موجب بند (۵) ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ مزد یا حقوق، عبارت است از هرگونه وجه یا مزایای نقدی و غیرنقدی مستمر که در مقابل کار به بیمه‌شده داده می‌شود و در ایامی که سنوات ارفاقی در اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵

←

آقای جنتی - ظاهر قانون هم همین است؛ قاعده‌اش هم همین است.

آقای علیزاده - بله، قاعدتاً هم همین درست است. حالا الآن دوباره همین را به صورت طرح استفساریه در مجلس مطرح کرده‌اند. این تفسیر می‌گوید مستمری بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی باید مطابق دو سال آخر، یعنی دو سال آخر بعد از اضافه شدن آن پنج سال ارفاقی، محاسبه شود. اما آقایان مسئول در تأمین اجتماعی می‌گویند اولاً این مصوبه، برای ما بار مالی دارد؛ ثانیاً [با این نحو محاسبه]، مستمری افراد با بیست و پنج سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه، ده درصد بیشتر از کسانی که بدون ارفاق سی سال خدمت می‌کنند و حق بیمه پرداخت می‌کنند می‌شود. یعنی آن‌طور که اینها محاسبه کرده‌اند، به ما می‌گویند [در صورتی که به نحو مقرر در این استفساریه عمل کنیم]، حقوق بازنشستگی که به بازنشستگان پیش از موعد پرداخت می‌شود، ده درصد اضافه‌تر از سی سال خدمت‌کرده‌ها می‌شود. نماینده‌ای که طراح این استفساریه است، آقای جعفرزاده نماینده‌ی مردم رشت در مجلس که جانباز هم هست، ایشان به اینجا آمد و با من در مورد این طرح استفساریه صحبت کرد. من هم نامه‌ی سازمان تأمین اجتماعی را که در مورد همین استفساریه است به ایشان دادم و گفتم: شما این را ببر و بخوان و جواب آن را تهیه کن [و برای ما بفرست]. ایشان هم جوابی تهیه کرده و خدمت حضرت آیت‌الله جنتی فرستاده است. یک کپی از آن را هم به من داد. ایشان در صحبت شفاهی که با من داشت، گفت که قبل از آقای مرتضوی،^(۱) این مستمری را [با محاسبه‌ی سی سال خدمت به بازنشستگان پیش از موعد] می‌دادند، اما ایشان که به سازمان آمد، آن نظام پرداخت قبلی را لغو کرد. البته این صحبت ایشان

→

اعطا شده است، حقوق اشتغال پرداخت نمی‌شود تا مبنای تعیین میزان مستمری قرار گیرد و از طرفی به موجب قانون اخیرالذکر صرفاً به سنوات خدمت انجام‌شده مستخدم حداکثر پنج سال اضافه می‌شود که در میزان مستمری مورد محاسبه قرار می‌گیرد و تأثیری در تعیین میانگین دستمزد دو سال آخر خدمت ندارد، بنابراین دادنامه شماره (۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۲۰۰۴۴۱ - ۱۳۹۰/۱۰/۲۸) شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت در حدی که متضمن این معنی است و مستمری بازنشستگی را با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم، مورد حکم قرار داده است، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند (۲) ماده (۱۹) و ماده (۴۲) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

۱. سعید مرتضوی، رئیس سازمان تأمین اجتماعی (اسفند ۱۳۹۰ - مرداد ۱۳۹۲).

اشتباه است؛ چون ظاهراً آن زمانی که به این صورت پرداخت می‌کردند، به خاطر همان بود که بعضی شعب دیوان عدالت اداری این‌جوری رأی دادند. من برداشتم این است. الان آقایان [= مسئولان سازمان تأمین اجتماعی] می‌گویند این استفساریه بار مالی دارد. علاوه بر این می‌گویند که اگر مفاد این استفساریه عملی بشود، حکم آن فقط مربوط به کارمندانی است که تحت پوشش تأمین اجتماعی هستند و کارمندهای رسمی که تابع تأمین اجتماعی نیستند، حکمشان غیر از این است؛ که این خودش، ایجاد یک نوع تبعیض بین آنها است. یک چنین حرفی را دفتر ما [= مرکز تحقیقات شورای نگهبان] هم گفته است.^(۱) بله، حالا به هر حال جریان این استفساریه به‌طور کلی این‌گونه است. واقعش هم این است که قانون می‌گوید «دو سال آخر خدمت» [باید ملاحظه نظر قرار گیرد] و اصلاً بحث پنج سال خدمت ارفاقی در آن مطرح نیست. در نامه‌ای هم که از وزارت رفاه و تأمین اجتماعی به‌دست ما رسیده، نوشته‌اند که این استفساریه اصلاً تفسیر نیست و در واقع این یک تقنین جدید است که مجلس دارد انجام می‌دهد و این همان ایرادی است که شورای نگهبان همیشه به چنین استفساریه‌هایی می‌گیرد و می‌گوید این تفسیر نیست و تقنین است. حرفشان این است.

آقای جنتی - بله، این تفسیر، خلاف ظاهر قانون [= ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] هم است.

آقای علیزاده - بله، به نظر من آنچه که قانون می‌گوید این است که تعیین میزان مستمری بازنشستگی با توجه به میانگین دستمزد دو سال آخر خدمت شخص است نه دو سال آخر از پنج سالی که پیش از موعد به او ارفاق شده است و آن مدت را رسماً در حال خدمت نبوده است.

آقای اسماعیلی - ماده (۷۷) اصلاً بحث دو سال آخر خدمت را مطرح نکرده است، بلکه گفته «ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه»؛ یعنی آن سال ۲۴ و ۲۵. در

۱. «با توجه به اینکه استفساریه حاضر، تنها شامل بازنشستگی می‌شود که مشمول قانون تأمین اجتماعی بوده‌اند و سایر بازنشستگان را شامل نمی‌شود، ایجاد چنین تبعیضی بین بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی و سایر بازنشستگان، ناروا بوده و نتیجتاً این مصوبه، مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی مبنی بر لزوم رفع تبعیضات ناروا می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰، ص ۳، قابل دسترسی در نشانی زیر:

حقیقت این تفسیری که مجلس از تبصره ماده (۷۷) کرده است، لغو این ماده و تغییر آن به یک چیز دیگر است.

آقای علیزاده - بله، این یعنی [قانون‌گذاری جدید که] در واقع تفسیر نیست.

آقای اسماعیلی - بله، این تفسیر نیست، ضمن اینکه واقعاً بار مالی هم دارد.

آقای مدرسی یزدی - بر مبنای تفسیر مجلس، یعنی تعیین میزان مستمری بازنشستگی باید بر اساس میانگین حق بیمه‌ی دو سال آخر ارفاق‌شده یعنی سال ۲۹ و ۳۰ باشد.

آقای اسماعیلی - خب بله دیگر.

آقای رهپیک - نه، چون اینها حق بیمه‌ی آن پنج سال سنوات ارفاقی‌شان را هم پرداخت می‌کنند، پس تبصره ماده (۷۷) بر سنوات (۲۹) و (۳۰) خدمت هم قابل صدق می‌تواند باشد. منتها اشکالش چیست؟ اشکالش این است که موضوع ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، اصلاً اینها [= بازنشستگان پیش از موعد] نیستند. الآن نمایندگان مجلس در این استفساریه آمده‌اند با استفاده از اطلاق ذیل ماده (۷۷) گفته‌اند که چون ذیل این ماده گفته سنوات (۲۹) و (۳۰)، پس کسانی که با بیست و پنج سال سابقه‌ی خدمت بازنشسته می‌شوند و حق بیمه‌ی پنج سال مابه‌التفاوت را هم پرداخت می‌کنند، اینها هم شامل این قاعده می‌شوند. خب، ظاهر این ماده همین است ولی اشکالش این است که این ماده برای کسانی نوشته شده که (۳۰) سال خدمت کرده‌اند و لذا گفته (۲۹) و (۳۰). بازنشستگان پیش از موعد، حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی را یک‌جا پرداخت می‌کنند، لذا به آنها دیگر نمی‌گویند (۲۹) و (۳۰) سال خدمت. این افراد آن چهار، پنج سال مابه‌التفاوت حق بیمه را یک‌جا پرداخت می‌کنند تا بتوانند زودتر بازنشسته شوند.

آقای مؤمن - خب، مگر دولت بعداً اینها را برایشان پرداخت نمی‌کند؟

آقای علیزاده - نه.

آقای مؤمن - چرا دیگر.

آقای اسماعیلی - صندوق بیمه‌ی تأمین اجتماعی فعلاً دولتی نیست.^(۱)

آقای مؤمن - عرض بنده این است که این کارمندان حق بیمه‌ی (۲۵) سال خدمتشان

۱. ماده (۴) اساسنامه صندوق تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۰ هیئت وزیران: «ماده ۴- صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد و به صورت مؤسسه عمومی غیردولتی زیرمجموعه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، طبق مقررات این اساسنامه و سایر قوانین و مقررات مربوط اداره خواهد شد.»

را خودشان داده‌اند، اما این پنج سال ارفاقی را چه کسی می‌دهد؟ حق بیمه‌ی این (۵) سال را نه خودشان و نه دولت، هیچ‌کدام به سازمان تأمین اجتماعی نمی‌پردازند؟!
آقای رهپیک - چرا، حق بیمه را می‌دهند.

آقای مؤمن - همین دیگر.

آقای رهپیک - متتها حقوقشان چه می‌شود؟

آقای مؤمن - وقتی حق بیمه‌ی این (۵) سال را می‌پردازند، آن وقت دیگر وضعیت این افراد با مفاد ماده (۷۷) منافاتی ندارد. چون در این ماده نیامده است که پرداخت حق بیمه، فقط برای (۲۵) سال باشد. پرداخت حق بیمه‌ی اینها فقط تا سال (۲۴) و (۲۵) نیست، بلکه دولت حق بیمه‌ی پنج سال بعد آنها را هم ارفاقاً داده است.

آقای عزیزاده - نه، دولت حق بیمه‌ی این پنج سال را پرداخت نمی‌کند.

آقای مؤمن - چرا دیگر، پرداخت می‌کند.

آقای رهپیک - نه، آن را پرداخت می‌کنند.

آقای مؤمن - بله، پرداخت می‌کنند.

آقای رهپیک - الآن بحث بر سر این است که مبدأ محاسبه‌ی حقوق این افراد از چه زمانی است؟ خب، حق بیمه‌ی پنج سال سنوات ارفاقی را دولت پرداخت می‌کند اما حقوق این بازنشستگان پیش از موعد را از چه زمانی محاسبه کنند؟ یعنی محاسبه‌ی میزان حقوق بازنشستگی بر اساس همان بیست و پنج سال خدمت واقعی است یا این پنج سال را هم شامل می‌شود؟

آقای مؤمن - این‌طوری که عدالت نیست.

آقای ابراهیمیان - نه، برای پرداخت حقوق بازنشستگی متوسط حقوق شخص در نظر گرفته می‌شود.

آقای رهپیک - درست است.

آقای مؤمن - ماده (۷۷) در مورد «حقوق» نیست. اگر موضوع ماده (۷۷) «پرداخت حقوق» بود، اشکالتان [آقای رهپیک] وارد بود، ولی موضوع این ماده «پرداخت حق بیمه» است که حق بیمه‌ی پنج سال ارفاقی را هم اینها داده‌اند.

آقای رهپیک - میزان مستمری که بعداً این بازنشسته‌ی پیش از موعد می‌خواهد بگیرد را چگونه حساب کنند؟ اگر کسی (۳۰) سال خدمت کرده، خب سنوات خدمتش پُر

شده و مبدأ محاسبه‌ی حقوق بازنشستگی‌اش روشن است ...

آقای مؤمن - نه، ماده (۷۷) اعم است [و شامل هر دو می‌شود].

آقای رهپیک - نه، موضوع ماده (۷۷) در مورد کسانی است که سی سال خدمت کرده‌اند. این که شما می‌گویید حکمش است.

آقای مؤمن - نه، ماده (۷۷) اعم است.

آقای رهپیک - نه، چون در ابتدای ماده می‌گوید «یک سی و پنجم».

آقای ابراهیمیان - نه، «یک سی و پنجم متوسط».

آقای رهپیک - فرقی نمی‌کند؛ «یک سی ام».

آقای ابراهیمیان - شما متوسط دستمزد یا حقوق فرد را باید محاسبه کنید که در این صورت اگر طرف، (۱۰) سال هم کار کرده باشد، ما می‌توانیم معدل‌گیری کنیم و متوسط دستمزد یا حقوقش را محاسبه کنیم. در این ماده (۷۷) گفته است «یک سی و پنجم متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده»^(۱) [البته به شرطی که از مقدار خاصی که در متن ماده به آن اشاره شده است، تجاوز نکند].

آقای رهپیک - نه، در اصلاح‌شده‌اش [= اصلاحیه‌ی مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۱۶] آمده است: «یک سی ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده»^(۲).

آقای مؤمن - اتفاقاً همان اصلاح‌شده‌اش را ملاحظه بفرمایید، بهتر است. می‌بینید که «یک سی ام» را آورده است.

آقای رهپیک - «یک سی ام» مربوط به کسی است که سی سال کار کرده است.

آقای مؤمن - نه.

آقای ابراهیمیان - نه، آن‌طور نیست. «یک سی ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده» به سی سال خدمت ارتباطی ندارد.

۱. ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ مجلس شورای ملی: «ماده ۷۷- میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی و پنجم متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از صد درصد متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید.»

۲. ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، اصلاحی ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۷- میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر آنکه از (۳۵/۳۰) سی و پنج سی ام متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید.»

آقای مؤمن - بله، این نیست؛ حکم ماده (۷۷) اعم است.

آقای رهپیک - چرا؟

آقای مؤمن - ببینید، در قانون سال ۱۳۵۴ «یک سی و پنجم» آمده بود که مجلس آن را در اصلاحیه‌ی سال ۱۳۷۱ خود، به «یک سی‌ام» تبدیل کرد که اعم است.

آقای ابراهیمیان - قبلاً «یک سی و پنجم متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه» بوده است.

آقای مؤمن - بله، ولی الآن «یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه» می‌شود.

آقای ابراهیمیان - بالاخره گفته شده است «متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده». این متوسط را هم یا برای (۲۵) سال یا (۳۰) سال یا (۱۰) سال یا ... به دست می‌آوریم [و لذا طریقه‌ی محاسبه‌ی آن فرقی نمی‌کند]. عرض من این است که این استفساریه، «تفسیر» است و خروج موضوعی از ماده (۷۷) ندارد. چون ماده (۷۷) می‌گوید که شما یک متوسط از حقوق سال‌های خدمت هر فرد در بیاور؛ هر چقدر که کار کرده است [و کاری به بازنشستگی با سی سال سابقه یا بیست و پنج سال سابقه ندارد]. بعد [طبق قانون سال ۱۳۵۴] آن متوسط را ضرب در یک سی و پنجم کن. اصلاحیه‌ی سال ۱۳۷۱ ارفاق کرده و این فرمول را به این صورت تغییر داده است که متوسط میزان کار فرد به جای یک سی پنجم، ضرب در یک سی‌ام شود. حالا قسمت بعدی ماده (۷۷) می‌گوید که حاصل به دست آمده از فرمول بالا را ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه‌ی فرد کن. این‌طور که برخی دوستان فرمودند، حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی، یعنی همان پنج سال را هم دولت پرداخت می‌کند که البته من از این قضیه اطلاع ندارم. پس اگر دولت هم حق بیمه‌ی سهم خودش و هم سهم این کارمند را برای سنوات ارفاقی پرداخت می‌کند، می‌توانیم میزان مستمری کارمند را از متوسط حق بیمه‌ی پرداخت‌شده توسط دولت در دو سال آخر، محاسبه کنیم. بنابراین طرح استفساریه از این نظر که تفسیر است اشکالی ندارد، ولی حالا ممکن است اشکالات دیگری داشته باشد.

آقای رهپیک - اصلاً ببینید چنین کارمندی که پیش از موعد بازنشسته شده است، پرداختی سال (۲۹) و (۳۰) نداشته است؛ چون در این سال‌ها اصلاً حقوق نگرفته است.

آقای مؤمن - حق بیمه‌ی این پنج سال را دارد.

آقای اسماعیلی - بیمه‌ی این پنج سال را دولت پرداخت می‌کند.

آقای ابراهیمیان - اسم حق بیمه‌ی این سنوات ارفاقی را هر چه بگذاریم، باز حق بیمه است. حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی هم که معادل پنج سال است به نرخ همان سال آخر خدمت، یعنی سال بیست و پنجم خدمت پرداخت می‌شود. سازمان تأمین اجتماعی هم میزان مستمری بازنشستگی افراد را یک‌جا و مطابق همین حق بیمه محاسبه می‌کند و بر اساس همین محاسبه به او مستمری می‌دهد. یعنی مستمری سال‌های آینده هم با توجه به همین محاسبه و به مأخذ الآن پرداخت می‌شود. من می‌خواهم بگویم این موضوع بار مالی که گفته شد این مصوبه دارد، این همیشه و هر ساله هست.

آقای رهپیک - نه، اصلاً موضوع ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، این نیست. موضوع این ماده کسانی هستند که سی سال خدمت کرده‌اند و برای تعیین میزان مستمری بازنشستگی، متوسط حق بیمه و حقوق دو سال آخر خدمتشان در نظر گرفته می‌شود.

آقای مؤمن - نه، این طور نیست.

آقای رهپیک - کارمندی که با بیست و پنج سال خدمت بازنشسته می‌شود، بیست و پنج سال خدمت کرده است. به همین دلیل به او می‌گویند «بازنشسته‌ی پیش از موعد». حق بیمه‌ی آن پنج سال ارفاقی را یک‌جا با مأخذ و شاخص همان سالی که دارد بازنشست می‌شود، نه پنج سال آینده، محاسبه می‌کنند و به حساب تأمین اجتماعی واریز می‌کند. حقوقش [= مستمری بازنشستگی] را هم بر اساس الآن [= همان سالی که بازنشسته می‌شود]، محاسبه می‌کنند. به او که نمی‌گویند پنج سال دیگر بیا تا ببینیم حقوقت چقدر شده است!

آقای علیزاده - این حق بیمه‌ی پنج‌ساله‌ی ارفاقی را می‌دهند تا بتوانند به این آقا [= بازنشسته پیش از موعد] حقوق مستمری سی‌روزه و کامل بدهند، نه به این عنوان که معدل حقوقش را هم به عنوان سی روز حساب کنند، اما این آقا بیست و پنج سال کار کرده است. دولت به شما، آن کارمند یا آن دستگاه، این اضافه را می‌دهد که شما بتوانید به او [پس از بازنشستگی پیش از موعد] حقوق سی روز را بدهید. حقوق سی روزی را بدهید که میزان مستمری‌اش با میانگین بیست و پنج سال کارکرد محاسبه شده است نه سی سال؛ چون این آقا اصلاً آن پنج سال را کار نکرده است. پس کارمندی که این سنوات را کار نکرده است، ارفاقی که به او می‌شود این است که حقوق بیست و پنج

روز را به او نمی‌دهیم، بلکه همان حقوق سی روز را به او می‌دهیم ولی با معدل حقوقی بیست و پنج سال، نه سی سال. کارمندی که پیش از موعد بازنشسته شده است، مستمری سی روز کامل را می‌گیرد ولی مبنای پرداخت مستمری او، متوسط حقوق و حق بیمه‌ی دو سال آخر سی سال در نظر گرفته نمی‌شود.

آقای رهپیک - [بله، چون اگر غیر از این باشد،] پس این خیلی خوب است و همه می‌روند پیش از موعد بازنشسته می‌شوند.

آقای مؤمن - مجلس این را قبول ندارد.

آقای مدرسی یزدی - من [در فهم ماده (۷۷) «قانون تأمین اجتماعی»] یک اشتباهی کردم که این را باید عرض کنم. بحث ماده (۷۷) در مورد مزد یا حقوق است، نه حق بیمه؛ چون در تبصره‌ی آن آمده است: «متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر بیست و چهار». پس موضوع بحث در اینجا «حقوق» است نه «حق بیمه». پس کارمندی که پیش از موعد بازنشسته می‌شود، چون در سنوات ارفاقی حقوقی دریافت نکرده است، دو سال آخرش، اصلاً شامل (۲۹) و (۳۰) سال این ماده نمی‌شود.

آقای عزیزاده - بله، شاملش نمی‌شود.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم. طبق قانون [= ماده واحده «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت»] گفته‌اند که کسانی که بیست و پنج سال سابقه‌ی کار دارند و درخواست بازنشستگی می‌کنند و رئیس اداره‌ی محل خدمت هم با این درخواست موافق است، پنج سال باقی‌مانده از تعهد خدمتی را به اینها ارفاق می‌کنند. «ارفاق کنید» معنایش این است که بیست و پنج سال خدمتشان را سی سال خدمت حساب کنید.

آقای عزیزاده - از جهت دریافت حقوق.

آقای سلیمی - چرا از جهت دریافت حقوق؟ این جهت را شما از کجا می‌آورید؟ «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت» می‌گوید، پنج سال باقی‌مانده به کارمند ارفاق می‌شود، یعنی ما یک سری کارمند داریم که احتمالاً اضافه بر نیاز و غیره هستند، اینها با موافقت رئیس اداره‌ی محل خدمت، پیش از موعد بازنشست شوند. این کار دو فایده دارد: هم جا برای حضور نیروهای جدید باز می‌شود، هم نیروهای سربار

از اداره خارج می‌شوند. درست است بیست و پنج سال خدمت را سی سال در نظر گرفتن، ارفاق محسوب می‌شود و کارمند هم عملاً مزایای پنج سالی که خدمت نکرده را دریافت می‌کند، ولی بالاخره قانون‌گذار این را لحاظ کرده است و بیست و پنج سال خدمت این افراد را سی سال تلقی کرده است. سازمان تأمین اجتماعی هم حق بیمه‌ی سی سال را از این افراد می‌گیرد، چون حقوقش را می‌خواهد پرداخت کند. خوب اصلاً چرا سازمان حق بیمه‌ی آن پنج سال بعدی را می‌گیرد ولی وقتی می‌خواهد مستمری فرد را پرداخت کند، آن پنج سال را نمی‌خواهد پرداخت کند؟! خوب باید محاسبه‌ی مستمری بازنشستگی هم بر اساس سی سال خدمت باشد نه بیست و پنج سال.

آقای رهپیک - طبق قانون [= ماده (۷۷) «قانون تأمین اجتماعی»] باید به کارمندان بیست و پنج سال خدمت، مستمری معادل بیست و پنج روز بدهند. کسی که با بیست سال خدمت بازنشسته شده است هم مستمری‌اش معادل بیست روز کاری است.

آقای سلیمی - اگر این قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت]، نبود به اینها ماهیانه حقوقی معادل بیست و پنج روز پرداخت می‌کردند. اما با تصویب این قانون، این قانون گفته که این فرد را سی‌روزه فرض کنید و سی‌روزه تلقی کنید و سی‌روزه به او مستمری بدهید. همه چیزش را سی‌روزه بدهید.

آقای علیزاده - نه.

آقای سلیمی - هیچ کدام از مزایای کارمندان پیش از موعد بازنشسته شده نباید از نرخ سی روز کمتر باشد. معنای این «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت»، همین است که این بیست و پنج سال خدمت این افراد را جایگزین سی سال خدمت کرده‌اند. دریافت مستمری کامل جزو حقوق مکتسبه‌ی کارمندان است. شما که نمی‌خواهید حقوق مکتسبه‌ی دیگران را ضایع کنید و بگویید برخی کارمندان از برخی حقوق خود محروم شوند!

آقای علیزاده - این حق مکتسبه نیست.

آقای سلیمی - آقای علیزاده، این طور که شما می‌فرمایید، حقوق بازنشستگی این دسته از کارمندان کم می‌شود، دریافتی ماهانه‌اش کم می‌شود. یعنی با این قانون، در طول باقی‌مانده‌ی عمرش، حقوقش کمتر پرداخت می‌شود. تا آخر عمرش حقوقش کمتر پرداخت می‌شود. یعنی این افراد تا آخر عمر متضرر می‌شوند. این کارمندی که

می‌خواهید مستمری‌اش را به نرخ بیست و پنج سال خدمت حساب کنید، بنای قانون این بوده که حقوق کامل بگیرد. این را باید سی سال خدمت فرض کنیم. به نظر من همه چیز این کارمند را باید بر مبنای سی سال خدمت به او بدهیم. قانون‌گذار این را گفته است. این حرف من نیست، بلکه خود قانون‌گذار این را گفته است. حالا ما بگوییم نه، قانون‌گذار چیز دیگری می‌خواهد بگوید!

آقای رهیک - نه، قانون‌گذار این را نمی‌خواهد بگوید.

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحيم. من فکر می‌کنم دولت با «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت» می‌خواسته بر اساس وضعیتی که در شرایط کشور دیده، یک امتیازی برای کارمندان قائل شود و آنها را با بیست و پنج سال سابقه‌ی خدمت بازنشسته کند. در قانون هم گفته که مابه‌التفاوت حق بیمه‌ی این پنج سال را هم دولت پرداخت کند^(۱) تا این اشخاص برای بازنشسته شدن رغبت پیدا کنند. تنها مسئله‌ی مهمی که در اجرای این قانون باقی می‌ماند، این است که مقیاس پرداخت حقوق بازنشستگی این کارمندان، (۲۹) و (۳۰) سال خدمت باشد یا (۲۴) و (۲۵) سال. به نظر من رأی وحدت رویه‌ی دیوان عدالت اداری که جناب آقای علیزاده هم به آن اشاره کردند، از نظر تفسیر قانون [= ماده (۷۷) «قانون تأمین اجتماعی»]، دیگر مطلب را تمام کرده است؛ یعنی تشخیص دیوان عدالت اداری از این جهت که ماده (۷۷) چه می‌خواهد بگوید و آیا منظور این ماده این است که مستمری بر مبنای دو سال آخر خدمت پرداخت شود یا بر مبنای سنوات (۲۹) و (۳۰)، قضیه را روشن کرده است. به نظر من این تشخیص دیوان عدالت اداری هم با رعایت تمام موازین قانونی و صحیح صادر شده است و قاطع مسئله است. یعنی اگر ما بخواهیم از خود قانون [= ماده (۷۷) «قانون تأمین اجتماعی»] برداشتی داشته باشیم، می‌بینیم که قانون هم چیزی جز آنچه در رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری آمده است، نمی‌گوید. بنابراین به نظر من آنچه که مجلس در ارتباط با این ماده به عنوان تفسیر آورده است، تفسیر نیست؛ یعنی این استفساریه‌ی مجلس، چیزی است که خود قانون‌گذار نسبت به آن نظر نداشته است. اما اگر اجازه بدهید متن رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری را هم بخوانیم، چون این رأی تمام مباحثی که در زمینه‌ی ماده (۷۷) مطرح است را

۱. تبصره (۱) و (۲) ماده واحده «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت».

بیان کرده است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری رأی نهایی خود را با توجه به تعارضی که در مجموع آرای شعب دیوان عدالت اداری احراز کرده صادر کرده است؛ چون یک سری از شعب به معیار سنوات (۲۹) و (۳۰) حکم می‌کردند و برخی دیگر از شعب به معیار (۲۴) و (۲۵) سال. به هرحال رأی نهایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در قسمت ماهیتی‌اش این است: «... نظر به اینکه مطابق ماده (۹) قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب سال ۱۳۷۹،^(۱) مبنای حقوق بازنشستگی یا وظیفه مستخدمان مشمول عبارت است از معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنان در ۲ سال آخر خدمت که ملاک کسور بازنشستگی است و در ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی میزان مستمری بازنشستگی تابعی از متوسط مزد یا حقوق شناخته شده است و به موجب بند (۵) ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ مزد یا حقوق، عبارت است از هرگونه وجه یا مزایای نقدی و غیرنقدی مستمر که در مقابل کار به بیمه‌شده داده می‌شود و در ایامی که سنوات ارفاقی در اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ اعطا شده است، حقوق اشتغال پرداخت نمی‌شود تا مبنای تعیین میزان مستمری قرار گیرد و از طرفی به موجب قانون اخیرالذکر صرفاً به سنوات خدمت انجام‌شده مستخدم حداکثر پنج سال اضافه می‌شود که در میزان مستمری مورد محاسبه قرار می‌گیرد و تأثیری در تعیین میانگین دستمزد دو سال آخر خدمت ندارد، بنابراین دادنامه شماره (۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۲۰۰۴۶۱-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۲۰۰۴۶۱) شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری مبنی بر رد شکایت در حدی که متضمن این معنی است و مستمری بازنشستگی را با لحاظ دو سال آخر سنوات واقعی خدمت مستخدم، مورد حکم قرار داده است، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند (۲) ماده (۱۹) و ماده (۴۲) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب

۱. ماده (۹) قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- مستخدمین موضوع مواد (۱۴۳) و (۱۴۴) قانون استخدام کشوری که در یکی از مؤسسات دولتی مستثنی شده از قانون استخدام کشوری خدمت می‌نمایند، تابع قانون نظام هماهنگ پرداخت و قوانین اصلاحی آن باشند، هنگام بازنشستگی یا فوت و یا از کارافتادگی، معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی آنان که ملاک کسور بازنشستگی است در دو سال آخر خدمت مبنای حقوق بازنشستگی یا وظیفه خواهد بود.»

دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»^(۱) به نظر من آنچه که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حکم کرده، کاملاً منطبق با واقعیتی است که به لحاظ قوانین باید انجام بگیرد. مجلس شورای اسلامی هم اگر بخواهد مسئله‌ی جدیدی را در قالب این تفسیر وضع کند، این مطلب جا نمی‌گیرد. شاید مصلحتی که مجلس در این استفساریه در نظر گرفته است، مناسب حال بازنشستگان پیش از موعد باشد، اما به نظرم مجلس باید برای اجرایی کردن نظر خود یک طرح جدیدی ارائه دهد و در آن طرح، فرمول تعیین مستمری بازنشستگان را به نحوی توسعه دهد که شامل این دسته از کارمندان هم بشود؛ و آلاً با توجه به وضعیتی که فعلاً هست، تأیید نظر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و رد نظر مجلس اولی است.

آقای عزیزاده - اجازه دهید این قانون [= ماده واحده‌ی «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت»] که اجازه‌ی بازنشستگی پیش از موعد داده را هم بخوانیم.

آقای اسماعیلی - اصلاً این قانون، الآن معتبر است؟

آقای عزیزاده - نه، مربوط به قبل است. این استفساریه هم بازنشستگی‌های مربوط به زمان اعتبار آن قانون را دارد می‌گوید.

آقای اسماعیلی - این قانون اصلاً برای سه سال اجازه‌ی اجرا داشته است.

آقای عزیزاده - بله، درست است. در آن سه سال، عده‌ای بر اساس آن قانون، بازنشسته‌ی پیش از موعد شدند و از دستگاه‌های دولتی رفتند. الآن این استفساریه، وضعیت همان‌ها را دارد می‌گوید.

آقای ابراهیمیان - البته این قانون در سال‌های بعد یکی دو بار هم تمدید شد.^(۲)

آقای عزیزاده - قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت: «ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت سه سال کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشند با حداکثر پنج سال سنوات ارفاقی بدون

۱. رأی شماره (۶۷۴) مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

۲. «قانون تمدید قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶»، مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده - قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۶/۵ از تاریخ اتمام مهلت اجرای آن، به مدت پنج سال تمدید می‌گردد.»

شرط سنی در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس سی سال پرداخت خواهد شد. حداقل سنوات قابل قبول برای استفاده بانوان شاغل از این حکم بیست سال بوده و حداکثر سنوات ارفاقی آنان پنج سال خواهد بود. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس سنوات خدمت قابل قبول آنان محاسبه و پرداخت خواهد شد. این قانون، حتی پاداش پایان خدمت را هم گفته که بر اساس بیست و پنج سال بدهند.

آقای مدرسی یزدی - نه، پرداخت پاداش بر اساس سی سال محاسبه می شود.

آقای علیزاده - بله، گفته است پاداش پایان خدمت را گفته بر مبنای سی سال می دهم.

آقای مدرسی یزدی - خب، همین قرینه ای است بر اینکه ممکن است میزان مستمری این بازنشستگان هم سی ساله محاسبه شود.

آقای رهپیک - نه، پاداش پایان خدمت با مستمری فرق می کند.

آقای علیزاده - خب، اگر قرار بود مستمری هم سی ساله پرداخت شود، همین قانون آن را می گفت.

آقای مدرسی یزدی - پس نحوه ی محاسبه ی میزان مستمری بازنشستگی، واقعاً به تفسیر نیاز داشته است.

آقای علیزاده - قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت را که الآن اینجا هست و دارید می بینید. حالا در جریان نحوه ی اجرای این قانون هم قرار بگیرید. دستگاه های دولتی پس از ابلاغ این قانون معمولاً کارمندانی را پیش از موعد بازنشسته کردند که دیگر به درد مجموعه ی محل خدمتشان نمی خوردند. اما بسیاری از دستگاه ها حتی یک نفر را هم بازنشسته نکردند. برخی از همکارانی که الآن اینجا تشریف دارند هم از این وضعیت اطلاع دارند.

آقای مدرسی یزدی - در کدام قانون می گوید که حق بیمه ی این پنج سال ارفاقی را چگونه پرداخت کنند؟

آقای علیزاده - شما به استدلال هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی صادر شده درباره ی تعیین مستمری بازنشستگی توجه فرمودید؟ در مورد نحوه ی احتساب حقوق بازنشستگی، استدلال بسیار قشنگی کرده اند.

آقای ابراهیمیان - خود ما هم اگر قاضی پرونده باشیم و به ما بگویند کدام یک از این

دو تفسیر را از قانون، استظهار می‌کنید، ممکن است بگوییم همین [نظر هیئت عمومی دیوان] صحیح است، ولی آیا می‌توانیم بگوییم آن استنباط دیگری که پنج سال ارفاقی را نازل منزله‌ی شغل و کار قرار می‌دهد، خروج موضوعی دارد و اصلاً تفسیر قانون نیست؟ حتی اگر آن استنباط، تفسیر ضعیفی هم باشد، ما نمی‌توانیم چنین چیزی را بگوییم و قوت و ضعف تفسیرهای مجلس را کنترل کنیم. این استفساریه همین که تخصصاً از موضوع قانون خارج نباشد و خروج موضوعی نداشته باشد، تفسیر محسوب می‌شود، ولو این تفسیر را با احتمال ضعیف بتوان به الفاظ این قانون نسبت داد. وظیفه‌ی ما در شورای نگهبان صرفاً کنترل مصوبات مجلس است که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی نباشد.

آقای رهپیک - اول باید موضوع این استفساریه، کاملاً روشن شود، بعد در مورد چگونگی تفسیر ارائه‌شده از قانون، اظهار نظر بشود. ما در بحث اشتغال یک اصل داریم که کارمند باید سی سال خدمت کند، بعد بازنشسته شود. سی سال حق بیمه پرداخت کند تا سی سال سابقه برایش محاسبه شود.^(۱) این نکته‌ی اول. نکته‌ی دیگر مربوط به پاداش پایان خدمت است. یک نکته هم تعیین میزان حقوق دوران بازنشستگی است، یعنی تعیین مستمری که فرد بیمه‌شده در دوران بازنشستگی می‌خواهد بگیرد. این مباحث باید از یکدیگر تفکیک شوند. این یک استثنا است که «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت» گفته است، و الاً اصل این است که کارمند باید سی سال خدمت کند. این قانون گفته کارمندی که باید سی سال خدمت کند، می‌تواند با وجود شرایطی با بیست و پنج سال خدمت، بازنشسته شود و معادل سی روز حقوق بگیرد. چون طبق قاعده، در موارد استثنایی که کسی مثلاً در بیست سالگی خدمت خود بازنشسته می‌شود، معادل بیست روز حقوق بازنشستگی دریافت

۱. ماده (۱۰۳) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰۳- دستگاه اجرایی با داشتن یکی از شرایط زیر می‌تواند کارمند خود را بازنشسته نماید:

الف) حداقل سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیر تخصصی و سی و پنج سال برای مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر با درخواست کارمند برای سنوات بالاتر از ۳۰ سال.

ب) حداقل شصت سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت با بیست و پنج روز حقوق.

تبصره ۱- «...»

می‌کند. همچنین کسی که با بیست و پنج سال خدمت بازنشسته می‌شود، حقوق بازنشستگی‌اش معادل بیست و پنج روز حقوق است. حالا این قانون می‌گوید ما به تو اجازه می‌دهیم که بعد از بیست و پنج سال خدمت بازنشسته شوی و دولت هم حق بیمه‌ی سنوات پنج ساله‌ی ارفاقیت را پرداخت کند، آن وقت ما برایت سی سال حساب می‌کنیم، از چه جهت؟ از جهت سابقه‌ات که سی روز حقوق کامل بگیری.

دوم، پاداش پایان خدمت. کارمندان دولت وقتی که بازنشسته می‌شوند، در آخر کار به آنها یک پاداشی تحت عنوان پاداش پایان خدمت می‌دهند. نحوه‌ی محاسبه‌ی پاداش پایان خدمت هم به این صورت است که مثلاً فرض بفرمایید به ازای هر سال، یک ماه پاداش به کارمند می‌دهند، یعنی اگر سی سال خدمت کرده باشد معادل سی ماه پاداش می‌گیرد؛ اگر بیست و هشت سال خدمت کرده باشد، معادل بیست و هشت ماه به او پاداش می‌دهند و پاداش پایان خدمت هم بحثی جداگانه است و ربطی به مستمری بازنشستگی ندارد. حالا وقتی می‌خواهند به بازنشستگان پیش از موعد مستمری بدهند، باید برای آنها حکم صادر کنند. الآن عملاً دارند چه کار می‌کنند؟ الآن عملاً دارند همین کار را می‌کنند. سی سال یعنی چه؟ سی سال یعنی حقوق سی روز به او می‌دهند، سی سال سابقه برای او حساب می‌کنند و الآن که می‌خواهند برای او حکم بزنند، حقوقی معادل سی روز را به او می‌دهند، نه بیست و پنج روز. منتها مأخذ اینکه الآن محاسبه می‌کنند که چه حکمی برای این فرد بازنشسته بزنند، از چه موقع است؟ الآن این همه احکامی که دولت صادر کرده است را اینها [= مجلس] می‌خواهد اصلاح کند. اما چگونه؟ الآن طبق قانون، حکم حقوقی که باید برای کسی که در پایان بیست و پنج سالگی با پرداخت پنج سال حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی بازنشست می‌شود، صادر شود، چه مقدار باید باشد؟ این حکم را چه کسی و با استناد به چه مأخذی صادر می‌کند؟ جواب همه‌ی این سؤالات، میانگین دو سال حقوق پایان خدمت کارمند است و اصلاً هم ربطی به پاداش پایان خدمت ندارد. همچنین ربطی به این ندارد که بیست و پنج سال خدمت را هم برای او سی سال محاسبه کنند. آن محاسبه‌ی سی سال به جای بیست و پنج سال خدمت، برای این بود که می‌خواهند سی روز به او حقوق بدهند. اگر این طوری نمی‌شد و حق بیمه‌ی آن پنج سال ارفاقی را هم پرداخت نمی‌شد، الآن که می‌خواستند برای او محاسبه کنند، دو سال آخر خدمت واقعی را ملاک قرار می‌دادند و

ماهنامه معادل بیست و پنج روز حقوق به او می‌دادند. میانگین بیست و پنج روز را برای او حساب می‌کردند. اما الآن چون حق بیمه‌ی پنج سال ارفاقی را داده است، میانگین سی روز دو سال آخر خدمت او را حساب می‌کنند. آن چیزی که قانون گفته و الآن طبق آن، همه‌ی دستگاه‌ها دارند اجرا می‌کنند، این است که خدمتتان عرض کردم. نکته‌ی بعد اینکه حالا شما توجه کنید، ببینید کسی که بیست و پنج سال خدمت کرده و بازنشسته شده و الآن برایش می‌خواهند حکم بزنند، خوب چگونه باید حکم آن را بر مبنای (۲۹) و (۳۰) سال محاسبه کنند؟! آیا می‌شود تا پنج سال صبر کرد و دید حقوق‌ها چقدر اضافه می‌شود، بعد حکم حقوق بازنشستگی آن شخص را صادر کنند یا صبر کنند و چهار سال دیگر حکمش را اصلاح کنند؟! این خودش یک تالی فاسد این نحوه برداشت از این موضوع است. الآن کارمندی که سی سال کامل خدمت کرده است و دولت هم برایش حق سنوات پنج‌ساله - مانند بازنشستگان پیش از موعد- پرداخت نکرده است، با بازنشسته‌ی پیش از موعد که بیست و پنج سال خدمت کرده و دولت حق بیمه‌ی پنج‌ساله‌اش را هم داده، حقوق مشابه با هم بگیرند! بلکه به نظر من، بازنشسته‌ی پیش از موعد، بیشتر هم دارد می‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - نه، چرا بیشتر بگیرد؟

آقای ره‌پیک - حالا فرض می‌کنیم که همان مقدار [مشابه سی‌ساله‌ها] بگیرد. [آیا این درست است؟]

آقای علیزاده - الآن در مورد پرداخت سنوات خدمت، دولت میزان مستمری بازنشستگان پیش از موعد را بر اساس نرخ سی‌ساله محاسبه نمی‌کند، بلکه می‌آید می‌گوید من او را سی‌ساله محسوب می‌کنم و بازنشسته‌اش می‌کنم، اما میزان مستمری‌اش را بر اساس یک ماه آخر سال (۲۵) محاسبه می‌کنم. یعنی سنوات خدمت را سی‌ساله در نظر می‌گیرد منتها با حقوق بیست و پنج سال خدمت. این را مثل یک کارمند زنده فرض نمی‌کند که حالا پنج سال دیگر به او حقوق بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً مشخص نیست [که در پنج سال آینده، حقوق کارمندان چقدر است].

آقای علیزاده - بله، آن زمان اصلاً مشخص نیست که حقوق چقدر است. دولت پاداش بازنشستگان پیش از موعد را مانند کارمندان سی سال خدمت پرداخت می‌کند،

یعنی به اندازه‌ی سی سال به او پاداش پایان خدمت می‌دهد، منتها حقوق سال بیست و پنجمش را ملاک قرار می‌دهد. اگر دولت می‌خواست این پاداش را بدون لحاظ قانون بازنشستگی پیش از موعد بدهد، باید معادل بیست و پنج روز به او می‌داد. تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی می‌گوید: «متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی». با توجه به این تبصره، مستمری بازنشستگی کارمند بیست و پنج سال خدمت بر اساس متوسط آخرین مزد یا حقوقش محاسبه می‌شود. این کارمند اصلاً سی سال حقوق نگرفته که بخواهند بر اساس آن مستمری برایش تعیین کنند. اصلاً نمی‌شود فرض کرد که این کارمند سی سال کار کرده تا بر اساس آن مستمری تعیین شود. درست است که دولت برای پنج سال ارفاقی وی هم حق بیمه پرداخت کرده است اما این حق بیمه بر اساس حق بیمه‌ی آخرین سال خدمت واقعی، یعنی سال بیست و پنجم پرداخت شده است. بنابراین دولت حقوق او را ضریب نمی‌زند و بعد بر اساس آن حق بیمه‌اش را پرداخت کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نحوه‌ی محاسبه‌ی پاداش پایان خدمت هم همین‌طور است.

آقای علیزاده - بله، پاداش پایان خدمت هم همین‌طور محاسبه می‌شود. مثلاً کارمندی که حقوق ماهیانه‌اش سه میلیون تومان است، اگر پیش از موعد و پس از بیست و پنج سال خدمت بازنشسته شود، علی‌القاعده باید حقوق بیست و پنج روزش را که دو میلیون و پانصد هزار تومان است ضرب در سی شود و به‌عنوان پاداش به او پرداخت شود؛ اما الآن با توجه به «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت»، سه میلیون تومان حقوق همین کارمند ضرب در سی شده و به‌عنوان پاداش به او پرداخت می‌شود ولی در هیچ صورتی گفته نمی‌شود حقوق بازنشستگان پیش از موعد برای تعیین پاداش با نرخی محاسبه شود که در پنج سال آینده به آن حد خواهد رسید.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی حقوق کارمند در پنج سال آینده چقدر می‌شود، ملاک نیست؟

آقای علیزاده - بله، پنج سال دیگر چقدر می‌شود، ملاک نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - پس آخرین حقوق را ضرب در ماه می‌کنند.

آقای علیزاده - مثل حالت اشتغال به کار است، البته نه مثل اشتغال به کار جانبازان که

برخی این دو را با هم اشتباه می‌کنند.^(۱) این [قانون بازنشستگی پیش از موعد] می‌گوید من شما را با همین سابقه‌ی بیست و پنج سال کار بازنشسته می‌کنم ولی به‌جای اینکه با میزان حقوق فعلیتان برای شما مستمری معادل بیست و پنج روز حقوق در نظر بگیرم، به شما معادل سی روز حقوق بازنشستگی می‌دهم، نه اینکه بیایم شما را [در طول پنج سال آینده] زنده و مشغول به کار برای دولت فرض کنم ...

آقای هاشمی شاهرودی - پاداش سی سال خدمت را هم می‌دهم.

آقای علیزاده - بله، دولت پاداش پایان خدمت بازنشستگان پیش از موعد را سی ساله می‌دهد، منتها به اندازه‌ی حقوق الآن آنها، نه به مقدار حقوق پنج سال آینده. این اصلاً یک چیز مسلمی است و هیچ کس خلاف این را نگفته است. اینکه مجلس هر روز تفسیری از قوانین ارائه بدهد و بگوید من از این قانون این را می‌فهمم، [این که درست نیست]. مگر ما فهم درست نداریم! ما باید ببینیم عموم افراد، مجریان، (۱۲۰) نفر قاضی در دیوان عدالت اداری و ... [چه برداشتی از این قانون داشته‌اند]. اینها همه همین را فهمیده‌اند [که بنده توضیح دادم]. پس عبارت «مزد یا حقوق بیمه‌شده» [که در ماده (۷۷) «قانون تأمین اجتماعی» آمده است] مبنای محاسبه‌ی میزان مستمری دوران بازنشستگی است. این مزد و حقوق، به مزد و حقوقی اطلاق دارد که آن کارمند می‌گرفته است؛ مزد و حقوقی که کارمند بازنشسته اصلاً نگرفته و نمی‌گرفته است که منظور قانون‌گذار نیست. این هم که گفته شود دولت می‌خواسته بیاید کارمندانش را به بازنشستگی پیش از موعد تشویق کند تا اینها بروند در خانه‌هایشان بنشینند و لذا این امتیازات را به این شکل به آنها داده، تا الآن به فکر هیچ‌کس نرسیده است! ضمن اینکه این طرح برای دولت بار مالی دارد و اصلاً این استفساریه را دولت ارائه نکرده است. دولت الآن [برای تعیین میزان مستمری بازنشستگان پیش از موعد] همان حقوق سنوات (۲۴) و (۲۵) آنها را ملاک قرار می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - من یک سؤال دارم. این معلوم است که کسانی که پنج سال زودتر بازنشسته می‌شوند، نسبت به پنج سالی که خدمت نکرده‌اند، سابقه‌ای ندارند و نمی‌توان برای آنها عملاً سی سال سابقه در نظر گرفت.

۱. قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

آقای علیزاده - بله، درست است.

آقای مدرسی یزدی - ولی در عین حال، دولت برای افزایش حقوق کارمندان خود، یک فرمولی دارد که مثلاً پنج سال اول این قدر اضافه شود، پنج سال دوم این قدر و

آقای علیزاده - نه، دولت هر ساله برای افزایش حقوق کارمندان خود، مصوبه می‌گذراند؛ میزان افزایش حقوق را هر سال تصویب می‌کند.^(۱)

آقای مدرسی یزدی - بله، ولی یک قانون کلی دیگر هم در این زمینه وجود دارد.

آقای علیزاده - دولت، میزان افزایش حقوق کارمندان را هر سال برای سال آینده تصویب می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً سالانه بیست درصد به حقوق‌ها اضافه می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، قانون مدیریت خدمات کشوری، برای افزایش حقوق کارمندان یک قاعده‌ی دیگری هم دارد که مثلاً به واسطه‌ی سابقه‌ی کار و ... این درصد حقوق بالا می‌رود.^(۲)

۱. ماده (۶۴) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۴- نظام پرداخت کارمندان دستگاه‌های اجرایی بر اساس ارزشیابی عوامل شغل و شاغل و سایر ویژگی‌های مذکور در مواد آتی خواهد بود. امتیاز حاصل از نتایج ارزشیابی عوامل مذکور در این فصل ضرب در ضریب ریالی، مبنای تعیین حقوق و مزایای کارمندان قرار می‌گیرد و برای بازنشستگان و موظفین یا مستمری‌بگیران نیز به همین میزان تعیین می‌گردد.

تبصره- ضریب ریالی مذکور در این ماده با توجه به شاخص هزینه زندگی در لایحه بودجه سالانه پیش‌بینی و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.»

۲. ماده (۶۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۵- کلیه مشاغل مشمول این قانون بر اساس عواملی نظیر اهمیت و پیچیدگی وظایف و مسئولیت‌ها، سطح تخصص و مهارت‌های مورد نیاز به یکی از طبقات جدول یا جداول حق شغل اختصاص می‌یابند. حداقل امتیاز جدول یا جداول ارزشیابی مشاغل (۲۰۰۰) و حداکثر آن (۶۰۰۰) می‌باشد.

تبصره ۱- هر کدام از مشاغل متناسب با ویژگی‌ها، حداکثر در پنج رتبه مقدماتی، پایه، ارشد، خبره و عالی طبقه‌بندی می‌گردند و هر کدام از رتبه‌ها به یکی از طبقات جدول یا جداول موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. رتبه‌های خبره و عالی به مشاغل کارشناسی و بالاتر اختصاص می‌یابد. شاغلین مربوط در بدو استخدام در رتبه مقدماتی قرار می‌گیرند و بر اساس عواملی نظیر ابتکار و خلاقیت، میزان افزایش مهارت‌ها، انجام خدمات برجسته، طی دوره‌های آموزشی و میزان جلب رضایت ارباب رجوع بر اساس

آقای علیزاده - دولت سال به سال اعلام می‌کند که حقوق کارمندان چقدر باید افزایش پیدا کند و ضابطه‌ی آن را تصویب می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - آن چیزی که در قانون مدیریت خدمات کشوری برای افزایش حقوق‌ها آمده، طبق ضابطه است. این طوری نیست.

آقای رهپیک - آن چیزی که شما می‌فرمایید برای کارمندان بازنشسته نیست؛ برای کارمندان شاغل است.

آقای مدرسی یزدی - من هم نگفتم مربوط به کارمندان بازنشسته است. من می‌گویم دولت هنگام محاسبه‌ی مستمری بازنشستگان پیش از موعد، شاید یک حداقلی [از آن ضوابط افزایش حقوق مقرر در قانون مدیریت خدمات کشوری را] اضافه بکند و الاً معنا ندارد؛ اگر محاسبه بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) انجام شود، خوب می‌گوییم (۲۹) و (۳۰) حساب کند؛ چون تفاوتی با هم ندارند و همان قیمت می‌شود و نتیجه‌ی هر دو یکی می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی در آن پنج سال کارمند مشغول به کار نبوده و حقوقی هم به او پرداخت نشده است، [چگونه حقوق دریافت‌نشده‌ی آن سنوات ملاک ارزیابی قرار گیرد؟!]

آقای مدرسی یزدی - خوب، اینکه واضح و معلوم است که [محاسبات حقوقی مربوط به پنج‌سال ارفاقی] همین الآن [هم‌زمان با بازنشستگی پیش از موعد] انجام می‌شود، ولی این محاسبات با افزایشی در نرخ حقوقی آن پنج سال نسبت به بیست و پنج سال انجام می‌گیرد. بنابراین اگر بنا است مستمری به‌صورت (۲۹) و (۳۰) محاسبه شود، حقوق سنوات (۲۹) و (۳۰) همان حقوقی است که دولت عملاً به آن کارمند داده است.

آقای علیزاده - خوب، الآن دولت حقوق همین زمان را به کارمند داده است.

→

ضوابطی که متناسب با ویژگی‌های مشاغل به تصویب شورای توسعه مدیریت می‌رسد ارزیابی و حسب امتیازات مکسب و طی حداقل مدت تجربه مربوط به سطوح پایه، ارشد، خبره و عالی ارتقاء می‌یابند. نخبگانی که طبق ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین می‌شوند و افرادی که علاوه بر شرایط عمومی در بدو استخدام از تجربه و مهارت لازم برخوردار هستند طبق آیین‌نامه ای که به پیشنهاد سازمان به تصویب هیئت وزیران می‌رسد از طی برخی از رتبه‌ها معاف و در یکی از رتبه‌های دیگر قرار می‌گیرند.

آقای مدرسی یزدی - حالا فرض می‌کنیم که اگر الآن می‌خواست حقوق این کارمند را با (۲۹) یا (۳۰) سال سابقه‌ی کار بدهد، چقدر می‌داد؟ یعنی آن حق بیمه‌ای که الآن دولت در ازای پنج‌سال ارفاقی می‌دهد، به نرخ سنوات (۲۹) و (۳۰) سال می‌دهد دیگر؛ خیلی خوب، پس یعنی سنوات (۲۹) و (۳۰) آن با بقیه فرقی نمی‌کند.

آقای رهپیک - الآن ما در دانشگاه یک سری از کارکنان دانشگاه را طبق همین قاعده، پیش از موعد بازنشسته کردیم. خوب، این قانون الآن چه می‌گوید؟ می‌گوید کارکنانی که پیش از موعد بازنشسته شده‌اند، بروند احکام بازنشستگی‌شان را اصلاح کنند. یعنی می‌گوید شما فرض کنید که این کارمندانی که با بیست و پنج سال سابقه بازنشست شده‌اند، سی سال خدمت کرده‌اند، احکام بازنشستگی آنها را بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) حساب کنید!

آقای مدرسی یزدی - کارمندی که آن وقت بازنشسته شده، حالا که نمی‌توانیم حکم آن را بر اساس سی سال خدمت اصلاح کنیم.

آقای رهپیک - همین دیگر. اما این استفساریه الآن دارد چه می‌گوید؟ می‌گوید مستمری و حکم بازنشستگی چنین کارمندی هم بر اساس سنوات خدمتی (۲۹) و (۳۰) محاسبه شود.

آقای مدرسی یزدی - اینکه مراد این استفساریه نمی‌تواند باشد.

آقای رهپیک - همین است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، این را نمی‌خواهد بگوید. بعید است منظور ماده (۷۷) چنین چیزی باشد.

آقای سلیمی - من معذرت می‌خواهم. اجازه بدهید که من دوباره عرایضم را از اول بگویم تا این اشکال را هم توضیح بدهم.

آقای مدرسی یزدی - نه، من فکر می‌کنم دولت در قبال این پنج سال اضافه‌ای که برای بازنشستگی پیش از موعد در نظر می‌گیرد، احتمالاً یک مبلغی اضافه برای این بازنشستگان محاسبه می‌کند، چون که هنگام تعیین میزان مستمری می‌گوید من این بیست و پنج سال خدمت را سی سال در نظر می‌گیرم. کسی که سی سال سابقه‌ی کار دارد قاعدتاً باید حقوقش از کسی که بیست و پنج سال سابقه دارد، بیشتر باشد. این استفساریه، می‌گوید سابقه‌ی کار این کارمندی که می‌خواهد پیش از موعد بازنشسته شود را سی سال محاسبه

کن. من وقتی این استفساریه را می‌خواندم، این طوری برداشت کردم.

آقای سلیمی - این تفسیر مجلس که نمی‌خواهد بگوید کسانی که پنج سال زودتر بازنشسته شده‌اند را کارمند شاغل فرض کنید و با این فرض، ببینید که اضافه حقوق پنج‌ساله‌ی آنها چقدر می‌شد و مستمری بازنشستگی برایشان محاسبه کنید.

آقای رهپیک - پس چرا برخی کارمندان بازنشسته‌ی پیش از موعد از سازمان تأمین اجتماعی به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند؟

آقای سلیمی - قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت می‌گوید، دولت بیست و پنج سال خدمت شخص را سی سال فرض کند و مستمری بازنشستگی او را هم بر اساس اینکه اگر این آدم، سابقه‌ی بیست و پنج سالش، سی سال بود، چقدر حقوق می‌گرفت، محاسبه کند. یعنی باید این‌طور فرض شود که این کارمند اگر همین حالا- و نه پنج سال بعد- سی سال خدمت بود، چقدر حقوق می‌گرفت، بر همان اساس برای او مستمری تعیین شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، من از این قانون، همان را می‌فهمم که عرض کردم.

آقای رهپیک - چنین چیزی اصلاً امکان ندارد.

آقای سلیمی - چرا، امکان دارد. اجازه بدهید من توضیح بدهم، بعد ببینید چنین چیزی امکان دارد یا ندارد. سابقه‌ی سنواتی کارمند، هر سال طبق یک اِشلی باعث افزایش حقوق می‌شود. مثلاً اگر کارمندی بیست سال سابقه‌ی کار داشته باشد، و بعداً بیست و یک سال شد، به میزان این یک سال به حقوق کارمند هم اضافه می‌شود. این غیر از درصدی است که سالانه به حقوق همه‌ی کارمندان اضافه می‌شود. ما با این درصد افزایش سالانه، هیچ کاری نداریم. در اینجا بحث سنوات خدمتی مطرح است. قانون‌گذار گفته شما بیست و پنج سال خدمت را سی سال فرض کنید. می‌گوید این کارمندی که با بیست و پنج سال سابقه دارید بازنشسته می‌کنید، سنوات خدمتی این فرد را سی سال حساب کنید و بر اساس همین سی سال، برایش ابلاغ بازنشستگی بزنید که شما سابقه‌ی خدمت سی سال است و میزان مستمری شما هم بر این اساس محاسبه شده که اگر این پنج سال اضافه می‌شد، این قدر حقوق شما بود.

آقای علیزاده - کجا چنین چیزی گفته شده است؟!

آقای سلیمی - قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت] این را می‌گوید.

آقای علیزاده - نه، قانون این را نمی گوید.

آقای سلیمی - قانون، ارفاق پنج ساله را گفته است. این قانون گفته است به کارمندان پنج سال ارفاق کنید و بر اساس همان سی سال خدمت، سنواتش را به آنها پرداخت کنید. این را خود قانون می گوید. قانون، فقط همین را می خواهد، نه اینکه ما بخواهیم پنج سال منتظر بشویم تا ببینیم در آینده، حقوق این کارمند چقدر می شود [و بر اساس آن، میزان مستمری بازنشستگی این کارمندان را مشخص کنیم]. این قانون، این را نمی خواهد بگوید. اصلاً به نظر من، چنین برداشتی، برداشت اشتباه از قانون است. [برداشت صحیح از قانون، بدین نحو است که] وقتی موقع بازنشستگی یک کارمند با بیست و پنج سال سابقه و مثلاً نهصد هزار تومان حقوق رسید، این طور حساب می کنیم که اگر این کارمند الآن سی سال خدمت بود، چقدر حقوق می گرفت، بعد همان حقوق را مبنای تعیین میزان مستمری او قرار دهیم.

آقای علیزاده - اصلاً شما بروید تمام ابلاغ های بازنشستگی [پیش از موعد] را ببینید. ملاحظه خواهید کرد که حتی یکی از آنها میزان حقوق بازنشسته ها را برای تعیین مستمری [به سی سال] تغییر نداده اند [و اصلاً چنین برداشتی از قانون نداشته اند].

آقای سلیمی - تغییر نداده اند، ولی باید تغییر می دادند. بایستی سنوات خدمتی را بر مبنای سی سال محاسبه می کردند و تغییر می دادند؛ قانون گذار این را می گوید.

آقای علیزاده - در بحث بازنشستگی پیش از موعد قانون می گوید اینکه برای بازنشستگی باید ستان به پنجاه سال برسد، نیاز نیست برسد؛ اینکه سابقه تان برای بازنشستگی باید به سی سال برسد، نیاز نیست برسد. دولت پنج سال به سابقه تان اضافه می کند تا زودتر بازنشسته شوید ولی این به این معنا نیست که به میزان پنج سال هم به حقوق شما اضافه کند، بلکه پنج سال به شما ارفاق می کنند که بر مبنای حقوق همین امروztان مستمری بازنشستگی، البته به میزان سی روز، دریافت کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مستمری را به صورت سی روزه بگیرید.

آقای علیزاده - بله، به جای بیست و پنج روز حقوق در ماه، معادل همان سی روز حقوق را بگیرید. قانون هم همین را می گوید. اینکه شما [آقای سلیمی] می گوید مستمری بازنشستگی اینها بر اساس سی روز حساب شود، مگر این کارمند اصلاً مزد سی روزه گرفته است که شما می گوید بر مبنای سی روز؟!

آقای مؤمن - سی سال، نه سی روز.

آقای عزیزاده - متوسط حقوق بیمه شده ضرب در سی می شود دیگر.

آقای مؤمن - آقای عزیزاده، این عبارت [از ماده واحدهی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت] را ملاحظه کنید: «پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان [= بازنشستگان پیش از موعد] بر اساس سی سال پرداخت خواهد شد».

آقای اسماعیلی - پاداش پایان خدمت با مستمری بازنشستگی فرق می کند.

آقای عزیزاده - بله، پاداش پایان خدمت با مستمری بازنشستگی فرق دارد. مستمری بازنشستگی، بحث «حقوق» است.

آقای مؤمن - توجه بفرمایید: «پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان [= بازنشستگان پیش از موعد] بر اساس سی سال پرداخت خواهد شد».

آقای عزیزاده - پاداش پایان خدمت غیر از حق بیمه و مستمری بازنشستگی است. بله، قانون در مورد پاداش آن طور گفته است که شما خواندید ولی دربارهی مستمری می گوید: «میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی ام متوسط مزد یا حقوق بیمه شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه». شما با چه استدلالی می گوئید کارمندی که اصلاً مزد و حقوق سی ساله نگرفته، مستمری بازنشستگی اش بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) پرداخت شود؟! ما حداقل صد نفر کارمند خانم را [در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور] پیش از موعد بازنشسته کردیم - البته نه به موجب این قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت]، ولو اینکه با همین قانون هم می توانستیم اینها را با بیست و پنج سال سابقه بازشته کنیم - مگر حقوق این بازنشستگان پیش از موعد را بر مبنای سی سال محاسبه می کردیم! ما حقوق اینها را سی ساله محاسبه نمی کردیم. حالا آقایان، به هر حال جوانب این قضیه روشن است. نظر ما این است که اولاً می گوئیم این طرح استفساریه‌ی فعلی، تفسیر نیست [بلکه تقنین است]؛ اگر این مطلب را قبول دارید، اول در مورد آن رأی گیری کنیم. خب، حضرات آقایانی که می فرمایند این طرح، تفسیر نیست و در واقع یک تقنین جدید است، رأی بدهند. بله، پنج رأی شد. حالا حضراتی که معتقدند این استفساریه، حداقل برای دولت بار مالی دارد، نظرشان را بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - نه، اینکه بار مالی ندارد دیگر. اگر این طرح، تفسیر باشد که دیگر بار مالی ندارد. اصلاً در این مورد رأی گیری نکنید؛ چون تفسیر یعنی قانون از

اول، چنین معنایی داشته است و لذا بار مالی ندارد.

آقای علیزاده - خب، بالاخره شما در مورد این طرح چه می‌فرمایید [و نظرتان چیست]؟
آقای مدرسی یزدی - عرض من چیز دیگری است و آن این است که از نمایندگان مجلس سؤال کنیم، از آنها استفساری کنیم که آیا مراد شما از این استفساریه آن وجهی است که آقای علیزاده در خصوص شکایت برخی از بازنشستگان پیش از موعد به دیوان عدالت اداری فرمودند، اگر مرادتان این باشد که این تفسیر نیست و غلط است.
آقای علیزاده - نه، منظورشان این نیست.

آقای مدرسی یزدی - ولی اگر مراد نمایندگان مجلس از این استفساریه این است که دولت همان زمانی که کارمند را پیش از موعد بازنشسته می‌کند، سنوات خدمتی او را سی سال فرض کند و حق بیمه‌ی او را هم بر اساس سی سال خدمت محاسبه کند و مستمری بازنشستگی‌اش را هم بر همین اساس، محاسبه و پرداخت کند، این می‌تواند تفسیر باشد [و درست است].

آقای مؤمن - بله، مجلس همین را می‌خواهد بگوید.

آقای مدرسی یزدی - من یقین ندارم که مجلس در این استفساریه چه می‌خواهد بگوید، ولی اگر این [فرض دوم] مد نظرشان باشد، پاسخ آنها تفسیر محسوب می‌شود.
آقای سلیمی - [تفسیر نبودن این طرح] رأی نیاورد.

آقای رهپیک - «بازنشستگان پیش از موعد مذکور» [که در متن استفساریه آمده است]، یعنی چه؟

آقای سلیمی - منظور بازنشسته‌شدگان با این قانون.

آقای رهپیک - گفته است «مذکور»؛ «سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد مذکور». در این تفسیر نوشته «سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد مذکور...».

آقای مدرسی یزدی - «مذکور» یعنی چه؟ من چه می‌دانم «مذکور» کجاست؟ یعنی بازنشستگانی که سنوات غیر واقعی دارند [و پیش از موعد بازنشسته شده‌اند].

آقای رهپیک - این عبارت یعنی اینکه آنچه که آنجا [در تبصره‌ی ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] گفتیم که بازنشستگان پیش از موعد، پنج سال ارفاقی بگیرند، محاسبه‌ی حقوق مستمری آنها بر اساس سنوات خدمتی (۲۹) و (۳۰) سال نبوده است [بلکه بر اساس میانگین دو سال آخر خدمت واقعی (سال ۲۴ و ۲۵) محاسبه شده

است و حالا این استفساریه می‌خواهد این حقوق مستمری، بر اساس سنوات (۲۹) و (۳۰) محاسبه شود.]

آقای مدرسی یزدی - این استفساریه یعنی از اول، احکام بازنشستگی و محاسبه‌ی حقوق مستمری را اشتباه زده‌اند، نه اینکه الآن می‌توانند آن را بر اساس حکم این استفساریه تغییر دهند.

آقای هاشمی شاهرودی - آقا می‌فرمایند این استفساریه ابهام دارد. در مورد ابهام این استفساریه، رأی‌گیری کنید.

آقای مؤمن - نه، ابهامی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، بنده از این نظر که آیا این فرض، مراد مجلس است یا آن فرض، مرادشان است، اشکال دارم. اگر مرادشان آن فرض اول باشد که واقعاً تفسیر نیست، ولی اگر آن فرض دوم، مرادشان باشد، [می‌تواند تفسیر باشد].

آقای مؤمن - بله، این استفساریه برای دولت بار مالی ندارد؛ چون توضیح همان قانون قبلی است.

آقای علیزاده - حتماً نظر مجلس این نبوده که اینها را ...

آقای مدرسی یزدی - اشکالی ندارد. حالا ما از نمایندگان [در مورد مراد و هدفشان از این استفساریه] سؤال می‌کنیم.

آقای علیزاده - این کارمندان پیش از موعد، همه بر مبنای بیست و پنج سال حقوق بازنشسته شده‌اند، منتها به جای حقوق بیست و پنج روز، حقوق سی روز را به آنها می‌دهند؛ اینکه یک چیز مسلم است و اصلاً چیز شک‌داری نیست.

آقای مدرسی یزدی - حالا که تفسیر نبودن این طرح، رأی نیاورده، شما این موضوع را از مجلس سؤال کنید. این ابهام را هم رأی بگیرید؛ اگر رأی آورد، سؤال کنید تا مجلس ابهامش را برطرف کند؛ اگر رأی نیاورد، خب هیچ.

منشی جلسه - حاج آقا، اگر می‌شود مسئله‌ی بار مالی این استفساریه را دوباره رأی‌گیری کنید.

آقای مدرسی یزدی - اگر منظور نمایندگان مجلس این باشد که مستمری بازنشستگی با نرخ حقوق پنج سال آینده‌ی کارمند محاسبه شود، بله، این اصلاً تفسیر نیست؛ ولی اصلاً احتمال ندارد که مراد نمایندگان این باشد.

آقای علیزاده - اگر بخواهیم به این طرح، ابهام بگیریم، باید به آنها این طور بگوییم که آیا منظور شما از این استفساریه این است که حقوق بازنشستگان پیش از موعد را معادل سی روز محاسبه کنند یا نه، منظورتان این است که معادل بیست و پنج روز محاسبه شود، منتها با همان حقوق؟

آقای مدرسی یزدی - نه، حقوقشان که اصلاً معلوم نیست ...

آقای علیزاده - بله، (۳۰) سال.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی بگوییم منظورتان محاسبه‌ی حقوق بازنشستگی بر اساس سی سال است یا نه.

آقای ابراهیمیان - این استفساریه از حیث چگونگی مداخله‌ی آن پنج سال سنوات ارفاقی در محاسبه‌ی مستمری بازنشستگی ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، بگوییم آیا مقصودتان این است که در حین بازنشستگی، فرض شود که این کارمند سی سال کار کرده و حق بیمه‌ی سی سال را پرداخت کرده است یا نه؟

آقای علیزاده - آقای دکتر اسماعیلی هم نظر ما را قبول دارند. پس فعلاً رأی ما شش تا شد.

آقای رهپیک - حاج آقا [جتی] هم که نظر ما را قبول دارند؛ پس رأیمان هفت تا شد.

آقای مدرسی یزدی - اگر مقصود نمایندگان این است که همان زمانی که کارمند را می‌خواهند بازنشسته کنند و پنج سال از خدمتش را به او ارفاق می‌کنند، همان لحظه حساب کنند که اگر این کارمند سی سال سابقه‌ی کار داشت، چقدر حقوق بازنشستگی به او می‌دادند، این استفساریه عیبی ندارد و می‌تواند تفسیر باشد؛ ولی اگر مقصود این است که پنج سال بعد مستمری او را محاسبه کنند، نه، آن دیگر معلوم است که تفسیر نیست.

آقای ابراهیمیان - مقصود، محاسبه‌ی حقوق مستمری در همین الآن [= زمان بازنشستگی است] وگرنه اگر محاسبه‌ی مستمری به پنج سال بعد موکول شود که او باید پنج سال بعد بیاید اعتراض بکند.

آقای سلیمی - بله، اصلاً محاسبه‌ی مستمری در پنج سال بعد، عملی نیست.

آقای رهپیک - اصلاً آن فرض اولی که آقای مدرسی فرمودند، تا به حال یک حکم بازنشستگی هم بر آن اساس اجرا نشده است.

آقای مدرسی یزدی - خب، نشده باشد. ما فعلاً کاری به اجرا شدن یا نشدن آن نداریم.

آقای رهپیک - ولی امکان دارد.

آقای مدرسی یزدی - خب، حالا می‌توانیم در این خصوص از خود مجلس، استفسار کنیم.

آقای رهپیک - به عرض بنده توجه بفرمایید. چرا کارکنان دولت علاقه‌مندند که فروردین ماه و یا اردیبهشت‌ماه بازنشسته شوند؟ چرا؟

آقای سلیمی - چون [کارمند حتی اگر یک ماه از سال جدید را هم کار کند] سنوات خدمتش یک سال بالا می‌رود.

آقای رهپیک - برای اینکه غیر از سنوات، یک چیزهای دیگری هم اضافه می‌شود و کارمند می‌خواهد با آن حقوق جدید، بازنشسته شود. یعنی اصلاً قابل پیش‌بینی نیست که حقوق یک کارمند تا پنج سال بعد چقدر می‌شود. یکی از عوامل دخیل در میزان حقوق، ضریب سابقه‌ی سنوات است. حالا [کسی که با (۲۵) سال سابقه‌ی خدمت دارد بازنشسته می‌شود] اصلاً امکان ندارد که سنوات بگیرد [تا بتوان حقوق او را بر مبنای (۳۰) سال سابقه‌ی خدمت محاسبه کرد].

آقای مدرسی یزدی - خب، بالاخره همین شخص یک افزایش حقوق بابت افزایش سابقه‌ی سنوات که می‌گیرد.

آقای عزیزاده - من باز یک بار دیگر عرض می‌کنم که اگر بازنشستگان پیش از موعد، [بدون احکام مندرج در قانون بازنشستگان پیش از موعد] می‌خواستند بازنشسته شوند، محاسبه‌ی مستمری آنها به این شکل بود که مثلاً اگر این کارمند در بیست و پنج سالگی خدمت خود سه میلیون تومان حقوق می‌گرفت، الآن حقوق ماهانه‌ی بازنشستگی‌اش دو میلیون و پانصد هزار تومان می‌شد؛ یعنی در زمان اشتغال سه میلیون تومان می‌گرفته که حقوق کامل سی‌روزه بود، ولی در حالت عادی [و بدون لحاظ احکام قانون بازنشستگی پیش از موعد]، پس از بازنشستگی به او ماهیانه دو میلیون و پانصد هزار تومان می‌دادند. اگر کارمند خانم بود و با بیست سال خدمت بازنشسته می‌شد، حقوق ماهیانه‌اش را معادل بیست روز کار و دو میلیون تومان می‌دادند. حالا با قانون بازنشستگی پیش از موعد، آمدند گفتند که کارمندی که با بیست و پنج سال خدمت بازنشسته می‌شود و حقوق حالت اشتغالش سه میلیون تومان بوده است، در بازنشستگی هم به او سه میلیون تومان حقوق بدهید، نه اینکه بیاید و حقوق او را مثلاً به سه میلیون و پانصد هزار تومان برسانید، یعنی پنج سال دیگر هم به

حقوقش اضافه کنیم و به او بدهیم. منظور قانون‌گذار این نیست.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال از عبارات استفساریه می‌توان چنین برداشتی داشت. **آقای علیزاده -** مجلس در این استفساریه دارد می‌گوید که ما بازنشسته‌ی پیش از موعد را هنگام بازنشستگی، سی سال خدمت فرض می‌کنیم و حقوق و مزایای او را به صورت کامل به او می‌دهیم.

آقای مدرسی یزدی - فرمایشات شما روشن است ولی عبارات استفساریه اینها را نمی‌گوید. اگر این عبارات، اینها را افاده می‌کرد، حرف شما درست بود. شما از خارج [مفاد استفساریه] این مطالب را می‌گویید.

آقای علیزاده - من همان فرمایش قبلی جناب‌عالی را قبول دارم؛ می‌گویم ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی [که این استفساریه درباره‌ی آن است]، نگفته است مستمری بازنشستگی را بعداً [= بعد از گذشت پنج‌سال از بازنشستگی] حساب کنید، بلکه می‌گوید این را همین الآن حساب کنید، ولی الآن برایش سی سال سابقه در نظر نگیرید. **آقای مدرسی یزدی -** قانون این مطلب را [به این روشنی که شما می‌فرمایید] نگفته است؛ این مصوبه [= ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی]، قابل تفسیر است.

آقای علیزاده - با این استفساریه یعنی اینکه به بازنشسته‌ی پیش از موعد، مستمری سی‌روزه بدهید و او را سی سال سابقه حساب کنید؛ یعنی الآن بیست و پنج سال سابقه‌ی او را به سی سال افزایش دهید و حقوق سی سال سابقه را به او بدهید. این استفساریه، این را می‌خواهد بگوید.

آقای مدرسی یزدی - ولی اگر مستمری بازنشستگی به صورت سی‌ساله حساب شود، درصدی افزایش حقوق پیدا می‌کند که مربوط به حق سنوات است و به حقوقش اضافه می‌شود.

آقای علیزاده - این شخص، اصلاً این سنوات را نداشته است.

آقای مدرسی یزدی - خوب باشد؛ با این قانون گفته‌اند محاسبه شود دیگر.

آقای سلیمی - آقای علیزاده می‌خواهد ارفاقی که دولت به بازنشستگان پیش از موعد کرده است را از آنها بگیرد.

آقای علیزاده - ما ارفاق را از بازنشستگان نمی‌گیریم. ما می‌گوییم اگر این قانون نبود، بازنشستگان پیش از موعد [که طبق قاعده، به ازای بیست و پنج سال سابقه‌ی کار] باید

ماهپانه معادل بیست و پنج روز حقوق می‌گرفتند ولی الآن با این قانون، معادل سی روز حقوق می‌گیرند.

آقای رهپیک - دولت به بازنشستگان پیش از موعد چه ارفاقی کرده است؟

آقای مؤمن - [آقای علیزاده] می‌گوید نباید ارفاق زائد بکنند.

آقای علیزاده - بله، ارفاق اضافه نکنیم.

آقای رهپیک - نه، این درست نیست. ارفاق دولت به این بازنشستگان از این حیث

است که حقوق بیست و پنج روزه را سی روزه پرداخت می‌کند.

آقای علیزاده - یک بار دیگر [درباره‌ی ابهام موجود در این استفساریه] رأی می‌گیریم.

آقایانی که می‌فرمایند این استفساریه مجلس نسبت به آن قانون سابق [= تبصره‌ی ماده

(۷۷) قانون تأمین اجتماعی]، چیزی اضافه دارد می‌گوید، یک بار دیگر رأی بدهند.

آقای سلیمی - چند رأی شد؟

آقای شب‌زنده‌دار - پنج تا.

آقای علیزاده - شش نفر شدیم.

آقای هاشمی شاهرودی - هفت تا شدیم. حاج آقا [= آقای جنتی] هم رأی داد.

آقای علیزاده - نه، با رأی حاج آقا شش رأی شد. پس فعلاً شش تا رأی داریم.

آقای مدرسی یزدی - ولی نباید این استفساریه را ره‌ایش کنیم. باید این سؤال را از

مجلس بپرسیم تا ببینیم چه جوابی می‌دهند.

آقای رهپیک - پس شما می‌گویید ...

آقای مدرسی یزدی - خب، من می‌گویم راه روشن شدن ابهام این مصوبه، این است

که از مجلس استفسار کنید. استفسار کنید و بگویید آیا مرادتان این است که هر پنج

سال اضافه بشود، یعنی بازنشسته‌ها باید بعد از گذشت پنج سال و اضافه شدن

حقوقشان برای تعیین مستمری مراجعه کنند یا این مرادتان نیست.

آقای مؤمن - نه، این مراد نیست.

آقای مدرسی یزدی - خب، نمایندگان همین را که منظورشان این نیست، بنویسند و

برای ما ارسال کنند، آن وقت ما هم به طرح آنها رأی مثبت می‌دهیم. الآن این

استفساریه با هر دو برداشت سازگاری دارد.

آقای مؤمن - خیلی خب، باشد.

آقای مدرسی یزدی - عبارات استفساریه به نحوی است که منظور را صریحاً متقل نمی‌کند. شما که توضیح می‌فرمایید، از خارج از مفاد طرح می‌دانید ولی من از خارج [و اینکه در عمل، به چه نحو عمل می‌شود]، مطلع نیستم. حالا به نظر شما باید چه کار کنم؟

آقای علیزاده - ما این مطالب را نمی‌گوییم که شما آن طرفش را بگویید. ما می‌گوییم همان زمانی که این قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد] تصویب شد، آمدند گفتند که ما این کارمندان را با این وضعیت حقوقی [به‌رغم بیست و پنج سال سابقه‌ی خدمت] سی سال خدمت فرض می‌کنیم [و به آنها مستمری بازنشستگی سی‌روزه می‌دهیم].

آقای مدرسی یزدی - این مطالب در اینجا نیست. شما این مطالب را از بیرون می‌فرمایید.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده می‌گوید این حرف شما [= آقای مدرسی یزدی] باز تقنین جدید است.

آقای علیزاده - بله، تقنین جدید است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این عبارات قانون [= ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی]، قابلیت تفسیر دارد؛ واقعاً قابلیت تفسیر دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، چنین برداشتی نداشتیم که مستمری بازنشستگان پیش از موعد را بر اساس سی سال سابقه محاسبه کنند.

آقای اسماعیلی - حالا ابهام بگیریم تا مجلس این را درست کند.

آقای علیزاده - به چه چیزی ابهام بگیریم؟

آقای اسماعیلی - همین که ایشان [= آقای مدرسی یزدی] سؤال کردند.

آقای مؤمن - به نظر من که این استفساریه ابهامی ندارد و همین پاسخی که مجلس داده، درست است.

آقای مدرسی یزدی - بنویسید مراد شما از اینکه گفته‌اید «مستمری بازنشستگان موضوع ذیل ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی باید بر اساس میانگین بیمه‌پردازی دو سال آخر (سال ۲۹ و ۳۰) محاسبه گردد» چیست؟ آیا محاسبه‌ی مستمری بر اساس سال‌های (۲۹) و (۳۰)، یعنی اینکه پنج سال از بازنشستگی بگذرد و بعداً میزان مستمری بازنشسته را حساب کنند یا اینکه منظور این است که محاسبه‌ی مستمری را در همان زمان بازنشستگی، بر اساس سال‌های (۲۹) و (۳۰) حساب کنند؟

آقای مؤمن - منظور، محاسبه در همان موقع بازنشستگی است.

آقای سوادکوهی - ابهام بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - بله، من هم می دانم که باید در همان موقع بازنشستگی محاسبه شود، ولی برای اینکه معلوم شود نظر مجلس هم همین است، می گویم ابهام بگیریم.

آقای علیزاده - این مسلم است که منظور، همان زمان بازنشستگی است.

آقای هاشمی شاهرودی - مگر اینکه ابهام را در خصوص سی سال سابقه‌ی کار بازنشستگان پیش از موعد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - ابهام را نسبت به سی سال سابقه‌ی کار بگیرید.

آقای مدرسی یزدی - نه، اینکه الآن فرض بکنیم که به اندازه‌ی پنج سال دیگر به سابقه‌ی کار بازنشسته‌ی پیش از موعد اضافه شده است.

آقای مؤمن - خب، اضافه حقوق را به او بدهند.

آقای مدرسی یزدی - اضافه حقوق پنج سال آینده که معلوم نیست چقدر است.

آقای علیزاده - این که منظور نیست.

آقای مؤمن - نه، این نیست.

آقای سوادکوهی - این طور نیست ولی با این وضعیت، این طرح باید متوقف بشود. با این صحبت‌ها و نظراتی که مطرح شد، این طرح استفساریه متوقف می شود.

آقای هاشمی شاهرودی - آقایان اعضا، در مورد استفساریه دو نظر دارند: بعضی مثل آقای مؤمن و آقای مدرسی می گویند مقصود مجلس همین است که برای محاسبه‌ی مستمری، سی سال سابقه‌ی کار باید ملاک محاسبه قرار گیرد.

آقای مدرسی یزدی - من نگفتم مقصود مجلس حتماً همین است؛ می گویم با این توضیحاتی که شما و دیگر اعضا می دهید، این طور برداشت می شود که نظر مجلس همین است. من می گویم عبارات جوری است که هر دو احتمال وجود دارد. این عبارات، با هر دو برداشت سازگار است.

آقای هاشمی شاهرودی - اما قانون [= قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت و ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] می گوید این برداشت، مقصود نیست.

آقای جنتی - آقای مدرسی، این ابهام، رأی لازم را ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چطور رأی ندارد؟! آقایانی که به مغایرت این استفساریه رأی

دادند، با رأی ابهام من، در مجموع، هفت تا رأی می‌شود.

آقای مؤمن - ما به این ابهام رأی نمی‌دهیم.

آقای مدرسی یزدی - خب، شما رأی ندهید. حالا رأی‌گیری کنید، شاید این ابهام، رأی لازم را آورد.

آقای مؤمن - رأی بگیرید.

آقای مدرسی یزدی - حالا رأی بدهید.

آقای علیزاده - این قانون [= ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی] بحث پنج سال را مطرح نکرده است. اگر آنچه که شما [= آقای مدرسی یزدی] می‌گویید درست باشد، دولت باید برای پنج سال کار نکرده‌ی این کارمندان، به آنها حقوق بدهد!

آقای مدرسی یزدی - نه، لازم نیست چنین کاری بکند.

آقای علیزاده - دولت چنین حقوقی به کسی نمی‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - قانون می‌گوید مأخذ محاسبه‌ی میزان مستمری بازنشستگان پیش از موعد، به این شکل باشد. حالا چرا در مورد ابهام این استفساریه رأی نگرفتید؟ لاقلاً در این مورد رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که معتقدند این استفساریه به این نحوی که حضرت آیت‌الله [مدرسی یزدی] فرمودند، ابهام دارد، رأی بدهند.

آقای سوادکوهی - این استفساریه، ابهام ندارد ولی برای حل این مشکل، ابهام بگیرید.

آقای ابراهیمیان - هفت نفریم.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب.

آقای علیزاده - یک نکته‌ی دیگری هم به نظرم رسید که بد نیست آن را هم از مجلس بپرسیم؛ بگوییم آن حق بیمه‌ای که دولت برای سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد در آن سال‌ها پیش‌بینی کرده و گفته است من آن حق بیمه را می‌دهم، بر چه اساسی داده است؟ آن را هم برای ما بفرستند. چون اگر آن زمان گفته‌اند که حق بیمه‌ی پرداختی بر اساس آخرین حقوق کارمند محاسبه و پرداخت می‌شود، الآن نمی‌توانند بگویند که مقرری بازنشستگی این کارمندان بر آن اساس [= بر اساس حقوق سنوات (۲۹) و (۳۰)] باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - درست است.

آقای عزیزاده - باید ببینیم آن حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی را چقدر و بر چه اساسی پیش‌بینی کرده‌اند؟ این موضوع هم قضیه‌ی این استفساریه را روشن می‌کند. اگر وضعیت حق بیمه و مباحث مالی را در این استفساریه مشخص نکنند برای دولت بار مالی دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، اگر تفسیر باشد که دیگر بار مالی ندارد. خودتان هم بارها این موضوع را گفته‌اید؛ تفسیر قانون که بار مالی ایجاد نمی‌کند.

آقای مؤمن - حالا بنویسید.

آقای عزیزاده - ما چند بار تا به حال گفته‌ایم که مجلس یک موضوع را دو بار که نمی‌تواند تفسیر کند. مجلس یک بار آن قانون را آن‌جور می‌فهمیده و بر آن اساس، حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی پرداخت می‌شده است؛ آن‌وقت حالا می‌تواند چیزی مغایر تفسیر قبلی‌اش بگوید؟!

آقای مؤمن - مجلس که حق بیمه را نمی‌دهد؛ آن حق بیمه را دولت می‌دهد.

آقای مدرسی‌یزدی - مجلس که آن قانون را قبلاً تفسیر نکرده است.

آقای عزیزاده - نه، دولت بر اساس آن قانون، پیش‌بینی می‌کرده و می‌گفته این مقدار بودجه برای پرداخت حق بیمه‌ی سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد در بودجه‌ی سنواتی منظور می‌شود.^(۱)

طرح استفساریه قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی

معلمین حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش

منشی جلسه - «طرح استفساریه قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین

تکلیف استخدامی معلمین حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۱۳/۴۴۶۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۷۹ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱، طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب جلسه مورخ چهاردهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان از اصل (۷۳) قانون اساسی، طرح فوق‌الذکر تفسیر نیست بلکه قانون‌گذاری است؛ لذا مغایر اصل مذکور شناخته شد.»

آموزش و پرورش^(۱)

موضوع استفساریه:

آیا دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران و دانشکده فنی حرفه‌ای دختران دکتر شریعتی تهران مشمول قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۹^(۲) می‌باشند؟
نظر مجلس:

۱. طرح استفساریه قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۵۷/۴۶۶۳۷ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ و ۱۳۹۲/۸/۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۱۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۸/۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۹: «ماده واحده- دو تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره‌های (۸) و (۹) به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش اصلاحی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۷ الحاق می‌گردد:

تبصره ۸- احکام قانون متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۹/۳/۸ به استثنای احکام ناظر بر دانش‌آموزان دانش‌سراهای تربیت معلم به قوت خود باقی است. دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۸ مرکز تربیت معلم نیز که طبق مقررات مربوطه مشخص شده‌اند مشمول این حکم می‌گردند.
تبصره ۹- وزارت آموزش و پرورش موظف است در اجرای تبصره (۲) ماده (۵۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۵ و بند (ج) ماده (۲۴) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون حداکثر ظرف دو سال کلیه مربیان پیش‌دبستانی و نیروهای خرید خدمت آموزشی خود را که با آموزش و پرورش همکاری داشته‌اند از طریق برگزاری آزمون و با در نظر گرفتن شرایط مندرج در مواد (۲) و (۳) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ و اصلاحات بعدی آن، مدرک و رشته تحصیلی، جنسیت، نیاز منطقه‌ای و سنوات همکاری با آموزش و پرورش در اولویت استخدام قرار دهد. در مورد مربیان پیش‌دبستانی مطابق روال قبل اعم از سیاست‌گذاری، نظارت، صدور مجوز و تدوین محتوا عمل نماید.»

بلی، دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی تهران و دانشکده فنی حرفه‌ای دختران دکتر شریعتی تهران مشمول قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۱/۷/۱۹ می‌باشند.»

آقای علیزاده - بنده می‌خواهم یک مطلبی عرض کنم و البته نمی‌خواهم بگویم آن را به عنوان ایراد در خصوص این استفساریه بیاوریم، ولی الآن یک واقعیتی در مورد این استفساریه‌ها وجود دارد و آن این است که تقریباً تمام این تفسیرهایی که نمایندگان مجلس از قوانین مختلف می‌کنند، (۵۰٪) آن یک چیزی بر خلاف آن چیزی است که قانون مربوطه‌اش گفته است. [این امر از آنجا ناشی می‌شود که] می‌روند نسبت به مفاد آن قانون، به نمایندگان مراجعه می‌کنند و آنها هم یک تفسیرهایی این چنین می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - بعضی وقت‌ها با این تفسیرها یک کاری را به دوش دولت یا سایر دستگاه‌های حکومتی می‌گذارند که اصلاً عاقلانه و قابل تحمل نیست. مثلاً در طرح استفساریه‌ی قبلی^(۱) دیدید که تصویب کرده‌اند فردی که در یک اداره (۲۵) سال کار کرده است، همان مقدار مقرری بازنشستگی بگیرد که یک کارمند با (۳۰) سال سابقه‌ی خدمت می‌گیرد! یعنی مجلس به دستگاه‌های دولتی می‌گوید حقوق این کارمند (۲۵) سال خدمت را مثل کارمند (۳۰) سال خدمت حساب کن!

آقای سوادکوهی - تازه ممکن است مقرری این کارمند (۲۵) سال خدمت بیشتر هم باشد!

آقای رهپیک - بله، الآن در بعضی موارد حقوق کارمندان بازنشسته با (۲۵) سال سابقه‌ی خدمت از کسانی که (۳۰) سال کار کرده‌اند، بیشتر است.

آقای مدرسی یزدی - در مورد موضوع این استفساریه باید عرض کنم که همه‌ی دانشجویان تربیت دبیر مورد سؤال استفساریه نیستند و سؤال فقط درباره‌ی دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار است.

آقای شب‌زنده‌دار - در این استفساریه فقط در مورد دانشجویان دو مرکز تربیت دبیر

۱. مراد طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی است که بررسی آن در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۱ شورای نگهبان و پیش از بررسی طرح استفساریه فعلی انجام شده است.

شهید رجایی تهران و فنی حرفه‌ای دختران دکتر شریعتی تهران سؤال شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - رشته‌های ستاره‌دار یعنی چه؟

آقای علیزاده - آن قانون [= قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش] برای استخدام معلمان یک سقفی قرار داده است.^(۱) در این استفساریه، گفته است که دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار این دو مرکز را هم جزو همان سقف قرار بدهید. این، ظاهراً نباید اشکالی داشته باشد.

آقای مدرس‌ی زدی - اینکه تفسیر قانون نمی‌شود. استخدام معلمان اگر سقف بین داشته باشد، طرح استفساریه‌ی فعلی دیگر نمی‌تواند تفسیر آن باشد.

آقای علیزاده - سقفی که در آن قانون برای استخدام معلمان تعیین شده است، از جهت تعداد استخدام‌شوندگان است، نه از جهت نوع افرادی که باید استخدام شوند. در مورد نوع افراد در آن قانون، بحث خاصی نکرده است. پس سقف از جهت تعداد است و وزارت آموزش و پرورش هم نمی‌تواند بیش از این تعداد معلم استخدام کند. آقای مدرس‌ی زدی - نمی‌دانم. من که بحث دانشجوی ستاره‌دار را نمی‌فهمم. این استفساریه نسبت به بقیه‌ی مواردی که در همان قانون مصوب سال ۱۳۸۹ بیان شده است، فقط لفظ دانشجوی ستاره‌دار را اضافه دارد. کسی از بیرون [= از دستگاه‌های دولتی و...] نسبت به این استفساریه ایرادی نداشته است؟

آقای سوادکوهی - چرا.

آقای رهپیک - ظاهراً در اجرای آن قانون، دانشجویهای ستاره‌دار این دو مرکز را شامل نمی‌کرده‌اند؛ چون مورد این استفساریه دانشجویان تربیت دبیر است ولی موضوع آن قانون مراکز تربیت معلم است.

۱. در ماده (۱) «قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش» مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی مقرر شده است: «ماده ۱- در اجراء جزء (۲) بند (و) ماده (۱۴۵) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بند (ج) ماده (۲۴) قانون مدیریت خدمات کشوری، دولت موظف است از تاریخ تصویب این قانون حداکثر ظرف پنج سال نیروهای حق‌التدریس، نهضت سوادآموزی، مربیان پیش‌دبستانی و مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را تا سقف شصت هزار نفر به شرح مندرج در این قانون و با رعایت ماده (۴۶) قانون مدیریت خدمات کشوری و شرایط عمومی استخدامی کشور به استخدام آموزش و پرورش در آورد.»

آقای مدرسی یزدی - خب چرا احکام آن قانون شامل این دانشجویان نشود؟!

آقای رهیک - نمی دانم، حالا بالاخره شاید وجهی داشته است.

آقای مدرسی یزدی - در این استفساریه، دانشجویان دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

و دانشجویان دانشکده فنی حرفه‌ای دختران دکتر شریعتی تهران هستند.

آقای سوادکوهی - این طور که از ظاهر این استفساریه برمی آید، این استفساریه می خواهد

دانشجویان دو مرکز را به تبصره‌های (۸) و (۹) «قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمین

حق التدریسی و آموزش یاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش» ملحق

کند. مرکز تحقیقات [شورای نگهبان] به این استفساریه یک ایراد گرفته است؛ گفته است

چرا شما نکتید تبصره (۸) یا تبصره (۹)؟ این استفساریه، به کدام یک از این دو تبصره

برمی گردد؟ بعد هم اگر منظور آن ذیل تبصره (۸) است، تبصره (۸) فقط مرکز تربیت معلم

را گفته است و فقط به این مرکز تصریح کرده است.^(۱)

آقای اسماعیلی - این رشته‌های ستاره دار یعنی چه؟

آقای سوادکوهی - آقای دکتر، دانشجویان رشته‌های ستاره دار، دانشجویانی هستند که

به دولت تعهد خدمتی دارند. اینها [= کارشناسان مرکز تحقیقات] می گویند که این

استفساریه، یک نوع بازقانون گذاری جدید است.

آقای مدرسی یزدی - خب، اگر این مرکز تربیت معلم یک جای خاصی است، خب

معلوم است که [الحاق مراکز دیگر به آن] قانون گذاری جدید است. چرا مجلس در

این استفساریه به یک موضوعات دیگری استناد داده است؟

۱. «موضوع استفساریه حاضر، از این لحاظ که مشخص نیست به کدام قسمت «قانون الحاق دو تبصره

به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف معلمین حق التدریسی و آموزش یاران نهضت سوادآموزی در وزارت

آموزش و پرورش» اشاره دارد، واجد ابهام است. در صورت ملاحظه نظر بودن قسمت اخیر تبصره (۸) قانون

مذکور، اطلاق عنوان «مرکز تربیت معلم» شامل «دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران» و «دانشکده

فنی حرفه‌ای دختران دکتر شریعتی» نمی گردد؛ بنابراین به نظر می رسد که برخوردار کردن این دو

دانشگاه و دانشکده از مزایای مقرر در قانون، از طریق استفساریه آن قانون ممکن نیست؛ چرا که در این

حالت دیگر نظر مجلس را نمی توان تفسیر دانست، بلکه این عمل قانون گذاری جدید محسوب می گردد

و از این جهت، مغایر با نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان مقرر در

ذیل اصل (۷۳) قانون اساسی به نظر می رسد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات

شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰، صص ۴-۵.

آقای سلیمی - در ذیل تبصره (۸) این‌طور آمده است: «... دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۸ مرکز تربیت معلم نیز که طبق مقررات مربوطه مشخص شده‌اند، مشمول این حکم می‌گردند.» قانون‌گذار این حکم کلی را در اینجا آورده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، کلی نیست؛ مرکز تربیت معلم جای خاصی است.

آقای سلیمی - اینها هم متعلق به همان کلی است. حالا این استفساریه می‌خواهد بگوید دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و دانشکده فنی حرفه‌ای دختران دکتر شریعتی هم مشمول آنچه در تبصره‌های (۸) و (۹) آمده است، می‌شوند. اصلاً سؤال همین است که آیا این دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ این دو مرکز مشمول آنچه در آن دو تبصره آمده است، می‌شوند؟ در واقع مجلس با این جواب می‌خواهد بگوید به اعتبار همان حکمی که در آنجا به صورت کلی آمده است، آن حکم شامل این افرادی که در سال ۱۳۸۸ در این دو مرکز مشغول به تحصیل شده‌اند هم می‌شود. حرف این استفساریه، همین است.

آقای ره‌پیک - سؤال این است که آیا دانشجویان آن دو مرکز، مشمول حکم دانشجویان مراکز تربیت معلم که الان دانشگاه فرهنگیان شده است،^(۱) هستند یا نه؟

آقای مؤمن - نه، آن موضوع، منظورشان نبوده است.

آقای سلیمی - مجلس در این استفساریه می‌خواهد بگوید این دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار این مراکز به اعتبار اینکه ستاره‌دار بودند - یعنی اینکه تعهد خدمتی داشتند - از نظر حکمی مشمول همان حکم مقرر در آن قانون [= قانون الحاق دو تبصره به ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش] هستند. مجلس می‌خواهد این موضوع را در این استفساریه بگوید.

۱. «مصوبه تشکیل دانشگاه ویژه فرهنگیان» مصوب جلسه (۶۹۴) مورخ ۱۳۹۰/۵/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی: «ماده واحده- دانشگاه ویژه فرهنگیان وابسته به وزارت آموزش و پرورش بوده و مطابق ضوابط، مقررات و استانداردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به صورت هیئت امنایی تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- این دانشگاه به تعداد مراکز استان‌ها و شهر تهران (در حال حاضر ۳۲ واحد) به صورت پردیس دختران و پسران و در مراکز استان‌ها تشکیل می‌شود.

تبصره ۲- مراکز مذکور در تبصره فوق، جایگزین مراکز تربیت معلم موجود می‌شود ...»

آقای مدرسی یزدی - نمی‌شود؛ وقتی در قانون اسم مرکز و جای خاصی را برده است، هر جا را که نمی‌شود به موضوع آن قانون ملحق کرد.

آقای مؤمن - نه، فقط تبصره (۸) است که مربوط به برخی مراکز خاص است.

آقای علیزاده - اتفاقاً دانشجوی ستاره‌دار حق بیشتری [نسبت به دانشجوی عادی] دارد؛ چون او [پس از اتمام تحصیلات] باید در وزارت آموزش و پرورش خدمت کند.

آقای مؤمن - یعنی دانشجوی ستاره‌دار از این نظر که تعهد خدمتی دارد، به آموزش و پرورش نزدیک‌تر است.

آقای علیزاده - بله نزدیک‌تر است. حالا ظاهراً این استفساریه ایرادی ندارد؛ اگر کسی نسبت به این استفساریه، ایرادی دارد بفرماید.

آقای مدرسی یزدی - من فکر می‌کنم ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - چه ایرادی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - ایرادش این است که تفسیر نیست.

آقای علیزاده - شرح بدهید.

آقای مدرسی یزدی - آن مقداری که من از قانون [= قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزش‌یاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش] مطلع شدم، مرکز تربیت معلم یک مرکز خاص است [و الحاق دو مرکز شهید رجایی و دکتر شریعتی به آن در قالب تفسیر درست نیست].

آقای مؤمن - آن قانون فقط مربوط به مرکز تربیت معلم نیست.

آقای علیزاده - کجای این قانون نوشته شده که مربوط به چه مراکزی است؟

آقای مؤمن - فقط در تبصره (۸) آن بحث مرکز تربیت معلم مطرح شده است. اگر بقیه مواد آن را از اول بخوانید می‌بینید که هیچ اختصاصی به مرکز تربیت معلم ندارد.

آقای مدرسی یزدی - در تبصره (۸) ماده (۱۷) می‌گوید: «احکام قانون متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۹/۳/۸ به استثنای احکام ناظر بر دانش‌آموزان دانش‌سراهای تربیت معلم به قوت خود باقی است. دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۸ مرکز تربیت معلم نیز که طبق مقررات مربوطه مشخص شده‌اند مشمول این حکم می‌گردند.» خب، این تبصره که گفته است احکام قانون مصوب ۱۳۶۹/۳/۸ شامل همه‌ی متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش به استثنای یک مورد

می‌شود. بنابراین دیگر نیاز به سؤال و استفساریه هم نبوده است.

آقای ره‌پیک - نه، این استفساریه بحث دیگری است.

آقای مدرسی یزدی - تبصره (۸) که نمی‌خواهد احکام مربوط به دو مرکز مذکور در این استفساریه را بگوید.

آقای سوادکوهی - این مربوط به سال ۱۳۸۸ است.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای سوادکوهی - استفساریه‌ی فعلی فقط در مورد تأیید احکام تبصره‌های (۸) و (۹) برای دانشجویان ستاره‌دار ورودی ۱۳۸۸ دو مرکز شهید رجایی و دکتر شریعتی است.

آقای مدرسی یزدی - بله، استفساریه می‌خواهد بگوید دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ این دو مرکز هم مشمول احکام آن دو تبصره می‌شوند. خب، اینکه این دانشجویان تحت آن احکام واقع می‌شوند، اصلاً تفسیر قانون نیست؛ فقط بیان همان قانون است.

آقای علیزاده - تفسیر قانون هم همان بیان قانون است؛ بیان مراد مقنن است.

آقای مدرسی یزدی - نه، تفسیر که بیان نیست؛ بیان یعنی قانون واضح است [و ابهامی ندارد]. گفته‌اند که تفسیر، «کشف الغطاء»^(۱) می‌کند^(۲) ولی تبصره‌های (۸) و (۹) ماده (۱۷) غطائی^(۳) نداشته‌اند که نیاز به تفسیر داشته باشند.

آقای علیزاده - حالا به هر حال، مجریان این قانون به این نحو عمل نمی‌کنند و می‌گویند ما این را نمی‌فهمیم.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌دانم؛ من واقعاً نمی‌فهمم [که دلیل ارائه‌ی این استفساریه چیست!]

آقای مؤمن - حالا عیبی ندارد.

۱. «کشف الغطاء» در لغت به معنای «پرده‌برداری» و در اصطلاح به معنای «برطرف کردن ابهام‌ها و آشکار کردن حقایق» است.

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ شورای نگهبان: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است. بنابراین تضييق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.»

۳. «غطاء» در لغت به معنای «پرده» و «پوشش» است. فرهنگ فارسی معین و لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «غطاء».

آقای علیزاده - آقای مدرسی یزدی، شما آن جایی را که تفسیر قانون نبود گفتید تفسیر است،^(۱) حالا اینجا که واقعاً تفسیر قانون است می‌گویید تفسیر نیست!

آقای مؤمن - بله، اینجا که تفسیر قانون است، ایشان [= آقای مدرسی یزدی] می‌گوید تفسیر نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - تفسیر مجلس در اینجا که اشکالی ندارد؛ چون شما خودتان می‌گویید که [این قانون، از شدت وضوح]، اصلاً تفسیر هم نمی‌خواست.

آقای علیزاده - بله، این قانون تفسیر نمی‌خواهد، ولی آنها می‌گویند به نظر ما تفسیر می‌خواهد. اگر یک وقت از ما درخواست تفسیر اصول قانون اساسی بخواهند، خوب حالا ما ممکن است در پاسخ به آن استفسار، به آنها بگوییم که این متن اصل قانون اساسی، از بس روشن است، اصلاً نیازی به تفسیر ندارد؛ ولی یک وقت از مجلس خواسته‌اند که قانونی را تفسیر کند و مجلس می‌گوید به نظر من تفسیر این قانون این‌گونه است، در این موارد ما نمی‌توانیم به مجلس بگوییم این قانون نیاز به تفسیر ندارد.

آقای اسماعیلی - اصلاً به احتمال زیاد، در مقام اجرا، دعوا پیش آمده که درخواست تفسیر کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله. حضرات آقایانی که می‌فرمایند این استفساریه خلاف قانون اساسی یا خلاف شرع است، نظرشان را بفرمایند.

آقای سوادکوهی - آن ایرادی که آیت‌الله مدرسی فرمودند به نظر من هم وارد است؛ چون ظاهراً آنچه که در تبصره (۸) به عنوان مرکز تربیت معلم آمده، الان به دانشگاه فرهنگیان تبدیل شده است. اگر این‌طور باشد شاید خواست مجلس در این استفساریه این بوده است که بگوید این دو مرکزی که در این استفساریه ذکر شده‌اند، جزئی از همین مرکز تربیت معلم هستند و بنابراین شامل همان حکم مربوط به مرکز تربیت معلم می‌شوند. ولی مثل اینکه این‌طور نیست؛ چون این دو موردی که اینجا ذکر کرده‌اند، یعنی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران و دانشکده فنی حرفه‌ای دختران دکتر شرعیتهی تهران، دو دانشگاه و دانشکده‌ی متفاوت هستند که چیزی غیر از آن مرکز تربیت معلم است که در این تبصره (۸) ذکر شده است و اصلاً الحاق این دو مرکز به این تبصره، با

۱. مراد دستور جلسه‌ی قبلی شورا است که به بررسی «طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی» پرداخته شد.

صدر این ماده واحده هم سازگار نیست. به هر حال به نظر من، این استفساریه یک قانون‌گذاری جدید است و این امر، تفسیر قانون نیست. نظر من این است.

آقای هاشمی شاهرودی - مگر دانشگاه تربیت دبیر همان دانشگاه تربیت مدرس نیست؟

آقای مدرسی یزدی - نه، دانشگاه تربیت دبیر غیر از دانشگاه تربیت مدرس است.

آقای سوادکوهی - بله، این دو با هم متفاوتند. یعنی مجلس در پاسخ استفساریه دو مرکز دیگر را داخل حکم تبصره‌های (۸) و (۹) کرده‌اند که اصلاً داخل این حکم نبوده‌اند.

آقای رهپیک - این موضوع باید از مجلس سؤال بشود. چون به نظرم الآن دانشگاه فرهنگیان فقط در تهران شش یا هفت شعبه دارد. سؤال این است که آیا دانشگاه فرهنگیان همان مراکز تربیت معلم سابق است که تبدیل به این دانشگاه شده است یا خیر.

آقای سوادکوهی - دانشگاه فرهنگیان غیر از تهران در سایر شهرهای کشور هم شعبه دارد.

آقای رهپیک - بله، در استان‌ها هم شعبه دارند. فقط در تهران شش شعبه دارد. خب، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی اگر ذیل این دانشگاه فرهنگیان باشد، این استفساریه عیبی ندارد؛ ولی به نظرم یک دانشگاه تربیت دبیر از وزارت آموزش و پرورش انتزاع شد و به وزارت علوم سپرده شد.

آقای هاشمی شاهرودی - پس این مورد را سؤال کنید.

آقای رهپیک - بله، این را باید سؤال کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - البته باید توجه داشت که موضوع این استفساریه فقط در مورد دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ این مراکز است نه بقیه؛ پس معنایش این است که بقیه‌ی دانشجویان این مراکز مشمول [احکام تبصره‌های (۸) و (۹) ماده (۱۷)] هستند و فقط با این استفساریه می‌خواهند بگویند که ستاره‌دارها هم مشمول این احکام هستند.

آقای سوادکوهی - دانشجویان ستاره‌دار به وزارت آموزش و پرورش تعهد خدمتی دارند؛ از این جهت شاید خواسته بگویند که این دانشجویان هم مشمول احکام آن دو تبصره هستند.

آقای شبزنده‌دار - البته فقط دانشجویان ستاره‌دار این دو مرکز.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، فقط دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار ورودی سال ۱۳۸۸ آن دو مرکز.

آقای سوادکوهی - یعنی چه؟! یعنی احکام تبصره‌های (۸) و (۹) شامل همه‌ی دانشجویانی که به وزارت آموزش و پرورش تعهد خدمتی دارند، نمی‌شود و فقط شامل ورودی‌های سال ۱۳۸۸ می‌شود؟!]

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی اینکه بقیه‌ی دانشجویان، مشمول احکام تبصره‌های (۸) و (۹) هستند.

آقای سوادکوهی - نه، احکام تبصره‌های (۸) و (۹) اصلاً شامل بقیه‌ی آنها [= دانشجویان رشته‌های ستاره‌دار غیر از ورودی‌های ۱۳۸۸] نمی‌شود؛ یعنی سایر دانشجویان متعهد به خدمت را شامل نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - شاید این قید توضیحی است.

آقای ابراهیمیان - این مراکز، دو نوع دانشجو دارند: ستاره‌دار و آزاد. بعضی از دانشجویان این مراکز، دانشجوی آزاد هستند، یعنی تعهد خدمت به جایی ندارند و اصلاً وعده‌ی کار و شغل پس از اتمام تحصیلات به آنها داده نشده است؛ این دسته از دانشجویان اصلاً مشمول این قانون [و احکام تبصره‌های (۸) و (۹)] نیستند.

آقای سوادکوهی - بله، این دانشجویان مشمول این احکام نیستند.

آقای ابراهیمیان - بعضی از دانشجویان این مراکز هستند که یک پروسه‌ی ویژه‌ای را طی می‌کنند و تعهد داده‌اند که بعد از اتمام تحصیل به دولت خدمت کنند. مجلس در این استفساریه می‌خواهد بگوید این دسته از دانشجویان که تعهد خدمت دارند و گزینش ویژه شده‌اند، به حکم مقرر برای دانشجویان تربیت معلم ملحق هستند و طبق این قانون استخدام شوند.

آقای هاشمی شاهرودی - با این توضیحات باز هم این استفساریه، قانون‌گذاری جدید محسوب می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این استفساریه را هم بگذارید تا بررسی دقیق‌تری بشود و بعد در هفته‌ی آینده راجع به آن تصمیم‌گیری کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده، حواستان باشد این استفساریه، قانون‌گذاری جدید است؛ یعنی مجلس صرفاً می‌خواهد دانشجویان ستاره‌دار از این مراکز را به حکم دانشجویان مراکز تربیت معلم ملحق کند؛ خب این قانون‌گذاری جدید محسوب می‌شود.

آقای سوادکوهی - بله، مجلس می‌خواهد این کار را بکند.

آقای مدرسی یزدی - این استفساریه برای اظهار نظر هنوز وقت دارد. پس اجازه دهید در مورد آن از مجلس سؤال شود، ببینیم وضعیت آن چه طوری است.

آقای سلیمی - این استفساریه فعلاً رأی نیاورد. حالا بماند تا جلسه‌ی بعد که آقای ره‌پیک گزارش خودشان را در مورد این موضوع بیاورند، بعد راجع به آن تصمیم می‌گیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اگر این قانون‌گذاری جدید در قالب تفسیر باشد، حتماً رأی [مغایرت با قانون اساسی] می‌آورد.

آقای مدرسی یزدی - بله، اگر این‌گونه باشد، معلوم است که رأی می‌آورد.

آقای ره‌پیک - مجلس اگر بخواهد این دو مرکز را جزو اطلاق مرکز تربیت معلم حساب کند، باز یک چیزی است که [قابل تأیید است].

آقای سلیمی - ولی این دانشگاه تربیت دبیر است نه تربیت معلم.

آقای ابراهیمیان - البته این احتمال هم وجود دارد که مرکز تربیت دبیر شهید رجایی قبلاً تربیت معلم بوده و بعداً در این انتزاعات، چارچوبش تغییر کرده و با الحاقش به آموزش عالی به دانشگاه تربیت دبیر تبدیل شده باشد. اگر این احتمال درست باشد، مجلس شاید به اعتبار تلبس قبلی این دانشگاه به عنوان تربیت معلم آن را به حکم مقرر برای مرکز تربیت معلم ملحق کرده است.

آقای علیزاده - این دانشگاه قبلاً اسمش دانشکده تربیت دبیر لویزان بوده و بعداً اسم آن به دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تغییر کرده است.^(۱) این استفساریه می‌گوید احکام تبصره‌های (۸) و (۹) ماده (۱۷) شامل این دانشگاه هم می‌شود. اما تعویض شدن اسم ربطی به احکام قانونی این مرکز ندارد.

آقای سوادکوهی - این دو مرکز تربیت معلم و تربیت دبیر، هر دو ورودی تربیت آموزگار برای آموزش و پرورش هستند که الآن با هم یکی هستند. اما این دو در آن زمان [= زمان تصویب «قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش»] در سال ۱۳۸۸ از هم جدا بودند و یکی نبودند. مجلس الآن می‌خواسته که این دو را که در سال ۱۳۸۸ از هم جدا بودند، با هم تحت یک حکم داخل کند.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه (۴۳۲) خود مورخ ۱۳۷۷/۹/۳، طی مصوبه‌ای با «تغییر عنوان دانشکده تربیت دبیر لویزان به دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی» موافقت کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، این کار مجلس یعنی قانون گذاری جدید.

آقای سوادکوهی - بله، قانون گذاری جدید است.

آقای رهیک - قبلاً در یک دوره‌ای تربیت دبیر زیر نظر وزارت آموزش و پرورش بود.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده، این استفساریه طبق این توضیحی که آقایان می دهند، قانون گذاری جدید محسوب می شود.

آقای علیزاده - نمی دانیم.

آقای هاشمی شاهرودی - به این استفساریه هم ابهام بگیرید تا آقایان [= نمایندگان مجلس] وضعیت آن را مشخص کنند.

آقای ابراهیمیان - اگر فرصت داریم در مورد این استفساریه تحقیق کنیم و از خود نمایندگان مجلس در مورد آن توضیح بخواهیم.

آقای علیزاده - بله، حالا اظهار نظر در مورد این استفساریه برای هفته‌ی بعد بماند تا یک تحقیقی در مورد آن بکنیم. آقایانی که به مجلس دسترسی دارند، برای هفته‌ی بعد در مورد این استفساریه تحقیق کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - از مرکز تحقیقات [شورای نگهبان] بخواهید که در این خصوص تحقیق کند.

آقای علیزاده - بله، به آنها می گویم که درباره‌ی این استفساریه تحقیق کنند. در گزارش کارشناسی مرکز تحقیقات چه نوشته بودند؟

آقای سلیمی - آنها هم همین را گفته اند که این، تقنین است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آنها هم گفته اند که این استفساریه، قانون گذاری جدید است.

آقای شب زنده دار - گفته اند تفسیر نیست.

آقای علیزاده - به چه دلیل گفته اند قانون گذاری جدید است؟ ما باید ببینیم این استفساریه به کدام کمیسیون تخصصی مجلس مربوط است؛ از آنها راجع به این استفساریه سؤال کنیم.

آقای سوادکوهی - به نظر من مرکز تحقیقات محل بسیار مناسب و خوبی است که با داشتن ۴۰ نفر کارشناسی که در آنجا دارند فعالیت می کنند، می تواند در زمینه های مختلف به ما کمک کند. البته کارشناسان مرکز توقعشان این است که اعضای شورای نگهبان با آنها تعامل بیشتری داشته باشند تا آنها بتوانند نظرات و خواسته های اعضای

شورا را بگیرند و آنها را برآورده کنند.

آقای علیزاده - پس ان شاء الله این طرح استفساریه را در جلسه‌ی بعد شورا، بعد از اینکه درباره‌ی آن تحقیق کردیم و توضیحات نمایندگان مجلس را شنیدیم، مجدداً بررسی می‌کنیم.^(۱)

طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌ها

منشی جلسه - «طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌ها»^(۲)

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر سایر شوراهای عالی، شوراها، مجامع و هیئت‌هایی که در برابر قانون مربوط، نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی در آنها عضویت دارند، در هر یک از شوراهای زیر به تعداد تعیین شده، نماینده مجلس با معرفی کمیسیون تخصصی ذی‌ربط و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر عضویت می‌یابد:

الف- شوراهای دارای یک نماینده ناظر:

۱- شورای عالی فناوری اطلاعات موضوع ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹

آقای علیزاده - اینکه نمایندگان مجلس بخواهند در همه‌ی مجامع و شوراهای عالی عضو باشند، صحیح نیست. [با تصویب این طرح،] نمایندگان می‌خواهند در همه‌جا

۱. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۸ شورای نگهبان ادامه یافته است.

۲. طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌ها که در ابتدا با عنوان «طرح اصلاح قوانین نحوه معرفی، انتخاب و فعالیت ناظرین و ساماندهی امور نظارتی مجلس شورای اسلامی» به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۵/۴۴۶۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۸/۱، نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد آن با اصول قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

عضو باشند و [در کار مجامع و شوراهاى عالی دخالت کنند]. اگر قبلاً بنا بر مصلحت، [به طور موردی] این قبیل مصوبات را تأیید می‌کردیم، حالا [با تصویب این طرح، عضویت نمایندگان در این مجامع،] قانونی می‌شود. علت تصویب این طرح چیست؟! برای چه می‌خواهند در شورای عالی فناوری اطلاعات عضو شوند؟! اصلاً وظیفه‌ی شورای عالی فناوری اطلاعات چیست [که نیازمند عضویت تعدادی از نمایندگان مجلس به عنوان عضو ناظر باشد؟]

ماده‌ی (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات [مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹] را قرائت می‌کنم تا موضوع روشن شود: «ماده ۴- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی در قلمرو فناوری اطلاعات، تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت برای توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در قلمرو فناوری اطلاعات و همچنین گسترش کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور و برنامه‌های توسعه بخش‌های مختلف، شورای عالی فناوری اطلاعات، با استفاده از امکانات و نیروی انسانی دفتر مدیریت و تجهیز منابع اطلاعات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و در چارچوب سیاست‌های کلی نظام تشکیل می‌گردد. تصمیمات شورا با رعایت سیاست‌های کلی نظام در چارچوب قوانین و مقررات پس از تأیید رئیس جمهور توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ابلاغ می‌گردد و مسئولیت و نظارت بر حسن اجرای آن به عهده وی خواهد بود.

الف- ریاست شورای عالی با رئیس جمهور بوده و در غیاب ایشان، معاون وی این وظیفه را به عهده خواهد داشت.»

آقای ابراهیمیان - اگر عضویت نمایندگان به عنوان ناظر باشد، اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - نه، آن که اشکال ندارد.

آقای عزیززاده - گفته‌اند در این شوراها، این تعداد افراد به عنوان ناظر شرکت کنند.

منشی جلسه - «۲- شورای عالی فضایی موضوع ماده (۸) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹؛^(۱)

۱. ماده (۸) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹: «ماده ۸- به منظور استفاده از فناوری‌های فضایی و استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو و حفظ منافع ملی و بهره‌برداری منسجم از علوم و فناوری فضایی در جهت توسعه اقتصادی، فرهنگی، علمی و فناوری

۳- شورای عالی انرژی، موضوع ماده (۳) قانون اصلاح مواد (۲) و (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل شورای عالی انرژی کشور، مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰؛^(۱)

→

کشور، شورای عالی فضایی با ریاست رئیس جمهور و با استفاده از امکانات و نیروی انسانی سازمان، موضوع ماده (۹) این قانون تشکیل می‌گردد. مصوبات شورا با رعایت سیاست‌های کلی نظام در چارچوب قوانین و مقررات پس از تأیید رئیس جمهور توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ابلاغ می‌گردد و مسئولیت نظارت بر حسن اجرای آن به عهده وی خواهد بود. وظایف و اختیارات شورای عالی فضایی به شرح زیر خواهد بود:

الف- سیاست‌گذاری برای استفاده از فناوری‌های فضایی در بخش‌های امنیتی و استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو، در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و رعایت قوانین و مقررات کشور

ب- سیاست‌گذاری ساخت و پرتاب و استفاده ماهواره‌های ملی تحقیقاتی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و رعایت قوانین و مقررات کشور

ج- ایجاد هماهنگی لازم میان کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط

د- ارائه پیشنهاد و تدوین برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت مربوط به امور فضایی دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای طی مراحل قانونی

هـ- تصویب برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت در بخش فضایی کشور

و- هدایت و حمایت از فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی در امر استفاده بهینه از فضا

ز- ارائه پیشنهاد در خصوص خط مشی همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در مسائل فضایی و تعیین مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران در مجامع یاد شده به هیئت وزیران جهت طی مراحل قانونی و در چارچوب سیاست‌های کلی نظام

تبصره ۱- اساسنامه شورای عالی فضایی توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- دبیرخانه شورای عالی در سازمان فضایی ایران با استفاده از امکانات و نیروی انسانی مرکز سنجش از راه دور ایران و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و اداره کل طرح و مهندسی و نصب ارتباطات ماهواره‌ای شرکت مخابرات ایران و اداره کل نگهداری ارتباطات ماهواره‌ای شرکت مخابرات ایران تشکیل و رئیس سازمان فضایی ایران، دبیر شورای عالی خواهد بود.»

۱. ماده (۳) قانون اصلاح مواد (۲) و (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل شورای عالی انرژی کشور مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰: «ماده ۳- به منظور تمرکز سیاست‌گذاری در بخش انرژی کشور (از جمله انرژی‌های نو) و ایجاد هماهنگی لازم در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های کشور در بخش انرژی و بهینه‌سازی تولید و مصرف انواع حامل‌های انرژی و تعیین ضوابط و الگوهای آن و نیز تدوین سیاست‌ها و ضوابط تقلیل آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از تولید و مصرف انرژی، شورای عالی انرژی کشور به ریاست رئیس جمهور (و در

←

- ۴- شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری، موضوع ماده (۳) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳؛^(۱)
- ۵- شورای عالی حفاظت محیط زیست، موضوع بند (۱) قانون اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴؛^(۲)

→

غیاب وی، معاون اول رئیس جمهور) و عضویت وزرای نفت، نیرو، امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی و رؤسای سازمان‌های انرژی اتمی، حفاظت محیط زیست و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل می‌شود. تصمیمات شورای عالی انرژی کشور پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا خواهد بود.

تبصره ۱- دبیرخانه شورای عالی انرژی کشور در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل می‌شود. سازمان مذکور حداکثر استفاده از قابلیت کارشناسی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عضو شورا، در قالب کمیته‌های تخصصی به عمل خواهد آورد. تعداد، ترکیب و وظایف کمیته‌های تخصصی به تصویب شورای عالی انرژی کشور خواهد رسید. رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دبیر شورا و مسئول نظارت بر حسن اجرای مصوبات آن خواهد بود.

تبصره ۲- سایر وزرا در جلساتی که موضوع مربوط به وزارتخانه آنها در دستور کار شورا قرار دارد، می‌توانند در شورا با حق رأی شرکت کنند.»

۱. ماده (۳) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳: «ماده ۳- شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری به ریاست رئیس جمهور یا معاون اول رئیس جمهور و عضویت رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و وزرای امور خارجه، مسکن و شهرسازی، راه و ترابری، کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، امور اقتصادی و دارایی و آموزش و پرورش و رؤسای سازمان‌های مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و حفاظت محیط زیست و چهار نفر کارشناس خبره با پیشنهاد رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و حکم رئیس جمهور تشکیل می‌گردد.

تبصره ۱- رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، دبیر شورای عالی خواهد بود و دبیرخانه شورای عالی در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تشکیل می‌گردد.

تبصره ۲- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف قانونی خود، موظف به اجرای مصوبات این شورای عالی می‌باشند.»

۲. بند (۱) قانون اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴: «۱- ماده (۲) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ریاست شورای عالی حفاظت محیط زیست با رئیس جمهور است و اعضای آن عبارتند از: وزرای کشاورزی، کشور، صنایع، مسکن و شهرسازی، جهاد سازندگی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،

←

- ۶- شورای عالی انفورماتیک کشور، موضوع ماده (۲) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور، مصوب ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب؛^(۱)
- ۷- شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور، موضوع ماده (۱) قانون تأسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور، مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۸؛^(۲)

→

رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و چهار نفر از اشخاص یا مقامات ذیصلاح که بنا به پیشنهاد رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب رئیس جمهور برای مدت سه سال منصوب می‌شوند.

تبصره- در موارد لزوم بر حسب مورد به پیشنهاد رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب رئیس جمهور، از سایر وزرا برای حضور در جلسات شورای عالی دعوت به عمل می‌آید. وزارایی که بدین نحو به جلسات دعوت می‌شوند در تصمیم‌گیری شورا حق رأی دارند.»

۱. ماده (۲) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور، مصوب ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب

جمهوری اسلامی ایران: «ماده ۲- اعضای شورای عالی انفورماتیک کشور عبارتند از:

۱- رئیس شورای عالی انفورماتیک کشور به پیشنهاد وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه از طرف نخست‌وزیر منصوب می‌گردد؛ ۲- یک نفر نماینده تمام‌وقت رئیس سازمان برنامه و بودجه، صاحب‌نظر در نظام‌های اطلاعاتی مدیریت و برنامه‌ریزی که سمت دبیری شورا را به عهده خواهد داشت؛ ۳- یک نفر نماینده مرکز آمار ایران به پیشنهاد رئیس این مرکز، صاحب‌نظر در برنامه‌ریزی آمار؛ ۴- یک نفر نماینده تمام‌وقت، صاحب‌نظر و محقق در امور مربوط به آموزش طراحی و ساخت کامپیوتر به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛ ۵- یک نفر نماینده تمام‌وقت و صاحب تجربه و دانش در امور مالی، حقوقی و بازرگانی بین‌المللی به انتخاب وزیر بازرگانی؛ ۶- یک نفر نماینده سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف صنایع الکترونیک کشور، صاحب‌نظر در امور افزارگان به انتخاب مدیران این مؤسسات؛ ۷- یک نفر نماینده شرکت‌های کامپیوتری به انتخاب مدیران عامل آنها؛ ۸- یک نفر نماینده مراکز خدمات کامپیوتری کشور به انتخاب مسئولین یا رؤسای آنها؛ ۹- یک نفر نماینده شورای عالی بانک‌ها؛ ۱۰- دو نفر متخصص در امور کامپیوتری و نظام‌های اطلاعاتی و رشته‌های مشابه به پیشنهاد رئیس شورا و تصویب وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه.

تبصره- مدت عضویت در شورای عالی انفورماتیک کشور دو سال و قابل تمدید می‌باشد. این مدت برای نمایندگان تمام وقت سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها شش ماه و قابل تمدید است.»

۲. ماده (۱) قانون تأسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۸: «ماده ۱- به منظور اعمال سیاست‌های جامع و هماهنگ ترافیکی و تهیه خط مشی لازم و بهبود اداره کلیه امور مربوط به امر عبور و مرور همانند طراحی، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت، نظارت و انتظامات ترافیکی شهرها، شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور که از این پس شورای عالی نامیده می‌شود، مرکب از اعضای زیر تأسیس می‌شود:

←

- ۸- شورای عالی صنایع دریایی کشور، موضوع ماده (۹) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی، مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۵؛^(۱)
- ۹- ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور، موضوع تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۷ هیئت وزیران در مورد طرح جامع امداد و نجات کشور.^(۲)

→

۱- معاون وزیر کشور، ریاست شورا؛ ۲- معاون وزیر راه و ترابری؛ ۳- معاون وزیر مسکن و شهرسازی؛ ۴- معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن؛ ۵- معاون رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ ۶- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست یا معاون وی؛ ۷- فرمانده نیروی انتظامی یا معاون وی. مصوبات این شورا پس از تصویب وزیر کشور قابل اجرا است.»

۱. ماده (۹) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۵: «ماده ۹- نظر به گستردگی صنایع و امور مختلف دریایی کشور در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف و به منظور تمرکز سیاست‌گذاری و ایجاد هماهنگی لازم در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های کشور در این بخش، شورای عالی صنایع دریایی کشور به ریاست رئیس جمهور (و در غیاب وی، معاون اول رئیس جمهور) و عضویت وزرای صنایع و معادن به عنوان دبیر شورا، نفت، امور اقتصادی و دارایی، راه و ترابری، بازرگانی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، جهاد کشاورزی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور تشکیل می‌شود. تصمیمات شورای عالی صنایع دریایی کشور پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجراء خواهد بود.»

۲. هیئت وزیران در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۷ بنا به پیشنهاد شماره ۲۱۲-۱۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۷ جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و به استناد ماده (۴۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ - طرح جامع امداد و نجات کشور را مشتمل بر (۵۷) ماده به تصویب رساند. ماده (۶) این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۹ توسط هیئت وزیران اصلاح شده است. مواد (۵) و (۶) این مصوبه بیان می‌دارد: «ماده ۵- به منظور سیاست‌گذاری کلی، برنامه‌ریزی ملی و نظارت عالی بر امر مدیریت بحران کشور، ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور - که در این طرح، ستاد نامیده می‌شود - تشکیل می‌گردد. تبصره- از زمان تصویب این طرح کلیه مسئولیت‌ها و اختیارات ستاد حوادث غیرمترقبه کشور و دیگر نهادها و مجامع موازی به ستاد منتقل می‌شود.»

۳- اعضای ستاد عبارتند از: ۱- وزیر کشور (رئیس)؛ ۲- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۳- وزیر پست و تلگراف و تلفن؛ ۴- وزیر آموزش و پرورش؛ ۵- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ ۶- وزیر راه و ترابری؛ ۷- وزیر نیرو؛ ۸- وزیر مسکن و شهرسازی؛ ۹- وزیر جهاد کشاورزی؛ ۱۰- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۱- وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ ۱۲- وزیر امور خارجه؛ ۱۳- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری؛ ۱۴- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ ۱۵- رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۶- فرمانده نیروی مقاومت بسیج؛ ۱۷- رئیس سازمان صدا و

←

مرکز تحقیقات شورای نگهبان به بند (۹) این مصوبه ایراد گرفته است: «ماده ۱- جزء (۹) بند (الف): با توجه به انحصار صلاحیت دولت در تصویب و اصلاح آیین نامه یا تصویب نامه مقرر در اصل (۱۳۸) قانون اساسی، به نظر می‌رسد که تعیین عضو ناظر در ستاد مقرر در این بند، به منزله اصلاح تصویب نامه هیئت وزیران به حساب آمده و از این جهت مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی باشد.»^(۱)

آقای ابراهیمیان - چون ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه‌ی کشور توسط دولت و با تصویب نامه‌ی هیئت وزیران [و نه با تصویب قانون] تأسیس شده است، [اشکال دارد]. اگر یک عضو [به اعضای پیش‌بینی شده در مصوبه هیئت وزیران اضافه شود، اساسنامه تغییر می‌کند].

آقای مؤمن - مجلس می‌خواهد [از مصوبات ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه‌ی کشور] اطلاع داشته باشد.

آقای ابراهیمیان - با این بند مصوبه، اساسنامه [ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه‌ی کشور] را تغییر داده‌اند؛ بنابراین [اشکال دارد].

آقای علیزاده - فردا ممکن است مجلس بگوید من می‌خواهم یک نفر ناظر بفرستم تا در جلسات هیئت دولت شرکت کند!

آقای هاشمی‌شاهرودی - خلاف استقلال قوا است.

آقای علیزاده - بله، همین است. هیئت وزیران، ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه‌ی کشور را برای انجام بعضی کارهای اجرایی خودشان به وجود آورده‌اند. نمایندگان مجلس در هر شورای عالی یا مجامعی که با قانون ایجاد می‌شود، شرکت می‌کنند. این مصوبه بعداً به همه جا سرایت می‌کند.

→

سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۸- رئیس ستاد کل نیروهای مسلح؛ ۱۹- رئیس سازمان شهرداری‌های کشور؛ ۲۰- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲۱- رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی؛ ۲۲- رئیس سازمان هواشناسی کشور؛ ۲۳- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست. تبصره- در صورت عدم امکان حضور هر یک از اعضا (به استثنای رئیس ستاد)، معاون ذی‌ربط می‌تواند با هماهنگی دبیرخانه ستاد در جلسات شرکت نماید.»

۱. اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

آقای هاشمی‌شاهرودی - هیئت دولت، «شورای عالی» نیست. هیئت دولت، «هیئت دولت» است.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا اگر نماینده، اصلاً [در روند تصویب مصوبات این شوراها و مجامع] دخالتی نداشته باشد و فقط در آنجا شرکت کند و به مباحث گوش بدهد، چه می‌شود؟ چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - شما فرض کنید یکی از نمایندگان مجلس هم در جلسات شورای نگهبان شرکت کند!

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، مثلاً نمایندگان مجلس در جلسات مسئولان عالی قضایی یا شورای نگهبان شرکت کنند!

آقای علیزاده - این که مجلس مصوب کند که مثلاً نماینده‌ای در جلسات محاکم [داگستری] شرکت کند، مجوز می‌خواهد. شرکت در این جلسات مجوز می‌خواهد. این شرکت کردن‌ها فردا به همه‌ی نهادها سرایت می‌کند. در حالی که دولت می‌گوید: من خودم برای تصمیم‌گیری‌های خودم، یک هیئت می‌خواهم، مجلس هم بگوید: من هم یک نماینده می‌فرستم تا در جلسات آنها شرکت کند!

منشی جلسه - آیا اصلاً، این بند مصوبه‌ی مجلس، اصلاح تصویب‌نامه‌ی دولت محسوب می‌شود یا خیر؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - [این بند،] خلاف استقلال قواست.

آقای علیزاده - همین حد هم خلاف استقلال قواست. ما قبلاً هم این ایراد را گرفته‌ایم.^(۱)

۱. نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۴۹۲۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ شورای نگهبان در خصوص طرح تعیین وضعیت، ادغام و اصلاح شوراهای عالی مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «با توجه به اینکه برخی اختیارات تفویض شده به شورای عالی آموزش و پرورش، شورای انرژی اتمی، شورای اقتصاد، شورای پول و اعتبار، شورای عالی استاندارد، شورای عالی حفاظت محیط زیست و شورای عالی انفورماتیک کشور دارای جنبه تقنینی است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد. در بعضی مواردی که جنبه تصویب آیین‌نامه دارد و همچنین مواردی که از امور اجرایی است مغایر اصول (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.» جهت مشاهده‌ی سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: موسی‌زاده، ابراهیم و همکاران، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان ۱۳۸۹-۱۳۵۹)، تهران، معاونت تدوین، تقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری، بی‌تا، ذیل اصول (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی.

آقای جنتی - موارد دیگری هم مشابه این بوده است.

آقای علیزاده - نه، نباید تصمیمات شورای نگهبان و دولت را [با قانون‌گذاری مجلس تغییر دهند].

منشی جلسه - در بندهای (۱) تا (۸)، مجلس شوراهاى عالی‌ای را که از طریق قانون‌گذاری ایجاد کرده بود، از طریق این مصوبه، اصلاح کرد؛ ولی مجلس نمی‌تواند از طریق قانون‌گذاری، مصوبه‌ی هیئت وزیران را اصلاح کند.

آقای علیزاده - خودشان قانون تصویب می‌کنند [تا در شوراهاى عالی دخالت کنند].

آقای مؤمن - نه، می‌خواهند ببینند [در شوراهاى عالی] چه کار می‌کنند.

آقای علیزاده - خوب، کار اشتباهی می‌کنند!

آقای مؤمن - مجلس حق تحقیق و تفحص دارد.^(۱)

آقای علیزاده - اینها قبلاً اینجا بحث شد. ما گفتیم و آقایان هم قبول فرمودند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - تحقیق و تفحص، مربوط به بعد از عمل است.

آقای علیزاده - مگر می‌شود فردا مجلس بگوید: من اصلاً در هر وزارتخانه یا اداره کل می‌خواهم یک نماینده بفرستم که در آنجا دفتر داشته باشد و از جریان امور مطلع شود؟!

آقای هاشمی‌شاهرودی - خلاف استقلال قواست.

آقای علیزاده - اصلاً مجلس نمی‌تواند چنین چیزی را تصویب کند، هر چند آن نماینده هیچ کاری نکند و فقط در آنجا بنشیند. واقعاً نمی‌تواند اینها را بگوید.^(۲) به نظر من این بند، ایراد دارد.

منشی جلسه - آیا مجلس می‌تواند از طریق مصوبه‌ی قانونی، تصویب‌نامه‌ی مصوب هیئت وزیران را اصلاح کند؟ به نظر می‌رسد نمی‌تواند.

آقای اسماعیلی - اصلاح نکرده است.

۱. اصل هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.»

۲. نظر شماره ۸۷۷۰ مورخ ۱۳۶۲/۳/۱۲ شورای نگهبان در خصوص طرح تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده (۴) مغایر با قانون اساسی است؛ زیرا تعیین ناظر دائمی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی از طرف مجلس شورای اسلامی نوعی دخالت قوه مقننه در قوه مجریه است و این امر از مصادیق اصل (۷۶) قانون اساسی نمی‌باشد.»

منشی جلسه - چرا آقای دکتر، بند (۹) مصوبه‌ی مجلس، اصلاح مصوبه‌ی هیئت وزیران محسوب می‌شود.

آقای جنتی - آقای عزیزاده، شما چیزی اضافه نکنید. متن مصوبه را ببینید، چون مجلس حق نظارت بر اعمال و رفتار دولت را دارد.

آقای عزیزاده - کجا گفته است؟

آقای جنتی - این حق نظارت [که مسلم است].

آقای هاشمی‌شاهرودی - نظارت، غیر از ناظر گذاشتن توسط نمایندگان است.

آقای عزیزاده - هیچ‌جا هم در این باره بحثی [در قانون اساسی] نداریم.

آقای جنتی - مجلس می‌گوید: من دخالت نمی‌کنم [و تنها در آن شورا، نماینده‌ی ناظر قرار می‌دهم].

آقای عزیزاده - من می‌گویم هیچ جای قانون اساسی ندارد که مجلس حق نظارت، به این معنا، داشته باشد.

آقای مؤمن - حق تحقیق و تفحص دارد.

آقای عزیزاده - تحقیق و تفحص، به این معنا است که مجلس بعد از انجام شدن کار، بخواهد تحقیق کند.

آقای اسماعیلی - [نظارت]، حق مجلس است.

آقای عزیزاده - تحقیق و تفحص، حق مجلس است، اما موردی است. [گذاشتن نماینده ناظر در] همه‌جا که موردی نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - تحقیق و تفحص، بعد از انجام کار است؛ مثل بازرسی است.

آقای مؤمن - مجلس می‌خواهد ببیند دولت این اعمال را چطور انجام می‌دهد.

آقای مدرسی‌زیدی - قاعده «لا تُعَاد» است.^(۱)

۱. حدیث «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةٍ: الطَّهُّورِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ» به حدیث «لا تعاد» معروف، و مضمون آن، این است که نماز تنها در صورت اخلال به یکی از پنج چیز اعاده می‌شود: طهارت، وقت، قبله، رکوع و سجود. مضمون حدیث یاد شده از قواعد معروف فقهی است که در کتب قواعد فقه به تفصیل از آن سخن گفته‌اند. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، زیر نظر سید محمود هاشمی‌شاهرودی، ج ۳، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ ق، ص ۲۶۸. همچنین نگاه کنید به موسوی

آقای جنتی - در اینکه این کار، یک مزاحمت جدی برای دولت فراهم می‌کند، حرفی نیست.
آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله جنتی، اگر حداقل یک جا در مورد قوه مجریه پذیرفتیم. در موارد مشابه و جاهای دیگر هم باید بپذیریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، در تمام قضایا باید بپذیریم. همه جا باید بپذیریم.
آقای علیزاده - با این فرمایش شما، مجلس می‌گوید من هر جا حق تحقیق و تفحص دارم، می‌توانم بروم.

آقای ابراهیمیان - در بقیه شوراها و نهادهای دیگر چه؟

آقای سوادکوهی - نمی‌شود.

آقای علیزاده - آنها مصوبه‌ی مجلس است یا قانونی است.

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند.

آقای ابراهیمیان - اگر شورایی مربوط به خود قوه مجریه یا مربوط به خود قوه قضائیه باشد و اگر قانون هم اشکال داشته باشد، [آیا مجلس می‌تواند در این شوراها هم نماینده‌ی ناظر تعیین کند؟]

آقای علیزاده - حالا شما اشکالتان بالاتر است.

آقای رهپیک - خب، نمی‌شود دیگر.

آقای سوادکوهی - آنچه که ظاهراً اینجا محل بحث است، این است که آیا مجلس می‌تواند در مصوبه‌ی هیئت وزیران اصلاحی به عمل بیاورد یا خیر؟ ظاهراً بر اساس این بند (۹)، مجلس عضوی را [به عنوان نماینده‌ی ناظر] در مصوبه‌ی هیئت دولت وارد می‌کند. به نظر من از این جهت، بر خلاف آن اختیاراتی است که مجلس دارد. یعنی مجلس نمی‌تواند در مصوبه‌ی هیئت وزیران ورود بکند. آیا مجلس می‌تواند ورود کند و مصوبه را اصلاح کند؟

→

بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، القواعد الفقہیہ، تحقیق: مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، ج ۱، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق، صص ۷۷-۱۲۹؛ شریف کاشانی، ملا حبیب‌الله، مستقصی مدارک القواعد و منتهی ضوابط الفوائد، قم، چاپخانه علمیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ ق، صص ۲۰۷-۲۰۸؛ مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقہیہ، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، چاپ سوم، ۱۴۱۱ هـ ق، ج ۱، صص ۵۰۷-۵۲۷؛ معروف حسینی، هاشم، المبادئ العامه للفقہ الجعفری، بیروت، دارالقلم، چاپ دوم، ۱۹۷۸، ص ۲۴۴.

آقای مؤمن - [عضویت نماینده در این ستاد، به عنوان] ناظر است. با تصمیمات [ستاد حوادث و سوانح غیر مترقبه‌ی کشور] کاری ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر اعضای ستاد [حوادث و سوانح غیر مترقبه کشور] را خود مجلس تصویب کرده باشد، می‌تواند [آنها را تغییر دهد]، ولی اگر خودش تصویب نکرده [و اعضا را هیئت وزیران معین کرده باشد]، نمی‌تواند.

آقای سوادکوهی - یعنی در واقع مجلس دارد در مصوبه دولت وارد می‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [به نظر نمی‌رسد] در [هیچ] کشوری، مجلس بتواند به این شکل [در نهادهای دولتی] نماینده‌ی ناظر بگذارد.

آقای مؤمن - نه، چه عیبی دارد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - کدام قانون [اساسی چنین حقی را به مجلس می‌دهد]؟ یک قانون [اساسی] بگویید. حق تحقیق و تفحص غیر از ناظر گذاشتن است. [حق تحقیق و تفحص،] حق موردی و موقت است؛ نماینده، در شوراهای عالی شرکت و از عملکرد آنان تحقیق و تفحص می‌کند و نتیجه‌اش را به مجلس می‌دهد، نه اینکه هم‌اکنون در آن شورا بماند. حق تحقیق و تفحص، موردی است.

آقای علیزاده - بالاترین نظارتی که مجلس می‌تواند نسبت به دولت داشته باشد، استیضاح است یا اینکه تحقیق و تفحص می‌کند که [هر دو] موردی است.

آقای جنتی - شما در سوابق می‌توانید پیدا کنید که آیا ما قبلاً مشابه چنین مصوبه‌ای را تأیید کرده‌ایم یا نه؟

آقای علیزاده - نه، اصلاً تأیید نکرده‌ایم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - کجا تأیید کرده‌ایم؟

آقای جنتی - من به نظرم می‌رسد قبلاً تأیید کرده‌ایم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - تأیید نکرده‌ایم.

آقای علیزاده - اصلاً تأیید نکرده‌ایم.

آقای جنتی - در خیلی از مصوبات، وجود نماینده‌ی ناظر در شوراهای مختلف را تأیید کرده‌ایم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آن شوراهای شوراهایی است که مجلس خودش تصویب کرده است.

آقای علیزاده - چون آن شوراهای خود مجلس تشکیل می‌داد، ما می‌گفتیم اشکال ندارد.

البته اگر در آن مصوبات هم می‌گفتند نماینده‌ی ناظر، حق رأی دارد، ما ایراد می‌گرفتیم. و بعد هم قبلاً ما در طرح [یک فوریتی] ایجاد دفاتر ارتباط مردم با نمایندگان مجلس شورای اسلامی [مصوب ۱۳۶۸/۰۶/۲۱] که مسئولان دفاتر نمایندگان را جهت شرکت در جلسات ادارات و نهادهای حوزه‌ی انتخابیه‌ی آنان الزام کرده بودند، ما ایراد گرفتیم. گفتیم موارد نظارت، منحصر در موارد ذکرشده در قانون اساسی است.^(۱)

آقای هاشمی‌شاهرودی - درست است.

آقای عزیزاده - می‌گفتیم این نوع نظارت، دخالت یک قوه در قوه‌ی دیگر است؛ حتی اگر تنها در آن جلسات شرکت کند و اطلاعات بگیرد. آنجا ما ایراد گرفتیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مجلس نمی‌تواند نماینده‌ی ناظر بگذارد.

آقای عزیزاده - ابزار نظارت مجلس بر دولت، یکی سؤال نمایندگان است و دیگری تحقیق و تفحص. قرار دادن نماینده‌ی ناظر، از مصادیق هیچ‌کدام نیست. مواردی که خود مجلس قانون تصویب می‌کند [و شورا یا مجمعی را به وجود می‌آورد]، می‌تواند

۱. تبصره (۱) ماده واحده طرح یک فوریتی ایجاد دفاتر ارتباط مردم با نمایندگان مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۰۶/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- به منظور تسهیل ارتباط مردم با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شناخت مشکلات مناطق، هر نماینده می‌تواند دفتری تحت عنوان «دفتر ارتباطات مردم با نمایندگان» در هر یک از حوزه‌های انتخابیه تشکیل دهد.

تبصره ۱- مسئول دفتر موظف است ضمن شرکت در جلسات ادارات و نهادهای حوزه، کلیه پیشنهادات، شکایات، انتقادات واصله را برحسب مورد ثبت و نتیجه پیگیری‌ها را حداقل ماهی یک بار به نمایندگان گزارش نماید. فرمانداران و بخشداران حوزه انتخابیه مکلفند لااقل دو روز قبل از تشکیل جلسات شوراهای اداری و کشاورزی و برنامه‌ریزی و اجتماعی و فرهنگی و تأمین و نهادها و دیگر جلساتی که در رابطه با امور شهرستان و بخش تشکیل می‌گردد با اعلام دستور جلسه، مسئول دفتر را دعوت نمایند. مسئولین دستگاه‌های اجرایی و قضایی ملزم هستند حداکثر ظرف مدت یک ماه به موارد مرجوع رسیدگی نموده و نسبت به آن اقدام و یا پاسخ قانع‌کننده بدهند.»

نظر شماره ۹۴۸ مورخ ۱۳۶۸/۰۶/۲۲ شورای نگهبان: «نظر به اینکه به موجب اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، قوای سه‌گانه مملکتی مستقل از یکدیگرند و نظر به اینکه موارد نظارت و مداخله قوه مقننه در قوه مجریه که از طریق مجلس شورای اسلامی اعمال می‌شود، در اصول (۷۶)، (۸۸)، (۸۹) و (۹۰) قانون اساسی مشخص گردیده و نظر به اینکه سیمت نمایندگی به موجب اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست و چگونگی بازرسی و نظارت بر حسن جریان امور در دستگاه‌های اجرایی و قضایی نیز مشخصاً و منحصراً در برخی از اصول قانون اساسی از جمله اصول (۱۵۶)، (۱۷۳) و (۱۷۴) بیان شده است، ماده واحده به کیفیتی که تنظیم شده مغایر با قانون اساسی است.»

در آن نماینده‌ی ناظر هم بگذارد.

آقای رهپیک - طُرُق نظارت مجلس بر دولت در قانون اساسی معلوم است. مجلس از طریق تحقیق و تفحص، سؤال، استیضاح و ... بر دولت نظارت می‌کند. اینها طُرُق نظارت است. طُرُق نظارت عام که [در قانون اساسی] نداریم.

آقای عزیزاده - [اگر این بند را تأیید کنیم]، فردا ممکن است مجلس [بخواهد برای نظارت بر نهادهای دولتی، نهاد] بازرسی تشکیل بدهد. ما واقعاً به این بند ایراد داریم.

آقای شبزنده‌دار - بند (۶) هم اشکال پیدا می‌کند: «۶- شورای عالی انفورماتیک کشور، موضوع ماده (۲) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور، مصوب ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب»؛ چون شورای عالی انفورماتیک کشور هم مصوب مجلس نیست.

آقای عزیزاده - آن شورا، بر اساس قانون مصوب شورای انقلاب است که در ابتدای انقلاب، جانشین مجلس شورای اسلامی بوده است. ما به آن نمی‌توانیم ایراد بگیریم.

آقای مؤمن - واقعاً می‌خواهید زور بگویید؟! رأی بگیرید.

آقای عزیزاده - حضرات آقایانی که عضویت نماینده‌ی ناظر در ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه‌ی مذکور در بند (۹) ماده‌ی (۱) را خلاف قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. ۸ تا رأی.

آقای مدرسی‌یزدی - البته من هم فعلاً نظر ممتنع دارم.

آقای عزیزاده - نظر ممتنع [داخل] در رأی ندادن است.

آقای جنتی - اصل قانون اساسی مربوط به این ایراد را هم معین کنید.

آقای عزیزاده - خلاف اصل تفکیک قوا است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [قرار دادن نماینده‌ی ناظر] غیر از نظارت‌های ذکر شده در قانون اساسی است.

آقای عزیزاده - این نظارت‌ها، آن نظارت‌هایی نیست که برای مجلس در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.

آقای جنتی - بالأخره اینجا که می‌گویید خلاف قانون اساسی است، اصلش را معین کنید.

منشی جلسه - حاج‌آقا، خلاف اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی^(۱) است.

۱. اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «اصل پنجاه و هفتم: قوای حاکم

آقای علیزاده - [قرار دادن نماینده‌ی ناظر در ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه‌ی

کشور] چه ربطی به اصل (۱۳۸) دارد؟

منشی جلسه - مغایر حق وضع تصویب‌نامه توسط دولت است.

آقای علیزاده - بله، درست است. وضع مصوبات دولتی حق دولت است. مجلس

نمی‌تواند بگوید ما مصوبات هیئت وزیران را اصلاح می‌کنیم.^(۱)

منشی جلسه - «ب- شورا‌های دارای دو نماینده ناظر:

۱- شورای عالی بیمه، موضوع ماده (۱۰) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری،

مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰»^(۲)

→

در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل شصتم: اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

اصل یکصد و سی و هشتم: علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران، حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد، با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۵ شورای نگهبان: «۱- تعیین عضو ناظر در ستاد و شورای مذکور در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده یک، به منزله اصلاح تصویب‌نامه هیئت‌وزیران و مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۱۰) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰: «ماده ۱۰- شورای عالی بیمه از اشخاص زیر تشکیل می‌شود:

۱- رئیس کل بیمه مرکزی ایران؛ ۲- معاون وزارت دارایی؛ ۳- معاون وزارت اقتصاد؛ ۴- معاون وزارت کار و امور اجتماعی؛ ۵- معاون وزارت تعاون و امور روستاها؛ ۶- رئیس شرکت سهامی بیمه ایران؛ ۷- مدیر عامل یکی از مؤسسات بیمه به انتخاب سندیکای بیمه‌گران ایران؛ ۸- یک نفر کارشناس امور حقوقی به انتخاب مجمع عمومی؛ ۹- یک نفر کارشناس در امور بیمه به انتخاب مجمع عمومی؛ ۱۰-

←

آقای ابراهیمیان - آیا به هر شورایی که قبلاً حضور نماینده‌ی ناظر در آن پیش‌بینی نکرده‌اند - مربوط به هر کدام از قوا باشد - الآن می‌توانند یک نماینده اضافه کنند یا نه؟

آقای عزیزاده - در واقع با این مصوبه، یک بند از آن قانون را اصلاح می‌کنند؛ این اشکال ندارد.

آقای سوادکوهی - قانون فرق می‌کند.

آقای عزیزاده - نه، اینجا دارند یک بند از آن قانون را اصلاح می‌کنند. ممکن است در بعضی از شوراها دو نماینده‌ی ناظر قرار داشته باشند، آنها یکی کردند.

آقای مؤمن - در بند (ب) می‌خواهند ناظر اضافه کنند.

منشی جلسه - «۲- شورای عالی کار، موضوع ماده (۱۶۷) قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام»^(۱)

آقای عزیزاده - اگر مجمع تشخیص این قانون را تصویب کرده، اینها الآن می‌توانند یک نماینده‌ی ناظر در آن شورا اضافه کنند؟

آقای مؤمن - اینها [به آن قانون، مطلبی] اضافه نمی‌کنند؛ [در شورای عالی کار،

→

یک نفر مطلع در امور بیمه به انتخاب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران. تبصره- اعضای شورای عالی بیمه موضوع بندهای (۷) و (۸) و (۹) و (۱۰) برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.»

۱. ماده (۱۶۷) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱۶۷- در وزارت کار و امور اجتماعی شورایی به نام شورای عالی کار تشکیل می‌شود. وظیفه شورا انجام کلیه تکالیفی است که به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه به عهده آن واگذار شده است. اعضای شورا عبارتند از:

الف- وزیر کار و امور اجتماعی که ریاست شورا را به عهده خواهد داشت؛

ب- دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیئت وزیران که یک نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد؛

ج- سه نفر از نمایندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی) به انتخاب کارفرمایان؛

د- سه نفر از نمایندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی) به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار.

شورای عالی کار از افراد فوق تشکیل که به استثنای وزیر کار و امور اجتماعی، بقیه اعضای آن برای مدت دو سال تعیین و انتخاب می‌گردند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره- هر یک از اعضای شرکت‌کننده در جلسه، دارای یک رأی خواهند بود.»

نماینده] ناظر می گذارند.

آقای ابراهیمیان - ماده‌ی (۱۶۷) قانون کار هم مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است یا نه؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - ظاهراً مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آقای سلیمی - شورای عالی کار [در ضمن قانون کار] در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است. اینها می گویند به اعضای آن شورا دو نفر ناظر اضافه شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مجلس حق ندارد اعضای شورای عالی کار که توسط مجمع تشخیص مصلحت مشخص شده‌اند را تغییر بدهد.

آقای علیزاده - اگر ماده‌ی (۱۶۷) قانون کار، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد، مجلس نمی تواند آن را تغییر دهد؛ چون شورای نگهبان به اصل آن ماده، ایراد داشته و دارد. ما به قانون کار ایراد داریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی کار را تشکیل داده، تعداد اعضایش هم به تشخیص مجمع است، نه بیشتر.

آقای مؤمن - مجلس فقط می خواهد که در آن شورا نماینده‌ی ناظر بگذارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نمی تواند نماینده‌ی ناظر بگذارد.

آقای سلیمی - مگر نماینده‌ی ناظر چه کار می خواهد بکند؟

آقای علیزاده - اگر حضور نماینده‌ی ناظر لازم بود، مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش‌بینی می کرد.

آقای ابراهیمیان - ذیل ماده (۱) گفته: «به عنوان ناظر عضویت می یابد».

آقای سلیمی - مجمع تشخیص مصلحت که نگفته نماینده‌ی ناظر نگذارد.

آقای مؤمن - مجلس [می خواهد در شورای عالی کار نماینده] ناظر بگذارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مجلس نمی تواند نماینده‌ی ناظر بگذارد. مجلس نمی تواند در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تغییر دهد. آیا مجلس می تواند در خود جلسات مجمع تشخیص مصلحت، نماینده‌ی ناظر بگذارد؟

آقای سلیمی - [قرار دادن نماینده‌ی ناظر در شورای عالی کار] تغییری در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام ایجاد نکرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - تغییر داده است؛ چون به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت

نظام، عضویت نماینده‌ی ناظر در شورای عالی کار را اضافه می‌کند.

آقای عزیززاده - ما هم اصل (۱۱۲) قانون اساسی را تفسیر کردیم و گفتیم هرگونه «رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام» ایراد دارد.^(۱)

آقای هاشمی‌شاهرودی - این مصوبه‌ی مجلس، تغییر آن [شورای عالی کار مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام] است.

آقای سلیمی - این مصوبه، فقط دو نماینده‌ی ناظر را در شورای عالی کار قرار داده است.

آقای ابراهیمیان - درست است که نمایندگان، ناظر هستند [و حق رأی ندارند]، ولی عضو شورای عالی کار می‌شوند. همان عضویت صرف هم یک اقتضائاتی دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ناظر است دیگر.

آقای عزیززاده - بفرمایید که سوابق قانون کار را بیاورند. باید بینیم ماده‌ی (۱۶۷) قانون کار [از موارد اختلاف نظر بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان] مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است یا نیست.^(۲) بله، مواد (۱۶۷) به بعد قانون کار، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. شورای نگهبان گفته: «همچنین وجود کانون‌های

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۰۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۲. بند آخر قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «قانون کار که در تاریخ ۱۳۶۸/۰۷/۰۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و موادی از آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته است، در جلسات متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاح و تنظیم مواد (۳)، (۷)، (۸)، (۱۳)، (۱۵)، (۲۰)، (۲۴)، (۲۶)، (۲۷)، (۲۹)، (۳۱)، (۳۲)، (۳۳)، (۴۱)، (۴۶)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۶)، (۵۸)، (۵۹)، (۶۰)، (۶۲)، (۶۴)، (۶۵)، (۶۶)، (۶۷)، (۶۹)، (۷۰)، (۷۳)، (۸۱)، (۱۰۵)، (۱۰۸)، (۱۱۰)، (۱۱۱)، (۱۱۲)، (۱۱۳)، (۱۱۴)، (۱۱۸)، (۱۱۹)، (۱۳۰)، (۱۳۱)، (۱۳۵)، (۱۳۶)، (۱۳۷)، (۱۳۸)، (۱۴۳)، (۱۵۱)، (۱۵۴)، (۱۵۵)، (۱۵۸)، (۱۵۹)، (۱۶۰)، (۱۶۶)، کل فصل مجازات‌های (مواد (۱۷۱)، (۱۷۲)، (۱۷۳)، (۱۷۴)، (۱۷۵)، (۱۷۶)، (۱۷۷)، (۱۷۸)، (۱۷۹)، (۱۸۰)، (۱۸۱)، (۱۸۲)، (۱۸۳)، (۱۸۴)، (۱۸۵)، (۱۸۶)، (۱۸۸)، (۱۸۹)، (۱۹۰)، (۱۹۱)، (۲۰۲) و (۲۰۳) مشتمل بر دو بیست و سه ماده و یکصد و بیست و یک تبصره در تاریخ بیست و نهم آبان‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و نه به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.»

هماهنگی کار در استان و قانون عالی هماهنگی و قانون انجمن‌های صنفی مندرج در مواد (۱۳۱)، (۱۳۲)، (۱۳۶)، (۱۳۷)، (۱۵۸)، (۱۶۰) و (۱۶۷) آن‌گونه که در بند (۴۹) نامه‌ی سابق‌الذکر شورای نگهبان^(۱) آمده، خلاف قانون است و علی‌رغم اصلاح به عمل آمده نیز همچنان اشکال باقی است.^(۲) در این نظر که در زمان [دبیری] آیت‌الله محمدی گیلانی در شورای نگهبان نوشته شده، به نظر اعلامی شورای نگهبان در زمان [دبیری] آیت‌الله صافی استناد کرده‌اند و باز گفته‌اند: ایراد سابق ما باقی است. آن زمان [در سال ۱۳۶۲]، نظر شورای نگهبان این بود که قانون اساسی، انجمن‌های صنفی را پیش‌بینی کرده است، ولی جمعی از انجمن‌ها در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. در آن زمان [سال ۱۳۶۸] از این انجمن‌ها، شورای عالی کار را تشکیل دادند. الآن این [شورای عالی کار]، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آقای مدرسی‌یزدی - مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام چیست؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - تشکیل این شورای عالی کار.

آقای عزیزاده - اینها حالا دارند یک نماینده‌ی ناظر در آن شورای عالی اضافه می‌کنند. ما این را اشکال داریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای عزیزاده - ما به این مصوبه ایراد داریم؛ چون اولاً اگر ایراد شورای نگهبان [نسبت به ماده (۱۶۷)] نبود و حتی اگر الآن بگوییم مجلس می‌تواند [نسبت به ایجاد

۱. نظر شماره ۹۸۵۵ مورخ ۱۳۶۶/۰۹/۱۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه کار مصوب ۱۳۶۶/۰۸/۲۴: «۴۹- ماده (۱۳۶): قبلاً در این خصوص در بند سوم از نامه شماره ۹۸۳۶ مورخ ۱۳۶۲/۰۸/۱۲ شورای نگهبان در مورد طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار مصوب ۱۳۶۲/۰۷/۲۸ بدین شرح اظهار نظر شده است:

«ماده (۲۲) تا (۳۱) که در آنها پیش‌بینی شوراهای مافوق (شورای اسلامی کار منطقه و شورای عالی اسلامی کار) شده، با توجه به اینکه تجویز تشکیل شوراهای مستند به اصل (۱۰۴) قانون اساسی است و باید از محدوده مستفاد از آن اصل تجاوز نکند و آنچه از اصل مزبور فهمیده می‌شود، منحصراً تشکیل شوراهایی در هر واحد جهت همکاری و ایجاد هماهنگی است، بنابراین تشکیل شوراهای اسلامی بالاتر با اختیاراتی بیشتر، مغایر قانون اساسی است. طبعاً کلیه موادی که وظایف و اختیاراتی به شوراهای اسلامی کار منطقه و شورای عالی اسلامی کار داده است، منتفی خواهد شد» و بدین ترتیب باید قانون‌های مذکور در ماده (۱۳۶) حذف شود.»

۲. نظر شماره ۱۱۲۹ مورخ ۱۳۶۸/۰۷/۲۴ شورای نگهبان در خصوص لایحه کار مصوب ۱۳۶۸/۰۷/۰۲ مجلس شورای اسلامی.

شورای عالی کار و تغییر در آن، [قانون جدید وضع کنند، ایراد سابق شورا] به تشکیل شورای عالی کار] به قوت خودش باقی است؛ ثانیاً مجلس با این مصوبه، دارد چیزی را به مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه می‌کند و آن را تغییر می‌دهد که [مطابق با تفسیر شورای نگهبان] نمی‌تواند. در هر حال اشکال به‌جاست.

آقای شبزنده‌دار - به مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام که چیزی اضافه نمی‌کنند. مجمع تشخیص مصلحت نظام هم ملحق به قوه مقننه است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - چرا؟ در قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضمن فصل رهبری است. در قانون اساسی، اصل (۱۱۲) در خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ذیل فصل هشتم - که در خصوص اختیارات رهبری است - قرار دارد. عنوان فصل هشتم، رهبری یا شورای رهبری است که از اصل (۱۰۷) شروع می‌شود و تا (۱۱۲) ادامه دارد. موضوع اصل (۱۱۲) مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بنابراین، مجمع تشخیص مصلحت نظام مربوط به قوه‌ی مقننه نیست.

آقای علیزاده - ما قبلاً تفسیر کردیم که وقتی مجمع تشخیص مصلحت نظام نظر می‌دهد، هرگونه رد و ابطال و نقض و فسخ آن خلاف [اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی] است.^(۱)

آقای مؤمن - اگر مصوبه‌ی مجلس یک نماینده‌ی ناظر را به مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه می‌کند - که می‌گویید خلاف مصوبه‌ی مجمع است - می‌گوید در هر صورت باید با این ناظر هماهنگی شود.

آقای علیزاده - نه، ما این را که نمی‌گوییم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، ما این را نمی‌گوییم، ما به این مطلب کاری نداریم.

آقای علیزاده - ما به ماده‌ی (۱۶۷) که گفتند: به شورای عالی مذکور در ماده‌ی (۱۶۷) یک نماینده‌ی ناظر اضافه کنند، ایراد داریم.

آقای سلیمی - وظیفه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، تنها قانون‌گذاری نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، خیلی کارهای دیگر دارد. اصلاً کارش قانون‌گذاری نیست.

آقای جنتی - مجمع تشخیص مصلحت نظام، حق قانون‌گذاری [ندارد].

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً مجمع قانون‌گذاری نمی‌کند؛ حل اشکال می‌کند.

آقای مؤمن - نه قانون‌گذاری [هم می‌کند].

آقای هاشمی شاهرودی - بله، [قانون‌گذاری مجمع تشخیص مصلحت نظام] در حدود همان تشخیص مصلحت در حل اختلافات بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است.

آقای علیزاده - الآن با توجه به این مطالب، اگر آقایان به این بند ماده ایراد دارند، بفرمایند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکال وارد است. ما قبلاً هم گفتیم این جور جاها نمی‌شود [مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را تغییر داد].

آقای مدرسی‌یزدی - یعنی اطلاق اشکال پیدا می‌کند، نه اینکه کل آن.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، مجلس می‌خواهد در این شورای عالی کار نماینده‌ی ناظر بگذارد.

آقای علیزاده - می‌خواهد در شورای عالی کار نماینده‌ی ناظر بگذارد.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، خودشان هم در بند (۲) جزء (ب) گفتند «ماده‌ی (۱۶۷) قانون کار مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام». بله، اشکال دارد.

آقای علیزاده - پس اگر لازم می‌دانید، بندهای حقوقی لایحه‌ی کار را بررسی کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، می‌خواستیم ببینیم آیا شورای عالی کار را هم مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل داده است؟ دیدیم بله، مجمع تشکیل داده است.

آقای ابراهیمیان - به آقایان مجلس تذکر بدهیم و اظهار نظر سابقمان را هم بفرستیم.

آقای علیزاده - همین را تذکر می‌دهیم. اصلاً عمده‌ی این قانون کار، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. مصوباتی نظیر این ماده یا بالأخره غلیظ‌ترش را قبلاً ما داشتیم و ایراد گرفتیم.

آقای مدرسی‌یزدی - منتها ما یک نظریه‌ی تفسیری داشتیم که اگر از مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام مدت زمان طولانی بگذرد، مثلاً ۲۲ سال یا ۲۳ سال بگذرد، مجلس می‌تواند مصوبه را تغییر دهد.^(۱)

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۰۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس

آقای عزیزاده - ما آن نظریه‌ی تفسیری را قبول داریم، اما وقتی دوباره در مجلس تصویب شود، اشکال ما هم دوباره برمی‌گردد. آنها می‌توانند اثبات [کنند زمان معتدبه گذشته و مصلحت‌ها عوض شده است].

آقای مدرسی‌یزدی - پس همان موقع، باید اشکال را مطرح کنیم نه الآن.

آقای عزیزاده - نه، گفتیم باید زمان معتدبه گذشته باشد [که تغییر مصلحت موجه باشد] ...

آقای مدرسی‌یزدی - خوب، حالا ایرادی که بنا است بگیریم، کدام است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - هنوز [قانون کار، «قانون» است و تا وقتی تغییرش نداده‌اند، هنوز قانون است. قانونی است که مجلس دارد آن را تغییر می‌دهد.

آقای عزیزاده - الآن مجلس نمی‌گوید ما قانون کار را تغییر می‌دهیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای عزیزاده - مجلس می‌گوید بر آن جمع شورای عالی کار، یک نماینده‌ی ناظر اضافه می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - این درست است.

آقای عزیزاده - اگر بخواهند قانون کار را تغییر بدهند، [آن وقت بحث از گذشت زمان معتدبه و تغییر مصلحت، قابل بررسی است].

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، [الآن فقط] می‌خواهند به شورای عالی کار، یک ناظر بی‌اثر اضافه کنند. بله، درست است؛ اشکال وارد نیست.^(۱)

منشی جلسه - «۳- شورای اقتصاد، موضوع ماده (۲) قانون برنامه و بودجه کشور، مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰»^(۲)

→

پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلا از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۵ شورای نگهبان: «۲- جزء (۲) بند (ب) ماده یک در مقام اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و با توجه به نظر تفسیری این شورا، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۲) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰: «ماده ۲- به منظور هدایت و

←

آقای مؤمن - قانون برنامه و بودجه کشور مصوب قبل از انقلاب است.

آقای اسماعیلی - قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ همچنان معتبر است.

منشی جلسه - «۴- شورای عالی بورس اوراق بهادار، موضوع ماده (۳) قانون اوراق بهادار، مصوب ۱۳۸۴/۹/۱؛^(۱)

۵- شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵»^(۲)

→

همان‌گونه که امور اقتصادی کشور، شورایی مرکب از عده‌ای از وزیران به شرح زیر و رئیس کل بانک مرکزی ایران به ریاست نخست‌وزیر به نام شورای اقتصاد تشکیل می‌شود:

وزیر دارایی؛ وزیر اقتصاد؛ وزیر کار و امور اجتماعی؛ وزیر کشاورزی و منابع طبیعی؛ وزیر تعاون و امور روستاها؛ وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ یکی از وزیران مشاور به انتخاب نخست‌وزیر. در جلسات شورا بر حسب ضرورت سایر وزیران نیز شرکت خواهند کرد.»

۱. ماده (۳) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱: «ماده ۳- شورا بالاترین رکن بازار اوراق بهادار است که تصویب سیاست‌های کلان آن بازار را بر عهده دارد. اعضای شورا به شرح ذیل می‌باشد:

۱- وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ ۲- وزیر بازرگانی؛ ۳- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۴- رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون؛ ۵- رئیس سازمان که به عنوان دبیر شورا و سخنگوی سازمان نیز انجام وظیفه خواهد کرد؛ ۶- دادستان کل کشور یا معاون وی؛ ۷- یک نفر نماینده از طرف کانون‌ها؛ ۸- سه نفر خبره مالی منحصرأ از بخش خصوصی با مشورت تشکل‌های حرفه‌ای بازار اوراق بهادار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیئت وزیران؛ ۹- یک نفر خبره منحصرأ از بخش خصوصی به پیشنهاد وزیر ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران برای هر بورس کالایی.

تبصره ۱- ریاست شورا با وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲- مدت مأموریت اعضای موضوع بندهای (۷)، (۸) و (۹) پنج سال است و آنان را نمی‌توان از میان اعضای هیئت مدیره و کارکنان سازمان انتخاب کرد.

تبصره ۳- انتخاب مجدد اعضای موضوع بندهای (۷)، (۸) و (۹) این ماده، حداکثر برای دو دوره امکان‌پذیر خواهد بود.

تبصره ۴- اعضای موضوع بند (۹)، فقط در جلسات مربوط به تصمیم‌گیری همان بورس شرکت می‌کنند.»

۲. ماده (۳۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۳۲-

الف- فعالیت شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، که برابر بند (الف) ماده (۸۴) قانون برنامه چهارم توسعه با ادغام شورای غذا و تغذیه و شورای عالی سلامت تشکیل شده است، در مدت اجرای برنامه پنجم ادامه می‌یابد. تشکیلات و شرح وظایف شورای عالی سلامت و امنیت غذایی توسط وزارت

←

آقای ابراهیمیان - بند (۵)، اصلاح ماده‌ی (۳۲) قانون برنامه‌ی پنجم است و طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، برای اصلاح قانون برنامه در ضمن لایحه‌ی بودجه و سایر طرح‌ها و لوایح، موافقت اکثریت دو سوم نمایندگان حاضر لازم است.^(۱) ما باید ببینیم آیا آن نصاب در اصلاح ماده‌ی (۳۲) قانون برنامه‌ی پنجم رعایت شده یا خیر.

آقای علیزاده - این مطلب به فکر من هم رسید، ولی ما این را نمی‌توانیم ایراد بگیریم. ما می‌توانیم به عدم رعایت نصاب در مواردی که در قانون اساسی ذکر شده است، ایراد بگیریم؛ مثلاً در اصل (۶۵) قانون اساسی،^(۲) تصویب آیین‌نامه‌ی داخلی به موافقت دو سوم نمایندگان حاضر نیازمند است و اگر این نصاب در تصویب قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس رعایت نشود، ما می‌توانیم ایراد بگیریم. اما رعایت نصاب موافقت اکثریت دو سوم نمایندگان حاضر برای اصلاح قانون برنامه در ضمن لایحه‌ی بودجه و سایر طرح‌ها و لوایح، در قانون آیین‌نامه‌ی داخلی خودشان پیش‌بینی شده است [و الزام قانون اساسی ندارد].

آقای ابراهیمیان - اگر قانون آیین‌نامه‌ی داخلی نصاب‌هایی برای تصویب بعضی از مصوبات بگذارد که مثلاً اصلاح قانون برنامه باید با موافقت دو سوم نمایندگان حاضر

→

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه می‌شود و پس از تأیید معاونت به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب- ...»

۱. بند (د) ماده‌ی (۱۲۰) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی الحاقی ۱۳۸۷/۰۹/۲۶: «ماده ۱۲۰- نصاب رأی‌گیری در مجلس، کمیسیون، کمیته و شعبه در موارد مختلف به شرح زیر می‌باشد:

...

د- اکثریت دو سوم نمایندگان حاضر: ۱- تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس و تفسیر آن؛ ۲- تصویب تشکیل جلسه رسمی غیرعلنی مجلس با رعایت ماده (۱۰۳) این آیین‌نامه؛ ۳- تصویب تقاضای دوفوریت طرح‌ها و لوایح؛ ۴- تصویب موضوع اصل هفتاد و نهم قانون اساسی؛ ۵- اصلاح قانون برنامه توسعه در ضمن لایحه بودجه و سایر طرح‌ها و لوایح.»

۲. اصل شصت و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی، موافقت دو سوم حاضران لازم است.»

باشد، ما باید کنترل کنیم که مغایر قانون اساسی عمل نکنند.

آقای عزیزاده - نه، ما اینجا در مقامی نیستیم که ببینیم آیا هیئت رئیسه‌ی مجلس، قانون آیین‌نامه‌ی داخلی را رعایت کرده‌اند یا نه.

آقای ابراهیمیان - من لزوم رعایت قانون آیین‌نامه‌ی داخلی فقط در مورد نصاب را می‌گویم.

آقای عزیزاده - نه، قانون اساسی نصاب موافقت دو سوم نمایندگان حاضر برای تصویب قانون آیین‌نامه‌ی داخلی را تعیین کرده است [و دیگر نصاب‌ها را ذکر نکرده است].

آقای ابراهیمیان - پس اینکه اصل (۶۵) قانون اساسی لزوم رعایت نصاب دو سوم برای رسمیت جلسات مجلس را گفته و بعد در ادامه گفته «و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه‌ی مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد»، کجا به درد می‌خورد؟ عرضم این است. اگر اصل (۶۵) قانون اساسی رعایت نصاب دو سوم را برای تصویب قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس لازم دانسته است، برای اینکه طبق قانون اساسی مصوبه‌ی مجلس در خصوص قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس اعتبار داشته باشد، رعایت نصاب دو سوم ضروری است. حالا سؤال من ناظر به بحث حضرت‌عالی [آقای عزیزاده] است که فرمودید ما فقط از حیث رعایت نصاب، لزوم رعایت نصاب در قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس را بررسی می‌کنیم که در قانون اساسی یا در آیین‌نامه‌ی داخلی مقرر شده است.

آقای عزیزاده - نصاب دو جور است: یکی مواردی که خود قانون اساسی نصاب تعیین کرده است؛ مانند لزوم موافقت دو سوم نمایندگان حاضر در تصویب قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس. در این موارد، مصوبه‌ی مجلس نمی‌تواند بدون رعایت آن نصاب، تصویب شود؛ یکی دیگر هم مواردی است که قانون اساسی نصاب تعیین نکرده است، اما نمایندگان مجلس در قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، نصابی را برای تصویب آن پیش‌بینی کرده‌اند؛ مانند موافقت دو سوم نمایندگان حاضر با اصلاح قانون برنامه‌ی توسعه در ضمن لایحه‌ی بودجه و سایر طرح‌ها و لوایح. اما آیا اگر نمایندگان در تصویب مصوبه‌ای خلاف آیین‌نامه‌ی داخلی‌شان عمل بکنند، ما باید ایراد بگیریم؟

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - خودشان می‌دانند.

آقای عزیزاده - ما بگوییم [جزء (۵) بند (ب) ماده‌ی (۱) به دلیل مشخص نبودن موافقت دو سوم نمایندگان حاضر] خلاف اصل (۶۵) است؟ ما قبول نداریم که این

جزء، خلاف [قانون اساسی] باشد.

آقای ابراهیمیان - شما اصل (۶۵) قانون اساسی را ملاحظه کنید. پس چه فایده‌ای بر این [فراز] اصل متصور است: [و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه‌ی مصوب داخلی انجام می‌گیرد]؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر بخواهند خود آیین‌نامه را تغییر بدهند، نصاب لازم است.

آقای علیزاده - اصل (۶۵) قانون اساسی این است: «پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی، موافقت دو سوم حاضران لازم است.» اگر در تصویب [یا اصلاح] آیین‌نامه‌ی داخلی نصاب «موافقت دو سوم حاضران» را رعایت نکردند، ما می‌گوییم چرا رعایت نکردند [و مغایر اصل (۶۵) قانون اساسی می‌دانیم]،^(۱) اما اینکه آیا در حین رأی‌گیری، نصاب‌های آیین‌نامه‌ی داخلی را رعایت کرده‌اند یا نه، به ما چه ربطی دارد؟ مگر ما مدیر جلسه هستیم؟

آقای ابراهیمیان - یعنی عدم رعایت آیین‌نامه‌ی داخلی، هیچ ضمانت اجرایی ندارد؟!

آقای علیزاده - اگر ما این تغییر را پیدا کنیم، می‌گوییم شما میزان رأی‌هایی را که در قانون اساسی برای تغییر متن لازم شمرده شده، برای ما بفرستید. اشکال ندارد [که مطالبه کنیم].

آقای هاشمی‌شاهرودی - خلاف آیین‌نامه‌شان عمل کرده‌اند. خوب، می‌توانستند از اول آیین‌نامه را طور دیگری تصویب کنند.

۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۳۸۱۹۹ مورخ ۸۹/۰۲/۱۵ شورای نگهبان در خصوص اصلاحیه طرح تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۰۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی: «تبصره (۲) ماده (۴) علی‌رغم اصلاح به‌عمل آمده، چون تغییر در آیین‌نامه داخلی مجلس است، باید در تصویب آن، اصل (۶۵) قانون اساسی رعایت شود.»

جهت مشاهده‌ی نظرات شورای نگهبان در خصوص مغایرت مصوبات مجلس با اصل (۶۵) قانون اساسی، بنگرید به: موسی‌زاده، ابراهیم و همکاران، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان ۱۳۸۹-۱۳۵۹)، تهران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری، بی‌تا، ذیل اصل ۶۵، صص ۲۹۳-۲۹۴.

آقای عزیزاده - در قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، ماده‌ای است که اگر مجلس می‌خواهد بعداً در مصوبات [مورد ایراد شورای نگهبان] تغییر بدهد، باید در حدود ایراد شورای نگهبان باشد.^(۱) اما در موارد متعددی خارج از ایرادات شورای نگهبان به مصوبات اضافه یا از آن کم می‌کنند، ولی ما [به این عملکرد مجلس] ایراد نمی‌گیریم و نمی‌گوییم چرا مفاد آیین‌نامه‌ی داخلی را رعایت نکردید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکال ندارد.

آقای ابراهیمیان - اگر مثلاً مصوبه‌ای را با رأی اقلیت یا با رأی مساوی موافقان و مخالفان به شورای نگهبان برای اظهار نظر ارسال کنند، ایراد ندارد؟!

منشی جلسه - «۶- شورای عالی استاندارد، موضوع ماده (۱۹) قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵؛^(۲)

۱. ماده (۱۸۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی الحاقی ۱۳۸۷/۰۹/۲۶: «ماده ۱۸۶- مصوبات عادی و یک‌فوری مجلس که از طرف شورای نگهبان رد شده، به کمیسیون مربوطه ارسال می‌شود و با اعلام وقت قبلی با حضور نماینده شورای نگهبان، موارد اعتراض برای اصلاح مورد بحث قرار می‌گیرد. در صورت عدم حضور نماینده شورای نگهبان در موعد اعلام شده، کمیسیون با ملحوظ نمودن نظر شورای نگهبان کار خود را انجام می‌دهد. نمایندگانی که پیشنهاد اصلاحی داده‌اند، در این مرحله می‌توانند در کمیسیون شرکت نمایند. نظر کمیسیون همراه پیشنهادهای پذیرفته‌نشده نمایندگان در مجلس مطرح می‌شود و طبق معمول شور دوم مورد بحث و رأی قرار می‌گیرد. چنانچه در مورد ماده‌ای، کمیسیون نیز همراه پیشنهادهای دیگر پیشنهاد داده باشد، اول پیشنهاد کمیسیون به رأی گذاشته می‌شود و در صورت عدم تصویب، پیشنهادهای دیگر مطرح می‌شود. در صورت عدم تصویب پیشنهاد کمیسیون و یا پیشنهادهای قبلی نمایندگان در مجلس، پیشنهادهای جدید پذیرفته می‌شود و درباره آنها بحث و رأی‌گیری به عمل می‌آید.

تبصره ۱- پس از ایراد شورای نگهبان، دولت حق پیشنهاد اصلاح لایحه را ندارد مگر در موارد ایراد شورای نگهبان ...»

۲. ماده (۱۹) قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ (اصلاحی ۱۳۷۶/۰۳/۱۳): «ماده ۱۹- ترکیب شورای عالی استاندارد عبارت است از:

۱- رئیس جمهور که ریاست شورای عالی را بر عهده دارد؛ ۲- وزیرای بازرگانی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، پست و تلگراف و تلفن، جهاد سازندگی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، صنایع، فرهنگ و آموزش عالی، کار و امور اجتماعی، کشاورزی، مسکن و شهرسازی، معادن و فلزات، نفت، نیرو، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و دادستان کل کشور؛ ۳- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران؛ ۴- رئیس مؤسسه به عنوان دبیر شورای عالی استاندارد؛ ۵- دو نفر کارشناس در امور استاندارد که به پیشنهاد رئیس مؤسسه و به حکم رئیس جمهور

۷- شورای هماهنگی سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران، موضوع بند (۱) تصویب‌نامه مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۱ هیئت وزیران،^(۱)

→

برای مدت سه سال به این سمت انتخاب می‌شوند.

تبصره ۱- جلسات شورای عالی استاندارد حداقل سالی یکبار به دعوت رئیس شورای عالی تشکیل و با حضور حداقل دو سوم از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی اکثریت مطلق اعضای شورای عالی معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- شورای استاندارد استان به ریاست استاندار و دبیری مدیر کل استاندارد منطقه و عضویت مدیران کل وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که وزرا و رؤسای آن عضو شورای عالی استاندارد می‌باشند و دو نفر کارشناس به پیشنهاد مدیر کل استاندارد و حکم استاندار تشکیل خواهد شد. وظایف و اختیارات این شورا به تصویب شورای عالی استاندارد می‌رسد.

تبصره ۳- رئیس مؤسسه استاندارد عضویت شورای عالی حفاظت محیط زیست، شورای پژوهش‌های علمی کشور، شورای عالی کار، شورای مرکز توسعه صادرات ایران، شورای ساماندهی مبادی ورودی و خروجی مجاز زمینی کشور و شورای عالی نظارت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران را عهده‌دار خواهد بود.»

۱. بند (۱) تصویب‌نامه‌ی مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۱ هیئت وزیران (اصلاحی ۱۳۷۳/۱۱/۱۹): «۱- به منظور ایجاد هماهنگی در بین سازمان‌های مناطق آزاد تجاری، صنعتی جمهوری اسلامی ایران، شورایی به ریاست رئیس جمهور و مرکب از افراد زیر تشکیل می‌شود:

وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کشور، کار و امور اجتماعی، صنایع، صنایع سنگین، معادن و فلزات، راه و ترابری، نفت، نیرو و رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون اقتصادی رئیس جمهور، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی و وزیر مسکن و شهرسازی.»

گفتنی است هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۰۳ نیز بنا به پیشنهاد رئیس جمهور و به استناد اصول یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب‌نامه در خصوص تشکیل «شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی» را تصویب نمود:

«۱- به منظور ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی، شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی متشکل از رئیس جمهور (رئیس شورا)، وزیران امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، امور خارجه، کشور، نفت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و شهرسازی، دادگستری، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دبیر شورا تشکیل می‌شود.

تبصره- دبیر شورای مذکور توسط رئیس جمهور تعیین می‌شود.

آقای عزیزاده - این بند (۷) هم، همان ایراد بند (۹) جزء (۱) را دارد [و به منزله‌ی اصلاح تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران و مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی است].

آقای سلیمی - اگر هیئت وزیران برای اجرای قانون [چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری، صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۰۷/۰۸]، شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه‌ی اقتصادی را با مصوبه‌ی هیئت وزیران تصویب کرده باشد، [آیا مصوبه‌ی مجلس برای عضویت نماینده‌ی ناظر در این شورا ایراد دارد؟]

آقای عزیزاده - ما به این دو بند به خاطر اینکه اصلاح تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران بود، ایراد داریم.^(۱)

منشی جلسه - «ماده ۲- از تاریخ تصویب این قانون، عضویت نمایندگان مجلس در شوراها، مجامع و هیئت‌های زیر به عنوان ناظر لغو می‌شود:

۱- شورای عالی انطباق اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس، موضوع بندهای (۷) و (۸) ماده (۳) قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام، مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰؛^(۲)

۱. بند (۱) نظر شماره‌ی ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۵ شورای نگهبان: «۱- تعیین عضو ناظر در ستاد و شورای مذکور در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده یک، به منزله اصلاح تصویب‌نامه هیئت‌وزیران و مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۳) قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس مصوب ۱۳۷۷/۰۸/۱۰: «ماده ۳- به منظور نیل به اهداف مندرج در مواد این قانون، شورایی به نام شورای عالی انطباق در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌گردد. اعضای این شورا به مدت دو سال به عضویت شورا منصوب می‌شوند عبارتند از:

۱- معاون امور فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان قائم مقام و دبیر شورا؛ ۲- معاون امور درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۳- معاون امور پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۴- معاون امور آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۵- معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۶- رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها؛ ۷- یک نفر از اعضای کمیسیون بهداری و بهزیستی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون مزبور و انتخاب مجلس؛ ۸- یک نفر از اعضای کمیسیون امور زنان و جوانان و خانواده مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون و انتخاب مجلس؛ ۹- رئیس سازمان نظام پزشکی یا نماینده تام‌الاختیار وی؛ ۱۰- مشاور وزیر بهداشت در امور زنان؛ ۱۱- دو نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۱۲- دو نفر از رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر

۲- شورای عالی آموزش مداوم جامعه پزشکی، موضوع بند (۷) ماده (۳) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور، مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲^(۱)

آقای رهپیک - مرکز تحقیقات شورای نگهبان در خصوص بند (۲) ماده‌ی (۲) یک

→

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

تبصره ۱- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند نسبت به تشکیل کمیته‌های انطباق در استان‌ها اقدام نماید. کمیته‌های موضوع این ماده موظف خواهند بود نتایج اقدامات خود را به شورای عالی انطباق در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گزارش نمایند.

تبصره ۲- کمیته‌های انطباق استانی زیر نظر رئیس دانشگاه علوم پزشکی تشکیل می‌شود و موظف به اجرای مصوبات شورای عالی انطباق می‌باشند.»

همچنین هیئت وزیران در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۰/۰۶/۱۴ بنا به پیشنهاد شماره‌ی ۱۳۲۳۲ مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۷ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد ماده‌ی (۷) قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس مصوب ۱۳۷۷/۰۸/۱۰، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون را مشتمل بر هجده ماده به تصویب رساند.

۱. ماده (۳) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲: «ماده ۳- به منظور ایجاد هماهنگی لازم در امر برنامه‌ریزی آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آن، شورایی به نام شورای عالی آموزش مداوم جامعه پزشکی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که ریاست شورای عالی را بر عهده دارد؛ ۲- رئیس کل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران؛ ۳- معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که سمت دبیری شورا را بر عهده دارد؛ ۴- معاون پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۵- رئیس اداره بهداشت و درمان ستاد کل نیروهای مسلح؛ ۶- سه نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۷- دو نفر از کادر پزشکی با معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی و انتخاب مجلس شورای اسلامی؛ ۸- مدیر کل آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور؛ ۹- معاون درمان و داروی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

تبصره ۱- در آن تعداد از استان‌های کشور که بیش از یک دانشگاه علوم پزشکی وجود دارد، شورای عالی می‌تواند مسئولیت اجرای آموزش مداوم جامعه پزشکی آن استان را بین دانشگاه‌های یادشده تقسیم نماید.

تبصره ۲- شورای عالی آموزش مداوم جامعه پزشکی موضوع این ماده موظف است دستورالعمل‌های اجرایی لازم را در چهارچوب این قانون تهیه و به شوراهای هماهنگی و برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی مربوط ابلاغ نماید. دستورالعمل‌های یاد شده، برای شوراهای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های سراسر کشور و مشمولین این قانون لازم‌الاجراست.»

تذکری دارد. مرکز تحقیقات می‌گوید: «دو نفری که از طرف مجلس شورای اسلامی، در شورای عالی آموزش مداوم جامعه‌ی پزشکی حضور دارند، به عنوان ناظر مجلس در این شورا عضویت ندارند؛ بلکه طبق «بند (۷) ماده‌ی (۳) قانون آموزش مداوم جامعه‌ی پزشکی کشور»، «دو نفر از کادر پزشکی با معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی و انتخاب مجلس شورای اسلامی» با حق رأی عضو این شورا می‌باشند و نه به عنوان عضو ناظر؛ بنابراین، با توجه به این ماده، اولاً ممکن است که اشخاص مورد انتخاب مجلس برای عضویت در این شورا، نماینده مجلس نباشند که این با عنوان این طرح و ماده مطابقت ندارد و ثانیاً در این ماده تنها بنا بوده است که عضویت اعضای ناظر لغو گردد و حال آنکه این اعضا، ناظر نیستند.»^(۱)

آقای سوادکوهی - در بند (۲) ماده (۲)، اصلاً ممکن است اشخاص مورد انتخاب مجلس برای عضویت در این شورا، نماینده‌ی مجلس نباشند که بخواهند لغو عضویت شوند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [اگر این تذکر را بپذیرید، باید] به مجلس تذکر بدهید که این بند، فاقد موضوع بوده است. الآن طبق بند (۷) ماده‌ی (۳) قانون، عضویت دو نفر از کادر پزشکی که با معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عضویت این شورا درمی‌آمده‌اند را لغو کرده‌اند. اشکال ندارد.

منشی جلسه - نه، می‌گویند این افراد لغو عضویت شده، لزوماً ممکن است نماینده‌ی مجلس نباشند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، همین افراد را لغو عضویت کرده‌اند.

آقای علیزاده - صدر ماده (۲) نگفته عضویت نماینده‌ی مجلس در این شوراها لغو می‌شود، بلکه گفته عضویت نمایندگان به عنوان ناظر لغو می‌شود.

منشی جلسه - افرادی که در بند (۲) ماده (۲) لغو عضویت شده‌اند، نمایندگان مجلس هستند [و نه نماینده‌ی مجلس].

آقای سلیمی - نمایندگان مجلس نیستند، بلکه نمایندگان هستند که از ناحیه‌ی مجلس در شوراها نمایندگی دارند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکال لفظی است. بند (۳) همان‌هایی که خودشان گفته‌اند،

۱. اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

لغو شده است.

منشی جلسه - «۳- هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات پرستاری، موضوع بند (۲) ماده (۱۸) قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۰/۹/۱۱؛^(۱)

۴- کمیسیون تعیین سهمیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مشمولان وظیفه، موضوع تبصره (۱) ماده (۱) قانون نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت، مصوب ۱۳۷۵/۸/۶؛^(۲)

۵- کمیسیون نظارت بر حُسن اجرای احداث نود و شش بیمارستان، موضوع تبصره (۵) قانون نحوه ایجاد تسهیلات لازم برای تسریع در احداث و تکمیل بیمارستان‌های

۱. ماده (۱۸) قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۰۹/۱۱: «ماده ۱۸- ترکیب هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات که برای مدت چهار سال انتخاب می‌گردند، به شرح زیر خواهد بود:

۱- دو نفر به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۲- دو نفر نماینده به عنوان ناظر با معرفی کمیسیون بهداشت و درمان و انتخاب مجلس شورای اسلامی؛ ۳- یک نفر نماینده وزارت کشور؛ ۴- یک نفر نماینده دادستان کل کشور به عنوان ناظر؛ ۵- دو نفر نماینده سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران.»

۲. ماده (۱) قانون نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت مصوب ۱۳۷۵/۰۸/۰۶: «ماده ۱- به منظور تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در امور بهداشتی و درمانی و آموزشی مناطق روستایی محروم و عشایری کشور در زمان صلح با رعایت کامل عدل اسلامی گروهی از مشمولان وظیفه عمومی در گروه پزشکی و پیراپزشکی و بهیاران وظیفه، به نحوی که به آمادگی رزمی آنان آسیب نرساند، در هر تقسیم به وسیله کمیسیون مذکور در تبصره (۱) این ماده پس از طی آموزش مقدماتی نظامی که بیش از یک و نیم ماه به طول نخواهد انجامید، به عنوان پیام‌آوران بهداشت تعیین و فهرست آن توسط ستاد کل نیروهای مسلح به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام خواهد شد.

تبصره ۱- کمیسینی مرکب از: یک نفر از ستاد کل نیروهای مسلح و یک نفر از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و یک نفر از کمیسیون بهداری و بهزیستی با معرفی کمیسیون و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر هر شش ماه یک بار سهمیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را از مشمولان وظیفه هر دوره مشخص خواهند نمود.

تبصره ۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجاز است در سقف سهمیه خود نیروهای داوطلب خدمت در مناطق محروم و نیازمند و نیروهای متخصص مورد نیاز را شناسایی و لیست آنان را به حوزه وظیفه عمومی و ستاد کل نیروهای مسلح تحویل دهد. ستاد کل لیست معرفی شده را در قالب سهمیه وزارت مذکور قرار داده و بقیه سهمیه را طبق ضوابط خود معرفی خواهد نمود.»

نود و شش شهر کشور، مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۵؛^(۱)

۶- کمیته مد و لباس، موضوع ماده (۱) قانون ساماندهی مد و لباس، مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۲؛^(۲)

۷- شورای آموزش و پرورش استثنایی، موضوع بند (۱۱) ماده (۵) قانون اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی، مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۹؛^(۳)

۱. تبصره (۵) قانون نحوه ایجاد تسهیلات لازم برای تسریع در احداث و تکمیل بیمارستان‌های نود و شش شهر کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۶/۲۵: «ماده واحده- به منظور تسریع در احداث و تکمیل بیمارستان‌های ۹۶ شهر کشور که به ازای هر هزار نفر جمعیت کمتر از یک تخت بیمارستانی دارند، از تاریخ تصویب این قانون تسهیلات زیر جهت طرح‌های احداث و تکمیل هشت هزار تخت بیمارستانی مصوب ردیف‌های ۳۰۳۰۳۳۳۴ و ۳۰۳۰۳۳۳۹ و ۳۰۳۰۳۳۴۰ و ۳۰۳۰۳۳۴۱ و ۳۰۳۰۳۳۴۲ قسمت دوم پیوست شماره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور ایجاد و به مرحله اجرا درمی‌آید:

...

تبصره ۵- کمیسیون مرکب از ذی‌حساب مربوطه، مدیریت بهداشت و درمان سازمان برنامه و بودجه، نمایندگان کمیسیون‌های بهداشتی و بهزیستی، مسکن و شهرسازی و راه و ترابری، دیوان محاسبات و امور مالی مجلس شورای اسلامی بر حُسن اجرای مفاد بند (۴) ماده فوق‌الذکر نظارت خواهند داشت.»

۲. ماده (۱) قانون ساماندهی مد و لباس مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۲: «ماده ۱- به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی، ارج نهادن، تبیین، تثبیت و ترویج الگوهای بومی و ملی، هدایت بازار تولید و عرضه البسه و پوشاک بر اساس طرح‌ها و الگوهای داخلی و نیز در جهت ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیرمأنوس با فرهنگ و هویت ایرانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است جهت پی‌ریزی ساختار مدیریتی موضوع این قانون، کارگروهی (کمیته‌ای) متشکل از یک نفر نماینده تام‌الاختیار از هرکدام از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، بازرگانی و صنایع و معادن و سازمان‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سه نفر از نمایندگان صنوف ذی‌ربط (طراحان و تولیدکنندگان) و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر تشکیل دهد.

تبصره- مصوبات این کارگروه (کمیته) پس از امضا و ابلاغ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قابل اجرا خواهد بود.»

۳. ماده (۵) قانون اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۲۹: «ماده ۵- اعضای شورای سازمان عبارتند از:

۱- وزیر آموزش و پرورش که ریاست شورا را بر عهده دارد؛ ۲- وزیر یا یکی از معاونان وزارت کار و امور اجتماعی؛ ۳- رئیس سازمان بهزیستی کشور؛ ۴- رئیس یا یکی از معاونان بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی؛ ۵- معاونان وزارت آموزش و پرورش در امور آموزشی، پژوهشی، فنی و حرفه‌ای و پرورشی و تأمین تربیت نیروی انسانی؛ ۶- رئیس سازمان که سمت دبیری شورا را عهده‌دار

آقای رهپیک - مرکز تحقیقات به بند (۷) ماده (۲) در مورد شورای آموزش و پرورش استثنایی ایراد گرفته و تذکر داده است. می‌گوید: «عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شورای آموزش و پرورش استثنایی، طبق «بند (۱۱) ماده (۵) قانون اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی»، با حق رأی است نه به عنوان عضو ناظر؛ بنابراین، همان‌طوری که در بند (۲) این ماده گفته شد، لغو عضویت این افراد با عبارت صدر این ماده انطباق ندارد و نباید این شورا را مشمول حکم مقرر در این ماده دانست.»^(۱) یعنی طبق اساسنامه‌ی سازمان آموزش و پرورش استثنایی، در این شورا، نماینده‌ی مجلس عضو ناظر نیست، بلکه حق رأی دارد؛ در حالی که در صدر ماده (۲) نوشته که عضویت نمایندگان مجلس در این شوراها به عنوان ناظر لغو می‌شود.

آقای سلیمی - [پس با توجه به عنوان طرح، نماینده‌ی دارای حق رأی] در جای خودش باقی می‌ماند [و عضویتش لغو نمی‌شود].

آقای سوادکوهی - اصلاً اینجا نباید چنین چیزی بیان شود. نباید نماینده‌ی دارای حق رأی را در بین نمایندگان ناظر بیان کنند.

آقای علیزاده - حالا حذف کرده‌اند.

آقای سوادکوهی - اصلاً این بند نباید باشد.

آقای علیزاده - باید عنوان مصوبه را اصلاح کنند. عنوان که مشکلی نیست، [اصلاح کنند].

→

است؛ ۷- دو نفر از متخصصان امور کودکان استثنایی؛ ۸- یک نفر از معلمان صاحب‌نظر و باتجربه در امور کودکان استثنایی؛ ۹- دو نفر از معتمدین علاقه‌مند به امور کودکان استثنایی. اولویت با والدینی است که فرزندان استثنایی دارند؛ ۱۰- یک نفر از معلولین صاحب‌نظر در امور کودکان استثنایی با معرفی سازمان بهزیستی کشور با اولویت خواهران؛ ۱۱- یک نفر از اعضای کمیسیون آموزش و پرورش به انتخاب کمیسیون آموزش و پرورش.

تبصره ۱- اعضای مذکور در بندهای (۷) و (۸) و (۹) برای مدت چهار سال توسط وزیر آموزش و پرورش انتخاب و با حکم وی منصوب می‌شوند. یک نفر از متخصصان موضوع بند (۷) به پیشنهاد وزیر فرهنگ و آموزش عالی و اعضای مذکور در بند (۹) به پیشنهاد رئیس سازمان بهزیستی خواهد بود.

تبصره ۲- نحوه تشکیل و اداره جلسات شورا بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورا می‌رسد.»

۱. اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

آقای رهپیک - این اشکال وارد نیست. نماینده چه ناظر باشد و چه حق رأی داشته باشد، [در حکم این ماده فرقی ندارد].

آقای هاشمی‌شاهرودی - مجلس، می‌تواند [عضویت نمایندگان را چه با حق رأی و چه بدون آن] الغاء کند.

آقای علیزاده - نهایتاً یک تذکر می‌دهیم؛ می‌گوییم عنوان طرح، به این صورت صحیح نیست. باید بگویند در مواردی که نمایندگان به عنوان ناظر نیستند [و حق رأی دارند را هم شامل می‌شود].

آقای هاشمی‌شاهرودی - عبارت «یا عضو» را به ذیل ماده (۲) - «به عنوان ناظر» - اضافه کنند: «عضویت نمایندگان مجلس به عنوان ناظر یا عضو لغو می‌شود.»

آقای علیزاده - [افرادی که در این شوراها شرکت می‌کنند،] یا نماینده‌ی مجلس هستند یا به هر عنوانی از طرف مجلس در این شوراها شرکت دارند. ما بگوییم عنوانی که در ماده (۲) آورده‌اند، باید اصلاح شود. با توجه به این ایرادی که گرفتیم این را می‌گوییم.^(۱)

منشی جلسه - «۸- هیئت مرکزی گزینش آموزش و پرورش، موضوع تبصره (۱) بند الف) ماده (۷) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴؛^(۲)

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۵ شورای نگهبان: «تذکر: با توجه به تعیین تکلیف نسبت به مواردی نظیر بندهای (۱)، (۷) و (۱۲) ماده (۲)، عبارت «عنوان» صدر این ماده، نیازمند اصلاح عبارتی است.»

۲. ماده (۷) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴: «ماده ۷- تشکیلات گزینش وزارت آموزش و پرورش به این شرح خواهد بود:
الف- هیئت مرکزی گزینش توسط هیئت عالی گزینش تشکیل می‌گردد و به عنوان مرجع گزینش در وزارت آموزش و پرورش خواهد بود. اعضای هیئت مذکور که با حکم دبیر هیئت عالی گزینش منصوب می‌شوند، عبارتند از:

۱- نماینده وزیر؛ ۲- نماینده سازمان امور اداری و استخدامی کشور؛ ۳- نماینده هیئت عالی گزینش. تبصره ۱- یک نفر از اعضای کمیسیون آموزش و پرورش به انتخاب کمیسیون به عنوان ناظر حاضر خواهد داشت.

تبصره ۲- هیئت مرکزی گزینش دارای یک دبیر خواهد بود که با پیشنهاد اعضای هیئت مرکزی و حکم دبیر هیئت عالی گزینش به مدت چهار سال منصوب می‌گردد و انتخاب مجدد او بلا مانع است. تغییر دبیر با تصویب هیئت عالی خواهد بود.

۹- ستاد چگونگی هزینه‌کرد اعتبار تخصیصی به منظور مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان، موضوع ماده واحده قانون مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان، مصوب ۱۳/۵/۱۳۸۱؛^(۱)

۱۰- هیئت نظارت بر حُسن اجرای قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش، مصوب ۱۵/۷/۱۳۸۸، موضوع ماده (۱۳) قانون مذکور»

آقای ابراهیمیان - [مرکز تحقیقات] می‌گوید: اگر عضویت نماینده‌ها را از این هیئت حذف کنند، دیگر هیئتی باقی نمی‌ماند.^(۲) ماده (۱۳) [قانون تعیین تکلیف معلمان

→

تبصره ۳- دبیرخانه هیئت مرکزی زیر نظر آن هیئت تشکیل می‌گردد. مسئول آن به پیشنهاد هیئت مرکزی و تأیید هیئت عالی و با حکم دبیر هیئت منصوب خواهد شد.

ب- هسته‌های گزینش، که در واحدهای مختلف وزارت آموزش و پرورش مرکب از سه تا پنج نفر می‌باشد، در امتداد پست‌های سازمانی و توسط هیئت مرکزی عنداللزوم تشکیل می‌گردد. اعضای هسته‌های گزینش با صلاحدید و معرفی هیئت مرکزی، پس از تأیید صلاحیت آنان از سوی هیئت عالی، با امضای دبیر هیئت مرکزی گزینش منصوب می‌شوند.

تبصره- هسته‌های گزینش دارای یک مدیر خواهند بود که با حکم دبیر هیئت مرکزی منصوب می‌شوند.»

۱. قانون مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان مصوب ۱۳/۵/۱۳۸۱: «ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور مشارکت جمهوری اسلامی ایران در کمک به بازسازی کشور افغانستان، تا مبلغ سیصد و هشتاد و پنج میلیارد (۳۸۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از اعتبار ردیف ۵۰۳۴۶۲ (واگذاری سهام شرکت‌های دولتی) منظور در جداول قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور کسر و به سقف اعتبار ردیف ۵۰۳۰۰۱ (هزینه‌های پیش‌بینی نشده) اضافه و برای کمک به بازسازی کشور افغانستان اختصاص دهد. ستادی مرکب از وزرای امور اقتصادی و دارایی، امور خارجه، جهاد کشاورزی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به ریاست معاون اول رئیس جمهور تشکیل و چگونگی هزینه‌کرد مبلغ مذکور را مشخص خواهد نمود. دو نفر از اعضای کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و امنیت ملی و سیاست خارجی به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در جلسات ستاد شرکت خواهند نمود.»

۲. «تذکر: با توجه به ماده (۱۳) «قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش»، می‌توان گفت که با لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی، عملاً چنین هیئتی وجود خارجی نخواهد داشت و هیچ عضوی برای آن باقی نخواهد ماند؛ بنابراین لازم است که منظور قانون‌گذار از چنین اقدامی به روشنی بیان شود، تا هیچ ابهامی در خصوص

←

حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵] می‌گوید: «از کمیسیون‌های اجتماعی و آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به ترتیب یک نفر و دو نفر بر حُسن اجراء این قانون نظارت خواهند داشت و وزارت آموزش و پرورش موظف است گزارش عملکرد هر ساله این قانون را حداکثر تا پایان خردادماه سال بعد به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.»

آقای علیزاده - عنوان، اشکال دارد.

آقای سوادکوهی - عنوان، اشکال دارد.

آقای رهپیک - الآن از این ماده (۱۳) نمی‌فهمیم که عضو دیگر، حق رأی دارد یا خیر.

آقای سوادکوهی - نه دیگر، هیچ [چیزی نگفته است] فقط گفته ناظر.

منشی جلسه - «۱۱- مجمع عمومی صندوق ضمانت صادرات ایران، موضوع جزء (۸) بند (الف) ماده (۴) قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران، مصوب ۱۳۷۵/۷/۱۵؛^(۱)

→

از بین بردن این هیئت وجود نداشته باشد.»

اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ مرکز تحقیقات شورای نگهبان. (www.shora-rc.ir)
۱. ماده (۴) قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران مصوب ۱۳۷۵/۷/۱۵: «ماده ۴- صندوق دارای ارکان زیر است که حدود وظایف و اختیارات هر یک در اساسنامه صندوق تعیین می‌شود:
الف- مجمع عمومی:

اعضای مجمع عمومی عبارت هستند از:

۱- وزیر بازرگانی که ریاست مجمع عمومی را بر عهده دارد؛ ۲- وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ ۳- وزیر امور خارجه؛ ۴- وزیر صنایع؛ ۵- رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ ۶- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۷- رئیس کل مرکز توسعه صادرات ایران؛ ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیون‌های امور بازرگانی و توزیع و امور اقتصادی و دارایی و تعاون با انتخاب مجلس به عنوان ناظر.

مدیر عامل صندوق به عنوان دبیر مجمع عمومی بدون حق رأی در جلسات مجمع عمومی صندوق حضور خواهد یافت.

ب - هیئت مدیره و مدیر عامل:

مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره که تعداد آنها پنج نفر می‌باشد به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تأیید مجمع عمومی صندوق برای مدت پنج سال منصوب می‌شوند. مدیر عامل می‌تواند رئیس هیئت مدیره

←

۱۲- هیئت نظارت بر اجرای قانون تأمین اعتبار کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور، مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۸، موضوع تبصره (۳) ماده واحده قانون مذکور.^(۱)

ماده ۳- رؤسای کمیسیون‌ها و نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در مجامع، شوراها و هیئت‌ها به عنوان عضو حضور دارند، وظایف ناظر مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده داشته و موظف بر انجام آن وظایف طبق آیین‌نامه داخلی مجلس می‌باشند.

آقای ابراهیمیان - مرکز تحقیقات به ماده (۳) ایراد گرفته است: «اطلاق این ماده از این جهت که شامل مجامع و هیئت‌ها و شوراهایی همچون شوراهای ایجاد شده توسط رهبری و یا قانون اساسی از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی و ... به واسطه حضور نمایندگان مجلس در آنها می‌شود، نظارت مجلس بر این مراجع، مغایر با اصول متعدد قانون اساسی از جمله (۵۷)، (۱۱۲) و ... می‌باشد.»^(۲) آیا این ایرادی که اینها گرفتند، اصلاً موضوعیت دارد؟

→

نیز باشد. وزیر بازرگانی می‌تواند مدیر عامل را عزل نماید.

ج- بازرس یا بازرسان قانونی: صندوق دارای یک یا دو بازرس اصلی و نیز یک یا دو بازرس علی‌البدل خواهد بود که توسط مجمع عمومی برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند.

تبصره- انتخاب مجدد مدیران و بازرسان امکان‌پذیر است.»

۱. قانون تأمین اعتبار کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۸: «ماده واحده- دولت موظف است مبلغ دو بیست میلیارد (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جهت کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور در اجرای طرح‌های شورای امنیت کشور، مبلغ یکصد میلیارد (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل بند (الف) تبصره (۲۷) و مبلغ یکصد میلیارد (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل بند (ب) تبصره (۲۹) بودجه سال ۱۳۷۹ هزینه نماید.

تبصره ۱- اعتبارات این ماده واحده صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی و توسط وزارت کشور هزینه می‌گردد.

تبصره ۲- گزارش عملکرد این قانون هر سه ماه یکبار توسط وزارت کشور به مجلس شورای اسلامی ارائه شود.

تبصره ۳- دو نفر از نمایندگان استان خراسان و یک نفر از نمایندگان استان سیستان و بلوچستان به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر بر اجرای این قانون تعیین می‌گردند.»

۲. اظهار نظر کارشناسی شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

آقای علیزاده - آیا نمایندگان می‌توانند به نام عضو [و با حق رأی] در این شوراها شرکت داشته باشند؟

آقای سلیمی - [ماده (۳) می‌گوید:] هر کجا نمایندگان می‌توانند به عنوان عضو در شوراها شرکت کنند، ناظر هم باشند [و وظایف ناظر مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده بگیرند]. اینها می‌خواهند [با این ماده، موضوع نظارت را توسعه بدهند].

آقای سوادکوهی - در این ماده چون نمایندگان به صورت عام یا مطلق در این مجامع، شوراها و هیئت‌ها به عنوان عضو حضور دارند، این حکم را ذکر کرده است؛ در حالی که ممکن است این هیئت، مثلاً هیئتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد یا تابع یکی از شوراهایی باشد که خارج از حوزه اختیارات مجلس در امر نظارت باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این را هم قبلاً ابهام گرفتیم.

آقای سوادکوهی - به نظر من اطلاق این ماده ایراد دارد. یک مقدار، این عبارت به کاررفته فرق دارد، یعنی غیر از موارد بالادستی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آن را که آنجا اصلاح کردیم. این درست است.

آقای سوادکوهی - به عنوان موارد بالادستی ایراد دارد.

آقای علیزاده - قبل از اینها، ممکن است که مثلاً نماینده‌ای عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام شود. حالا مجلس می‌گوید: از آن مجمع یک گزارش برای ما بیاور.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - چون عضو است، وقتی عضو است باید گزارش ببرد.

منشی جلسه - «ماده ۴- در صورتی که هر یک از شوراها، مجامع و هیئت‌هایی که طبق قانون دارای نماینده ناظر می‌باشند، اقدام به تشکیل کمیته یا شورای فرعی نمایند، موظفند مراتب را به نماینده ناظر و معاون نظارت مجلس شورای اسلامی اطلاع دهند. نماینده مذکور، عضو ناظر کمیته یا شورای فرعی است و عندالزوم در جلسات آن شرکت می‌نماید.»

آقای علیزاده - [شوراها، مجامع و هیئت‌ها] چه چیزی را باید به معاون نظارت مجلس اطلاع بدهند؟

آقای رهپیک - این ماده اشکال دارد.

آقای سوادکوهی - آنها هم [نظارت را] تقویت می‌کنند.

آقای علیزاده - الان دارند [حوزهی نظارت] معاونت نظارت مجلس را به جاهای دیگر هم تسری می دهند. ما می گوئیم مجلس باید به نمایندگان ناظری که [در شوراها، مجامع و هیئت‌ها] دارد، طریقی را که باید قوهی مجریه برود یا [به مجلس] اطلاع بدهد، معلوم کند. معاون نظارت مجلس، یک نماینده است، مجلس نیست. چرا [نمایندگان باید به یک نمایندهی دیگر] اطلاع دهند؟ واقعاً ما این را ایراد داریم. ما [وجود جایگاه] معاونت نظارت [و الزام دستگاه‌ها به گزارش‌دهی به آن] را قبول نداریم.

آقای رهپیک - حضور ناظر در کمیته یا شوراهای فرعی هم اشکال دارد. در قانون گفته شده است که نماینده در شورایی به عنوان ناظر حضور داشته باشد. حالا فرض کنید این شورا پنج تا کمیتهی فرعی هم در زیرمجموعه‌ی خودش تشکیل دهد. آیا صحیح است که نمایندهی ناظر در آن کمیته‌ها یا شوراهای فرعی هم برود؟

آقای علیزاده - حالا اینها می گویند این نماینده در آن کمیته یا شوراهای فرعی هم ناظر باشد، اشکال ندارد، اما اینکه باید به معاونت نظارت مجلس اطلاع و گزارش بدهند، واقعاً اشکال دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - درست است.

آقای علیزاده - برای چه به «معاونت نظارت» اطلاع بدهند؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - خود نماینده [به معاون نظارت] بگوید.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی‌شاهرودی - درست است.

آقای علیزاده - ما می گوئیم این ماده برای تسری دادن حوزه نظارت معاونت نظارت است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این، اضافه است.

آقای علیزاده - ما نمی توانیم هیچ‌گونه نظارتی برای دستگاه‌های غیر خود مجلس، قائل بشویم.

آقای رهپیک - [قرار دادن] ناظر هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - حالا هر دو تا را یکی یکی رأی بگیریم، قاطی نکنیم. آقایانی که [به] ارأئه‌ی گزارش [به] معاون نظارت اشکال دارند، رأی بدهند. هفت نفر مغایر می دانند. خیلی خوب.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [نمایندهی ناظر باید] به خود مجلس شورای اسلامی گزارش بدهد.

آقای علیزاده - مجلس به صورت یک امر داخلی، تصویب کرد که معاون نظارت داشته باشد. به ما چه ربطی دارد؟ الآن آنها می‌خواهند [وجود نهاد] معاون نظارت را قانونی کنند. به ادارات و دستگاه‌ها نامه می‌نویسند که به ما گزارش بدهید. اینها این طوری کم‌کم [نهاد معاونت نظارت را] قانونی می‌کنند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ناظر باید به مجلس شورای اسلامی گزارش بدهد. دیگر گزارش دادن به معاون نظارت معنی ندارد. روشن است.

آقای علیزاده - تشکیلات معاون نظارت که [در مجلس تصویب نشده و در] شورای نگهبان تأیید نشده است. امر داخلی مجلس است. چرا به جاهای دیگر [سرایت کند]؟

آقای رهپیک - کار اجرایی مجلس است.

آقای علیزاده - کار اجرایی مجلس است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حالا هفت تا رأی آورد. آقای دکتر رهپیک، نسبت به ناظر قرار دادن نمایندگان مجلس در شوراهایی که در آن عضو هستند، اشکال دارند.

آقای سوادکوهی - درست است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، اشکال جدید ایشان است. ایشان می‌گویند اینکه ناظر خودبه‌خود در آن کمیته فرعی هم عضو ناظر شده است، ایراد دارد.

آقای رهپیک - خیلی از این شوراهای عالی ذیل دستگاه اجرایی تشکیل شده‌اند. مثلاً شورای عالی استاندارد، متعلق به دستگاه اجرایی [سازمان ملی استاندارد و از معاونت‌های ریاست جمهوری] است. حالا ممکن است شورای عالی استاندارد کمیته‌ها و شوراهای فرعی داشته باشد که مثلاً متخصصین اجرایی راجع به خودرو یا بهداشت یا امور دیگر جلساتی برگزار می‌کنند. ماده (۴) می‌گوید: نماینده‌ی ناظر که در شورای عالی استاندارد عضویت دارد، در آن شورا یا کمیته فرعی هم باید عضویت داشته باشد. اما به نظر می‌رسد، نهایتاً قانون گفته [نمایندگان ناظر] در همان شوراهای عالی اصلی که جنبه‌ی ملی دارد، شرکت کنند.

آقای علیزاده - این شبیه همان ایرادی است که ما قبلاً گرفتیم [و گفتیم تعیین عضو ناظر در ستاد و شورای مذکور در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده یک، به منزله‌ی اصلاح تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران و مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی است]، ولی [فرق این ماده با ایراد قبلی در این است که در این ماده،

خود] مجلس این شورای عالی را به وجود آورده است.

آقای رهپیک - ما استثنائاً آن ایراد را پذیرفتیم.

آقای علیزاده - بله، [آن بندهایی را که ما ایراد گرفتیم، شوراهایی بود که آنها را] قوه مجریه

به وجود آورده است؛ ولی چرا قوهی مجریه شوراهای فرعی را به وجود آورده است؟

آقای رهپیک - نمی‌توانید این‌طور بگویید. کمیته‌های فرعی ذیل دستگاه‌های اجرایی

است. [زیرا اداره‌ی امور اجرایی در صلاحیت قوهی مجریه است.]

آقای علیزاده - من با این نظر موافقم.

آقای رهپیک - [کمیته‌ها و شوراهای فرعی شوراهای عالی،] ذیل دستگاه اجرایی است.

آقای علیزاده - بله، ذیل دستگاه اجرایی است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، اینجا شوراهای عالی طبق قانون ایجاد شده است، قانون دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آقای دکتر رهپیک می‌گویند شورای عالی را قانون تأسیس

کرده است، ولی کمیته‌های فرعی‌اش که دیگر مربوط به قانون نیست.

آقای رهپیک - قانون، همه‌ی اعضای شورای عالی اصلی را اعلام می‌کند و شما اعضا

را تشخیص می‌دهید. حالا اگر یک نفر عضو مجلس در شورا حضور داشته باشد،

حکم کلی ماده (۴) به تمام شوراهایی که زیرمجموعه‌ی آن شورای عالی است - حتی

اگر صد تا هم هیئت و کمیته باشد - تسری پیدا می‌کند.

آقای مدرس‌یزدی - این حکم کلی ماده (۴)، خلاف قانون اساسی است؟

آقای رهپیک - بله، الآن این حکم، تداخل قواست. الآن این ماده می‌گوید نمایندگان

ناظر در کار دستگاه اجرایی ورود کنند.

آقای مدرس‌یزدی - اگر مزاحمتی نداشته باشند، چه ایرادی دارد؟

آقای رهپیک - نود درصد این شوراهای عالی که شما گفتید - و بلکه صددرصد آن -

در دستگاه‌های اجرایی تشکیل می‌شود. معنای «ناظر» این نیست که در هر کاری

[حضور داشته باشد] ...

آقای مؤمن - یعنی نماینده‌ی ناظر در امور شورای عالی دخالت می‌کند؟

آقای رهپیک - در قانون اساسی، نظارت مجلس نسبت به دولت از طریق استیضاح،

سؤال و تحقیق و تفحص است.

آقای مؤمن - نه، همه‌جا می‌تواند [نظارت کند].

آقای رهپیک - از کجای قانون اساسی نظارت عام [مجلس بر دولت] درمی آید؟

آقای مؤمن - مانع ندارد.

آقای رهپیک - قانون اساسی که چنین مطلبی ندارد. تفسیرش مضیق است. اگر

این طوری باشد، هر جوری که مجلس خواست برود نظارت کند!

آقای مؤمن - [مجلس هر طوری نظارت] نمی کند. این موارد که گفته شد، «هرجوری»

نیست.

آقای رهپیک - فرض کنید الآن در قانون اساسی، یک چیزی شبیه سؤال دریاورید؛

یک چیزی شبیه استیضاح دریاورید؛ می شود؟! بگویید چون می خواهد نظارت کند!

آقای مؤمن - معلوم است، رأی نمی دهند.

آقای ابراهیمیان - نه، اصلاً آیا ما نظارت را [عام می دانیم یا خیر؟]

آقای مؤمن - تا حالا هر جا مجلس، نظارت گذاشته بود، ایراد نگرفتیم؛ حالا بیایم این حرفها را

بزنیم؟! همه‌ی مصوبات قبلی مجلس و تأییدات شورای نگهبان را دارید از بین می برید!

آقای ابراهیمیان - یا باید نظارت را به صورت عام بپذیریم - البته به نظر من هم این

برداشت درست نیست؛ یعنی نظارت [فقط] به همان طُرق [مصرح در قانون اساسی]

است - اما اگر نظارت را [به صورت عام] بپذیرفتیم، مجلس می خواهد این نظارت به

شکلی باشد که با حضور یک نماینده، از معنا تهی نشود. به عبارتی ممکن است

شورای عالی، کمیسیون‌های فرعی تشکیل دهد و تصمیمات و اقداماتی را که اصلاً

هدف این بود که نماینده خبردار بشود، در آن کمیته‌های فرعی بگیرند و این نماینده

ناظر هم بی‌خبر بماند. مجلس می خواهد بگوید اگر شما نظارت را بپذیرفتید، این

نظارت، مؤثر باشد. به نظر می‌رسد کماکان در حیطه‌ی صلاحیت‌های همان کمیته و

کمیسیون است، نه قسمت‌های اجرایی. ماده (۴) می‌گوید: نماینده در کمیسیون‌های

فرعی هم حضور داشته باشد و الا حضور نماینده عملاً بایکوت می‌شود. با تشکیل

کمیسیون‌های فرعی، عملاً حضور نماینده ناظر متفی می‌شود و ممکن است دیگر

دعوتش نکنند. منظور این است. من با اصل این که این نظارت را نپذیریم موافقم، اما

اگر به آن بله گفتیم [و وجود نماینده‌ی ناظر را بپذیرفتیم] - در یک تفسیری یا عملاً به

طور ضمنی [در خلال تأیید مصوبات مجلس] - باید اقتضائاتش را هم بپذیریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر شورای عالی را خود مجلس تصویب کرده، می‌تواند در

آن نماینده ناظر بگذارد، ولی این کمیته‌های فرعی را که خود مجلس تصویب نکرده، دولت تصویب کرده است.

آقای رهپیک - بعد مجلس باید در این همه دستگاه‌های اجرایی، ادارات کل و شوراهای فرعی که همه دارند کار اجرایی می‌کنند، نماینده‌ی ناظر بگذارد؟! **آقای ابراهیمیان -** نه.

آقای رهپیک - آن وقت معنای «تداخل قوا» چیست؟ قانون اجازه داده است که نماینده‌ی مجلس در آن شوراهای عالی [دارای ماهیت] سیاست‌گذاری - که طبق قانون، همه‌ی دستگاه‌های ملی شرکت می‌کنند - حضور داشته باشد. خوب، نماینده‌ی مجلس به ادارات کل، معاونت‌ها و ادارات و این همه شوراهای فرعی - که بعضاً در هر وزارتخانه ۳۰ تا، ۴۰ تا، ۵۰ تا شورای فرعی هست و همه‌شان هم کار اجرایی می‌کنند - چه کار دارد؟ بعد شما می‌گویید مجلس اجازه داشته باشد در کمیسیون فلان شرکت کند!

آقای هاشمی‌شاهرودی - [در ذیل ماده (۴)، «کمیته» را هم [به شورای فرعی] اضافه کرده‌اند.

آقای رهپیک - یعنی نماینده‌ی ناظر مجلس در همه‌ی کمیته‌ها و شوراهای فرعی شرکت کند؟!

آقای هاشمی‌شاهرودی - [در این صورت حوزه‌ی نظارت مجلس،] بیش از چیزی است که قبول کردیم. آنچه که قبول کردیم این بود که خود مجلس می‌تواند در شورایی که در قانون تصویب می‌کند، ناظر بگذارد، دیگر نه بیشتر. پس اشکال آقای ابراهیمیان وارد نیست! خوب آقای علیزاده، حالا برای این اضافه‌ی ذیل که می‌گوید: «نماینده مذکور، عضو ناظر کمیته یا شورای فرعی است» رأی بگیرید.

آقای رهپیک - خوب، همه‌ی کمیته‌ها یا شوراهای فرعی، زیرمجموعه‌ی دستگاه‌های اجرایی هستند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - همان اشکال اول به این ذیل هم وارد است.

آقای علیزاده - بله، و آن اشکالی که [به جزء ۹ بند (الف) و جزء ۷ بند (ب) ماده یک] گرفتیم - که مصوبه‌ی مجلس به منزله‌ی اصلاح تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران محسوب می‌شود - به ذیل ماده (۴) هم وارد است؛ چون این کمیته‌ها و شوراهای

فرعی به موجب مصوبه‌ی مجلس به وجود نیامده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [این کمیته‌ها و شوراهای فرعی از طریق مصوبه‌ی مجلس] به وجود نیامده [و دارای صبغه‌ی] اجرایی هم هستند.

آقای علیزاده - آقایانی که [ذیل ماده (۴) را] خلاف می‌دادند، مثل [صدر ماده (۴)] رأی بدهند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آقایان اینجا رأی ندادند. ۵ تا شدیم! کم شدیم.

آقای مدرسی‌یزدی - ولی واقعاً من متعجبم که این نماینده‌ها چقدر وقت دارند که بخواهند در همه‌ی این کمیته‌ها و شوراهای فرعی شرکت کنند.

آقای علیزاده - اصلاً نباید شرکت کنند و حال اینکه خلاف قانون اساسی بودن این مطلب، مثل روز روشن است. کمیته‌ها و شوراهای فرعی در اینجا [مصوب قوه‌ی مجریه است].

آقای مدرسی‌یزدی - خب، پس یک بحث مفصل برای اصل این موضوع بکنیم و اصلاً همه‌ی اینها را مغایر بدانیم!

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه همه، آن شوراهایی که خود مجلس تشکیل داده که اشکال ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؟ مگر دخالت قوه‌ی مقننه در قوه‌ی مجریه نیست؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - خود مجلس از طریق قانون‌گذاری این شورا را تشکیل داده است.

آقای مدرسی‌یزدی - مجلس که نمی‌تواند از طریق قانون‌گذاری در قوه‌ی مجریه دخالت کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خود مجلس شوراهای عالی را تشکیل داده است.

آقای رهپیک - قدر متیقن این است که این ماده (۴)، دخالت است. حالا در مواردی که نماینده‌ی ناظر در شورای عالی عضویت دارد، چون شورای عالی در سطح ملی است، [می‌پذیریم که اشکال نداشته باشد و دخالت در امور قوه‌ی مجریه تلقی نگردد].

آقای مدرسی‌یزدی - من هم مضمون این ماده را نمی‌پسندم، ولی نمی‌فهمم که خلاف کدام اصل قانون اساسی می‌تواند باشد.

آقای علیزاده - پس چون عنوان معاونت نظارت در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و چنین نظارتی از سوی مجلس بر دستگاه‌های اجرایی در نظر گرفته نشده است، نظارت مجلس قابل تفویض به نمایندگان ناظر نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - حداقل بنویسیم به این امور [قابل تسری نیست].

آقای ابراهیمیان - اینکه ماده (۴) می‌گوید شوراهای عالی موظفند تشکیل کمیته‌ها یا شوراهای فرعی را به نماینده‌ی ناظر و معاون نظارت مجلس خبر بدهند، برای نظارت معاون نظارت نیست. برای اینکه اگر شما اصل [لزوم وجود نظارت] را پذیرفتید، بالتبع یک نماینده باید در این شورا یا کمیته‌ی فرعی حضور داشته باشد و لذا باید به مجلس خبر داده شود که نماینده‌ی ناظر را [به شورا یا کمیته‌ی فرعی] بفرستند. به همین دلیل ماده (۴) می‌گوید شوراها، مجامع و هیئت‌ها باید تشکیل شورا یا کمیته‌ی فرعی را هم به همان نماینده‌ی ناظر و هم به معاون نظارت مجلس اطلاع دهند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اطلاع دادن به معاون نظارت دیگر اضافه و زاید است. [تنها] به خود همان نماینده‌ی ناظر بگویند، [کافی است].

آقای علیزاده - [تنها] به نماینده‌ی ناظر باید بگویند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا اگر به کس دیگری بگویند، چه می‌شود؟ خلاف قانون اساسی که نیست.

آقای جنتی - [اگر اطلاع دادن به معاون نظارت را] حذف هم بکنند، برای آنها ضرری ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، اطلاع دادن به نماینده‌ی ناظر کافی است.

آقای علیزاده - با دادن این صلاحیت‌ها به معاون نظارت، فردا نظارتشان را به همه‌جا تسری می‌دهند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.^(۱)

منشی جلسه - «ماده ۵- کلیه نمایندگان ناظر طبق آیین‌نامه داخلی مجلس از ابتدای هر دوره برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و روش‌های تعیین شده برای نمایندگان ناظر در سایر قوانین و مقررات به روش پیش‌بینی شده در آیین‌نامه مذکور اصلاح می‌شود.»

آقای سوادکوهی - مرکز تحقیقات شورای نگهبان نسبت به ماده (۵) تذکری را داده‌اند: «با توجه به اینکه حضور نمایندگان ناظر در شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۵ شورای نگهبان: «۳- از آنجا که در قانون اساسی جایگاهی به عنوان «معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی» بر دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی نشده است، الزام دستگاه‌ها به اطلاع‌رسانی به معاون نظارت مجلس با این عموم مواجهه با ایراد بوده و مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.»

هیئت‌ها تنها به موجب قوانین صورت گرفته است، عبارت «مقررات» در این ماده زاید بوده و باید حذف گردد.»^(۱)

ما قبلاً [در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده یک] گفتیم مجلس حق قرار دادن نماینده‌ی ناظر در شوراهای وابسته به دولت را ندارد؛ زیرا قانون‌گذاری در این خصوص به منزله‌ی اصلاح تصویب‌نامه‌ی هیئت وزیران است. با توجه به اینکه در ماده‌ی (۵) برای «مقررات» - که شامل تصویب‌نامه‌ها هم می‌شود - قاعده وضع کرده‌اند و کلمه‌ی «مقررات» را هم به قوانین اضافه کرده‌اند، ظاهراً این «مقررات» به این منظور آمده که در بعضی جاها ناظر به مصوبات دولت هم هست که ما آن موارد را حذف کردیم.

آقای علیزاده - این ماده، نمایندگان ناظر خود مجلس را می‌گوید. ما [در خصوص جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده یک] گفتیم مجلس نمی‌تواند مصوبات هیئت وزیران را اصلاح کند.

آقای سوادکوهی - خب، پس این «مقررات» به کجا می‌خورد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - هر جا [در مقررات مختلف، نماینده‌ی ناظر را] گذاشته‌اند.

آقای سوادکوهی - نه، [واژه‌ی] «مقررات» به کجا می‌خورد؟ چون فقط با قوانین مصوب مجلس برای نماینده‌ی مجلس، عضویت را پیش‌بینی می‌کنند.

آقای علیزاده - «مقررات» [مواردی مثل مصوبه‌ی هیئت وزیران] را شامل می‌شود.

آقای سوادکوهی - که نمی‌خواهیم [چنین چیزی] باشد [و نمی‌خواهیم با مصوبات مجلس، مصوبات هیئت وزیران اصلاح شود].

آقای علیزاده - ماده (۵) این را که نمی‌گوید؛ آنجایی را می‌گوید که دولت خودش قبول کرده [که نماینده‌ی ناظر در شورا حضور داشته باشد]؛ مثلاً مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته [در یک کمیته یا شورا] یک نماینده باید بگذارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [مجمع تشخیص مصلحت نظام] گفته یک نماینده از مجلس در اینجا باشد.

آقای سوادکوهی - خب، آن هم که نمی‌شود.

آقای ابراهیمیان - خود هیئت دولت گفته است.

۱. اظهارنظر کارشناسی شماره ۹۲۰۷۰۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

آقای هاشمی‌شاهرودی - چرا دیگر، [اشکالی ندارد] و این ماده (۵) هم بیان‌گر کیفیت انتخابش است. می‌گوید انتخابش به روش پیش‌بینی شده در قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس و دو ساله باشد.

آقای علیزاده - ماده (۶) هم گفته «کمیسیون تخصصی ذی‌ربط» نماینده‌ی ناظر را تعیین می‌کند. این «مقررات» به جای دیگر بر نمی‌گردد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، مدت نمایندگی ناظر را دو سال کرده است.

آقای علیزاده - ما گفتیم که مجلس نمی‌تواند مصوبات هیئت وزیران را با قانون‌گذاری اصلاح کند.

منشی جلسه - «ماده ۶- در قوانینی که برای انتخاب نماینده ناظر، کمیسیون تخصصی تعیین نشده است، هیئت رئیسه مجلس، کمیسیون تخصصی ذی‌ربط را تعیین می‌نماید. ماده ۷- به منظور ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت، ارتقای بهره‌وری و تقویت مدیریت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی، متشکل از دو نفر از مسئولین نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه، با حفظ استقلال هر یک از قوا، در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود. شورای مذکور وظیفه نظارت بر فرآیند تولید آمارهای پایه و شاخص‌های کلان کشور که توسط مرکز آمار ایران تهیه می‌شود را نیز عهده‌دار است.»

آقای علیزاده - ما قبلاً در جاهای مختلف گفته‌ایم که شورای دستگاه‌های نظارتی را خلاف قانون اساسی می‌دانیم.^(۱)

۱. نظر شماره ۷۸/۲۱/۵۸۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۰۹/۳۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸/۰۹/۷ مجلس شورای اسلامی با موضوع ایجاد شورای عالی نظارت و بازرسی: «نظر به اینکه ماده (۳) قانون شامل دستگاه‌های نظارتی غیراجرایی می‌شود، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد. همچنین چون عبارت مذکور در ماده شامل اعضای که خارج از قوه مجریه هستند نیز می‌گردد (مانند رئیس سازمان بازرسی و رئیس دیوان عدالت اداری) از جهت تشکیل شورا مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد. به علاوه اطلاق تهیه لایحه مذکور در ماده (۳) که شامل تهیه لایحه قضایی نیز می‌گردد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. در خصوص عبارت «نظارت ملی» چنانچه در برگزیده نظارت قوه مقننه و قضائیه نیز باشد، این قسمت هم مغایر قانون اساسی شناخته شد.

نظر شماره ۸۳/۳۰/۷۴۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۰۳/۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی با موضوع ایجاد شورای عالی نهادهای نظارتی: «ماده (۱۶۱) از این نظر که موجب خلط وظایف قوای

آقای هاشمی شاهرودی - حالا مجدداً شورای دستگاه‌های نظارتی را در این مصوبه پیش‌بینی کرده‌اند.

آقای سلیمی - این ماده خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - خلاف اصول متعدد قانون اساسی است. حوزه‌ی پیش‌بینی شده در این ماده، در صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور است. الآن اینها می‌خواهند مجلس را به عنوان نظارت، در این نهادها هم شرکت دهند که البته نباید مداخله داشته باشند.

آقای سلیمی - نه، قوه‌ی قضاییه را هم ملزم می‌کند [که در این شورا عضو باشد].

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - همان ایرادات سابق را می‌نویسیم. «هر قوه»، یعنی دولت را هم در این شورا شرکت داده‌اند. دولت چه نظارتی دارد؟ دولت در حد داخلی خودش [و بر نهادهای زیرمجموعه‌ی خودش] می‌تواند نظارت داشته باشد، اما نظارت بر اجرای قوانین بر عهده‌ی سازمان بازرسی کل کشور است، نظارت در امور بودجه با دیوان محاسبات است، حوزه‌ی نظارتی هر سازمانی در قانون اساسی معلوم شده است. ما قبلاً هم این ایراد را گرفته‌ایم.

آقای سوادکوهی - [مفاد ماده (۷)،] بر خلاف قانون اساسی است.

آقای مدرسی‌یزدی - بر اساس این ماده، [به‌رغم تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی،] استقلال هر یک از قوا حفظ می‌شود؛ چون مصوبه گفته: هر قوه‌ای کار خودش را بکند، فقط هر از مدتی [دو نفر از مسئولین نظارتی هر قوه] با هم بنشینند و صحبت و

→

سه‌گانه و نقض وظایفی است که طبق قانون اساسی برعهده نهادهای غیروابسته به قوه مجریه گذاشته شده است، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵) و (۵۷) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.

نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۰۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی با موضوع ایجاد شورای دستگاه‌های نظارتی کشور: «تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی کشور، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

هماهنگی کنند. کاری نمی‌تواند بکنند، فقط بنشینند و تبادل اطلاعات بکنند.

آقای عزیزاده - به جای این کارها، مطابق دستورات آقا [مقام معظم رهبری] عمل کنند. ما قبلاً هم در ضمن برنامه‌ی پنجم توسعه [به چنین مصوبه‌ای] ایراد گرفته‌ایم.^(۱)

آقای هاشمی‌شاهرودی - درست است.

آقای عزیزاده - در [بند (۵) ماده (۲۷)] لایحه «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» هم [اتخاذ تدابیر مناسب برای تقویت همکاری دستگاه‌های نظارتی و مراجع قضایی را] آوردند. ما آنجا هم ایراد گرفتیم و گفتیم علاوه بر وظایفی که مقام معظم رهبری تعیین کرده‌اند، حق قانون‌گذاری ندارند.^(۲)

آقای هاشمی‌شاهرودی - خوب است. درست است.

آقای عزیزاده - مجلس نمی‌تواند چنین مرجع نظارتی به وجود بیاورد. آخرین جوابی

۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۰۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی با موضوع ایجاد شورای دستگاه‌های نظارتی کشور: «تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی کشور، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۲۷) لایحه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۹: «ماده ۲۷- ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که در اجرای فرمان مورخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۰ مقام معظم رهبری ایجاد گردید، علاوه بر وظایف مذکور در فرمان معظم‌له، عهده‌دار وظایف زیر و نظارت بر حسن اجرای این قانون خواهد بود:

۱- اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مناسب برای پیشگیری و مبارزه مؤثر و کارا تر با فساد و اجرای بهتر و سریع‌تر این قانون؛ ۲- تصویب شاخص‌ها و استانداردهای سلامت اداری؛ ۳- اتخاذ تصمیمات لازم به منظور ارتقای سطح کیفی راهکارهای مبارزه با فساد؛ ۴- تقویت ظرفیت‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های مسئول پیشگیری و مبارزه با فساد؛ ۵- اتخاذ تدابیر مناسب برای تقویت همکاری دستگاه‌های نظارتی و مراجع قضایی؛ ۶- نظارت بر عملکرد و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و مقابله با فساد دستگاه‌های مشمول قانون؛ ۷- ارائه گزارش عملکرد سالیانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و دستگاه‌های مسئول به افکار عمومی با رعایت سیاست‌های مذکور در فرمان مقام معظم رهبری؛ ۸- ایجاد هماهنگی برای توسعه همکاری‌ها و تبادل تجارب و اطلاعات با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مبارزه با فساد.»

نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۸۸ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۲ شورای نگهبان در خصوص لایحه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی: «در ماده (۲۷)، وظایف محول شده به ستاد مبارزه با فساد اقتصادی، علاوه بر وظایف تفویض‌شده توسط مقام معظم رهبری به این ستاد، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی و نیز مغایر اصول مربوط به قوای مقننه، قضائیه و مجریه می‌باشد.»

که به مجلس داده‌ایم، این بوده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - همان جواب را اینجا هم بدهید.

آقای مؤمن - اینجا برای کارآمد نمودن نظارت، مرجع شورای دستگاه‌های نظارتی را به وجود آورده‌اند که با هم بنشینند و مشورت کنند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این همان [ستادی] است که رهبری [برای مبارزه با مفاسد اقتصادی] درست کرده‌اند ...

آقای علیزاده - مقام معظم رهبری [به سران سه‌قوه] گفتند و [این ستاد را] درست کرده‌اند.

آقای مؤمن - حالا [مجلس، علاوه بر آن ستاد،] هیئت جدید تشکیل داده است؟

آقای مدرسی‌یزدی - اگر این ماده با آن [ستاد تأسیسی مقام معظم رهبری] مخالفت دارد، خلاف اصل [(۵۷) قانون اساسی است] ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - [شورای دستگاه‌های نظارتی در ماده (۷)] عین همان [ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی] است؛ اصلاً ایراد، همین است.

آقای علیزاده - اولاً اطلاق ماده (۷) با آن ستاد، تعارض دارد؛ ثانیاً اگر مجلس بگوید نهادهای نظارتی با هم شورایی تشکیل دهند، ما [نسبت به آن ایراد داریم].

آقای هاشمی‌شاهرودی - حق دخالت در قوای دیگر [و الزام مسئولین آنها به شرکت در این شورا] را ندارند. شاید رؤسای قوا نخواهند در این شورا شرکت کنند.

آقای علیزاده - بله. آقایانی که می‌گویند: ماده (۷) بر این مبنا خلاف قانون اساسی است، نظر بدهند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، ما که مغایر می‌دانیم. مجلس نمی‌تواند قوای دیگر را به شرکت در این شورا الزام کند.

آقای علیزاده - خیلی خوب، رأی آورد.^(۱)

لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

۱. بند (۴) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۵ شورای نگهبان: «۴- در ماده (۷) تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی، همان‌طور که قبلاً از جمله در خصوص ماده (۱۹۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اعلام گردیده، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.»

منشی جلسه - دستور بعدی «لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعاده شده از شورای نگهبان»^(۱) است.

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه هم اعاده‌ای است.

آقای علیزاده - اگر آقایان یادشان باشد ما قبلاً [در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸] در دو بخش به این مصوبه ایراد گرفتیم. ابتدا یک ایراد کلی به آن گرفتیم و گفتیم که چون این لایحه قضایی است، نظر رئیس قوه قضائیه را هم بگیرد. خب آقایان [= نمایندگان مجلس] در مقام گرفتن نظرات رئیس قوه قضائیه، تغییرات زیادی در این مصوبه ایجاد کرده‌اند که ما گفتیم تغییرات ایجادشده را برای ما بیاورند.

آقای مؤمن - ایرادهای شورا نسبت به این مصوبه، خیلی زیاد است. باید در این فرصت، حداقل تغییرات ایجادشده توسط مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی را بررسی کنیم؛ بعد آن تغییرات مصوبه نسبت به لایحه را هم اگر خواستید در جلسه‌ی دیگر بررسی کنیم.

آقای علیزاده - بله، باید تغییرات مجلس را هم بررسی کنیم؛ چون [با توجه به این تغییرات]، این مصوبه، اصلاً یک مصوبه‌ی جدیدی شده است. به نظر من، بهتر است بررسی را از ماده (۱) شروع کنیم.

۱. لایحه یک‌فوریتی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۵ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی و رسیدگی با قید یک فوریت، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ به تصویب نمایندگان مجلس رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۳۷/۷۱۱۵۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در چهار مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۳ و ۱۳۹۰/۱۲/۴، در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۸/۱، ۱۳۹۲/۸/۸ و ۱۳۹۲/۸/۱۱ و در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۳ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸، شماره ۹۲/۳۰/۵۲۴۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۲ و شماره ۹۲/۳۰/۵۲۴۶۸ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی چهارم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۸ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۷۷۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

آقای مدرسی یزدی - اول، اشکال کلی شورا [در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸] را بخوانید.

آقای علیزاده - اشکال کلی ما این بود: «الف- نظر به اینکه این لایحه در موارد عدیده دارای ماهیت قضایی است و باید توسط رئیس مکرّم قوه قضائیه تهیه می‌شد و با عنایت به نظریه تفسیری این شورا^(۱) در خصوص مورد اقدام می‌گردید، لازم است حداقل نظر ایشان نیز اخذ شود».

آقای مدرسی یزدی - چرا گفتیم «حداقل نظر ایشان نیز اخذ شود»؟

آقای علیزاده - چون آن زمان که ما این مصوبه را بررسی می‌کردیم،^(۲) آقایان [نمایندگان مجلس و دولت] به ما فشار می‌آوردند که مقام معظم رهبری و بعضی از مسئولان کشور می‌فرمایند که «لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز» یک امر مملکتی است و باید زودتر تصویب و تأیید شود. به همین دلیل ما مصوبه‌ی مجلس را به کلی رد نکردیم، بلکه گفتیم چون ارائه‌ی لوایح قضایی در صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه است و قاعداً ایشان باید لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را ارائه می‌داد، حالا که ایشان لایحه را نداده‌اند [و دولت مستقیماً این لایحه را تهیه کرده است]، حداقل نظر ایشان هم گرفته شود. بر همین اساس، این چنین نظر دادیم. اما بند (ب) ایراد ما به این مصوبه: «ب- علاوه بر مطلب مذکور در بند (الف)، این لایحه اشکالات و ابهامات دیگری نیز به شرح زیر دارد ...». ظاهراً ماده (۱) مصوبه، مورد ایراد ما نبوده، ولی آقایان نمایندگان مجلس در مقام برطرف کردن ایرادهای ما در آن تغییراتی داده‌اند.

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان: «۱- فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول (۱۵۶) و (۱۵۷) و (۱۵۸) و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.

۲- هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳- لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.»

۴. جلسات مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۳ و ۱۳۹۰/۱۲/۴ شورای نگهبان در بررسی لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی.

آقای هاشمی شاهرودی - همین ایراد ما در بند (الف) را اصلاح کرده‌اند؛ اصلاح ماده (۱)، در راستای ایراد بند (الف) نظر ما است.

آقای ابراهیمیان - از نظر تفسیر شورای نگهبان، ایراد ما در بند (الف) رفع نشده است.

آقای علیزاده - نظر تفسیری ما این بوده است که در امور قضایی و در لوایح قضایی رئیس قوه قضائیه باید لایحه بدهد [نه دولت].

آقای ابراهیمیان - خوب، با رضایت رئیس قوه قضائیه به لایحه تنظیم شده توسط دولت، اشکال رفع نمی‌شود؛ چون [بر اساس آن نظریه تفسیری، تهیه لایحه قضایی] قابل تفویض نیست.

آقای علیزاده - رضایت چیست؟

آقای ابراهیمیان - منظور بنده این است که نمی‌شود کس دیگری لایحه قضایی را تهیه کند و رئیس قوه قضائیه آن را تنفیذ کند.

آقای مؤمن - در اینجا نوشته‌اند که «نتیجه بررسی‌های قبلی در جلسه‌ای در حضور ریاست محترم قوه قضائیه مورد بررسی و مذاقه نهایی واقع شد».^(۱)

۱. نامه‌ی شماره ۹۰۰۰/۱۹۰۳/۵۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ معاون حقوقی قوه قضائیه خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی: «عطف به نامه شماره ۴۲/۷۶۱۰۳/د مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس، به عرض می‌رساند همان‌طور که مستحضرید لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در کمیسیون محترم اقتصادی مجلس بررسی و در اواخر دوره قبل مجلس شورای اسلامی مورد تصویب آن مجلس محترم قرار گرفت، سپس در شورای محترم نگهبان علاوه بر حدود ده فقره ایراد بر متن مواد مصوب، از این نظر نیز که لایحه مزبور جنبه قضایی داشته و بایستی از سوی قوه قضائیه تهیه شود، مورد ایراد قرار گرفت. متعاقباً متن مصوب در اواخر دوره قبل مجلس به منظور جلب نظر قوه قضائیه بر اساس ایراد شورای نگهبان به این قوه ارسال و به معاونت حقوقی ارجاع گردید و پس از طی چند مرحله بررسی و امعان نظر، سرانجام نتیجه بررسی‌های قبلی در جلسه‌ای در حضور ریاست محترم قوه قضائیه مورد بررسی و مذاقه نهایی واقع شد و به تصویب معظم‌له رسید. علی‌هذا متن مصوب لایحه به همراه جدول تطبیقی متن مصوب قوه قضائیه با مصوب مجلس و تصویر اعلام موافقت ریاست محترم قوه، جهت طی مراحل بعدی تقدیم می‌شود.» گفتنی است پیرو مذاکره مورخه ۱۳۹۱/۱۰/۱۷ معاون حقوقی قوه قضائیه و آقای علیزاده (قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان)، رونوشتی از این نامه نیز جهت استحضار به دبیرخانه شورای نگهبان ارسال شده است.

همچنین در خصوص بند (الف) ایرادات شورای نگهبان، در گزارش کارشناسی شماره ۲۲ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۴ دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده است: «در همین راستا، مصوبه مذکور در جلسات متعددی در قوه قضائیه مورد بررسی قرار گرفت و جمع‌بندی نظرات

آقای هاشمی شاهرودی - [در نظر شورای نگهبان آمده است:] «لازم است حداقل نظر ایشان نیز اخذ شود».

آقای علیزاده - دیگر وقتی رئیس قوهی قضائیه خودش برای اصلاح این لایحه [در سازمان قاجاق کالا و ارز و مجلس شورای اسلامی] می‌آید نماینده تعیین می‌کند و بعد معاونت حقوقی قوهی قضائیه با حضور رئیس قوهی قضائیه متن این لایحه را بررسی می‌کند و نتیجهی نظراتشان را به مجلس ارسال می‌کنند، [به این معنا است که لایحه، توسط قوهی قضائیه تهیه شده است]. رئیس قوهی قضائیه با توجه به ایراد کلی ما نسبت به این لایحه نظر داده است.

آقای سلیمی - الآن مجلس بعضی از موادی که ما به آنها اشکال نداشتیم را هم تغییر داده است.

آقای علیزاده - بله، مجلس تقریباً همه‌ی لایحه را تغییر داده است؛ چون ما نظرمان یک اشکال کلی گفتیم که باید نظر رئیس قوهی قضائیه را بگیرد.

آقای اسماعیلی - نمایندگان مجلس هم بر اساس همان اشکال کلی، [از رئیس قوهی قضائیه درباره‌ی این لایحه نظرخواهی کرده‌اند و بر اساس نظر ایشان، کل لایحه را اصلاح کرده‌اند].

آقای علیزاده - بله، بر اساس آن اشکال کلی ما، مواد این لایحه را اصلاح کرده‌اند.

آقای سلیمی - حالا باید متن این مصوبه را دوباره از اول بررسی کنیم.

آقای علیزاده - بله، هرچند مواد این مصوبه زیاد است، اما لازم است که مواد را دوباره از اول بخوانیم.

منشی جلسه - «فصل اول - تعاریف، مصادیق و تشکیلات

ماده ۱- اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف- ...

→

مشورتی قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. قوه قضائیه نتیجه جلسات مشورتی خود را در قالب ۹۹ نظر مشخص در خصوص متن مواد، تبصره‌ها، بندها و جزءهای این مصوبه به مجلس ارائه نمود. محور اصلی این نظرات بر دو موضوع استوار است: اولاً وظیفه پیشگیری از وقوع جرم را در قوه قضائیه منحصر نموده و ثانیاً پیشنهاد حذف سازمان تعزیرات از مراجع دارای صلاحیت در بررسی جرم قاجاق ارائه شده است.»

بندهای (ح)، (خ)، (د)، (ذ)، (ر)، (ص) و (ض) ماده (۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ح- ارزش کالای قاچاق ورودی: عبارت است از ارزش سیف کالا (مجموع قیمت خرید کالا در مبدأ و هزینه بیمه و حمل و نقل)، به اضافه حقوق ورودی زمان کشف و سایر هزینه‌هایی که به آن کالا تا محل کشف تعلق می‌گیرد که بر اساس بالاترین نرخ ارز اعلامی توسط بانک مرکزی در زمان کشف، محاسبه می‌شود.

خ- ارزش کالای قاچاق خروجی: عبارت است از قیمت آزاد کالا در نزدیک‌ترین بازار داخلی عمده‌فروشی محل کشف به اضافه هزینه حمل و نقل و هزینه‌هایی مانند عوارض ویژه صادراتی و کلیه یارانه‌هایی که به آن کالا تعلق می‌گیرد.

تبصره- فهرست و ارزش کالای قاچاق خروجی مربوط به فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی حسب مورد متناسب با بالاترین قیمت خرید کالا در بازارهای هدف و یا بر اساس بالاترین نرخ ارز رسمی کشور و سایر عوامل مؤثر توسط وزارت نفت و ستاد اعلام می‌شود.

د- بهای ارز: بالاترین نرخ اعلامی ارز که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان کشف اعلام می‌گردد.

ذ- شناسه کالا: شناسه‌ای چندرقمی که مبتنی بر یک نظام جامع طبقه‌بندی کالا است و مشخصات ماهوی هر قلم کالا احصاء و در یک سامانه ثبت می‌شود و به صورت رمزینه (بارکد) و یا نظایر آن بر روی کالا نصب یا درج می‌گردد.

ر- شناسه رهگیری: شناسه‌ای چندرقمی مبتنی بر شناسه کالا است و به منظور منحصر به فرد نمودن هر واحد کالا، به کلیه کالاهای دارای بسته‌بندی با ابعاد مشخص اختصاص می‌یابد. ماهیت، مالکیت و موقعیت کالا در هر نقطه از زنجیره تأمین، مبتنی بر این شناسه قابل استعلام و رهگیری است و در قالب یک رمزینه بر روی کالاهای مزبور نصب یا درج می‌شود.

ص- دستگاه کاشف: دستگاه اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری است که به موجب این قانون و سایر قوانین و مقررات، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کشف آن را بر عهده دارد.

ض- دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت: هر یک از دستگاه‌های اجرایی است که به موجب قوانین یا شرح وظایف مصوب، موظف به وصول درآمدهای دولت می‌باشد.»

آقای جنتی - اصلاحیه‌ی ماده (۱)، برای رفع کدام اشکال شورای نگهبان است؟

آقای علیزاده - مربوط به اشکال کلی ما در بند (الف) است.

آقای جنتی - خب، معنایش چیست؟ این ماده‌ی اصلاحی چگونه اشکال ما را رفع می‌کند؟

آقای اسماعیلی - [با توجه به تغییرات زیادی که به دلیل اعمال نظر رئیس قوه‌ی قضائیه در مواد این لایحه ایجاد شده است،] حالا باید کل مصوبه را دوباره بخوانند.

آقای ابراهیمیان - بله، باید دوباره کل مصوبه را بخوانند.

آقای علیزاده - اشکال کلی ما این بود که چون لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، لایحه‌ای قضایی است، در تدوین آن باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه هم اخذ شود. مجلس هم این نظر ما را قبول کرد [و از رئیس قوه‌ی قضائیه نظرخواهی کرد و ایشان هم نظراتش را داده است که در مواد این مصوبه اعمال کرده‌اند].

آقای جنتی - خب، پس نظرات رئیس قوه‌ی قضائیه هم باید به متن مصوبه اضافه شود.

آقای اسماعیلی - بله، منتها [به دلیل تغییرات زیادی که در مواد به وجود آمده است،] ما الآن باید مواد این مصوبه را از اول بخوانیم.

آقای جنتی - اصلاحاتی که طبق نظر رئیس قوه‌ی قضائیه صورت گرفته، به متن لایحه‌ی مجلس اضافه نشده است؟

آقای مؤمن - بر اساس این نامه‌ای که اینها فرستاده‌اند،^(۱) مواد این مصوبه در جلسه‌ی مشورتی قوه‌ی قضائیه - که مربوط به خود رئیس قوه‌ی قضائیه است - بررسی شده است. **آقای علیزاده -** بله.

آقای مؤمن - این نظرات جلسه‌ی مشورتی قوه‌ی قضائیه است؛ در این نظرات نسبت به ماده (۱)، اصلاحیه‌ای نداشته‌اند.

آقای علیزاده - مجلس که موظف نیست هر چه رئیس قوه‌ی قضائیه گفته انجام دهد. آنچه که ما از مجلس می‌خواهیم این است که نظرات رئیس قوه‌ی قضائیه را بگیرند و با توجه به آن نظرات، لایحه را اصلاح و تصویب کنند.

آقای مؤمن - مجلس، نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را گرفته است دیگر.

۱. نامه‌ی شماره ۹۰۰۰/۱۹۰۳/۵۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ معاون حقوقی قوه قضائیه خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی که پیش‌تر ذکر آن رفت.

آقای علیزاده - می‌دانم، ولی آیا مجلس باید لایحه را عیناً طبق آن نظر تصویب کند؟!

آقای مؤمن - خب، مگر نظر رئیس قوه‌ی قضائیه چه بوده است؟

آقای مدرسی یزدی - بالاخره نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان [که در بند (الف)

اشکالاتمان به آن اشاره کرده‌ایم، در تصویب مواد این لایحه] باید رعایت شود.

آقای علیزاده - اصلاً اگر لایحه‌ای قضایی از طرف رئیس قوه‌ی قضائیه به مجلس

ارسال شود یا لایحه‌ای از طرف دولت به مجلس بیاید، مگر مجلس موظف است عیناً

آنچه در لایحه آمده است را تصویب کند؟! مجلس لازم نیست که هر آنچه در لوایح

دولت یا قوه‌ی قضائیه آمده است را تصویب کند. در نظریه‌ی تفسیری شورا چنین

چیزی گفته نشده است.

آقای هاشمی شاهرودی - به هر حال، مجلس که باید لایحه‌اش را عوض کند و مفاد

آن را تغییر بدهد.

آقای علیزاده - ما قبلاً در نظریه‌ی تفسیری [شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰

شورای نگهبان] گفتیم: «دولت» نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد، نه «مجلس».

آقای مدرسی یزدی - نظریه‌ی تفسیری می‌گوید: «لوائح قضایی که توسط رئیس قوه‌ی

قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.

هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه

قضائیه مجاز می‌باشد».

آقای علیزاده - ما «دولت» را گفتیم که نمی‌تواند لوایح قضایی را تغییر بدهد، مجلس

را که نگفتیم.

آقای هاشمی شاهرودی - نظریه‌ی تفسیری، نسبت به دولت بود؛ ما به دولت اجازه‌ی

تغییر لوایح قضایی را نداده‌ایم.

آقای علیزاده - ما از مجلس که نمی‌توانیم بخواهیم که لوایح قضایی را تغییر ندهد.

[البته ما در آن نظریه‌ی تفسیری] نگفتیم مجلس می‌تواند [لوائح قضایی را تغییر دهد]

ولی علی‌القاعده همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً کار مجلس تغییر لوایح است.

آقای مؤمن - این نظری که ایشان [= رئیس قوه‌ی قضائیه] در بند (الف) دارد را

ملاحظه کنید؛ ببینید مجلس چه اصلاحاتی کرده‌اند؛ آن‌وقت بگویید که آیا مجلس باید

نظر رئیس قوهی قضائیه را رعایت کند یا خیر؟

آقای علیزاده - مگر مجلس حتماً باید نظر رئیس قوهی قضائیه را رعایت کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خوب، حالا ما اصلاحاتی که نمایندگان مجلس انجام داده‌اند را بررسی کنیم.

آقای علیزاده - ما [در بند (الف) ایراداتمان در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸] به مجلس گفتیم که شما باید در خصوص موضوع این لایحه، نظر رئیس قوهی قضائیه را هم بگیرید و با توجه به آن، مصوبه بگذرانید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مؤمن - خیلی خوب.

آقای علیزاده - حالا نمایندگان مجلس می‌گویند که ما بعد از اینکه توضیحات رئیس قوهی قضائیه را شنیدیم، این مصوبه را تصویب کردیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این را تصویب کردیم.

آقای مدرسی یزدی - البته مجلس در برخی از مواد این لایحه هم بر مصوبه‌ی قبلی خود اصرار کرده است [و ایراد شورای نگهبان را برطرف نکرده است].

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خوب، بالاخره مجلس این مصوبه را تصویب کرده است.

آقای مدرسی یزدی - مجلس در برخی از مواد، گفته است که بر مصوبه‌ی قبلی اصرار دارم.

آقای علیزاده - آن اصرار مجلس، مربوط به ایرادهای ما نسبت به مواد مصوبه است [نه نپذیرفتن نظرات رئیس قوهی قضائیه].

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اصرار مجلس مربوط به اشکال ما است.

آقای مدرسی یزدی - نه، مربوط به ایراد ما نیست.

آقای جنتی - روال قانونی کار این است که رئیس قوهی قضائیه باید نظرش در خصوص این لایحه را کتباً به مجلس اعلام کند. مجلس نمی‌تواند نظر ایشان را شفاهی دریافت کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نمایندگان با رئیس قوهی قضائیه جلسه حضوری داشته‌اند.

آقای علیزاده - نظر کتبی رئیس قوهی قضائیه اینجا [در نامه‌ی معاون حقوقی قوهی قضائیه به رئیس مجلس] آمده است.

آقای مدرسی یزدی - هیچ نظر مکتوبی وجود ندارد.

آقای عزیزاده - داریم؛ چرا نداریم!؟

آقای رهپیک - اجازه بدهید بنده یک نکته‌ای عرض بکنم. بعد از کار تصویب این لایحه تمام شد، از قوه قضائیه پیش من آمدند؛ آقای رازینی^(۱) هم نامه‌ای به شورای نگهبان ارسال کرده است و مثلاً گفته‌اند که ما بعضی از مواد این لایحه را بررسی نکرده‌ایم. امروز هم نامه‌ی دیگری از طرف آقای زرگر^(۲) به‌دستمان رسید که ایشان هم موادی را نوشته‌اند و گفته‌اند که در آنها نظر قوه قضائیه تأمین نشده است.

آقای عزیزاده - خب، تأمین نشده باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، تأمین نشده باشد. مجلس که نباید همه‌ی نظرات رئیس قوه قضائیه را در متن مصوباتش اعمال کند.

آقای عزیزاده - وظیفه‌ی ما الآن این است که ببینیم آیا این مصوبه‌ی مجلس خلاف شرع یا قانون اساسی است یا نه.

آقای هاشمی شاهرودی - ما فقط می‌خواستیم که متن این لایحه، به نظر رئیس قوه قضائیه هم برسد؛ مقصود این نیست که مجلس همه‌ی نظرات رئیس قوه را اعمال کند. مجلس خودش مفاد این لایحه را تصویب می‌کند.

آقای رهپیک - [مسئولین قوه قضائیه در نامه‌های ارسالی] می‌گویند اصلاً یکی از مواد این لایحه را مجلس خودش اصلاح کرده است و رئیس قوه قضائیه، اصلاً آن ماده را ندیده است

آقای عزیزاده - خب، حالا یکی یکی همه‌ی مواد این مصوبه را بررسی می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - یک سند رسمی باید باشد که در آن رئیس قوه قضائیه تأیید کرده باشد که این لایحه از جانب ایشان به مجلس ارسال شده است.

آقای ابراهیمیان - هست؛ یک نامه‌ای اینجا هست که حجت‌الاسلام جناب آقای رازینی [معاون حقوقی قوه قضائیه] خطاب به رئیس قوه نوشته است.

آقای مدرسی یزدی - آقای رازینی این نامه را به رئیس کدام قوه نوشته است؟

آقای ابراهیمیان - خطاب به رئیس قوه مقننه نوشته‌اند.

آقای عزیزاده - آقای خلفی در نامه‌ای به آقای رازینی نوشته‌اند: «حجت‌الاسلام والمسلمین

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین علی رازینی، معاون حقوقی قوه قضائیه (۱۳۸۸/۵/۲۸-۱۳۹۳/۶/۱۸).

۲. سید احمد زرگر، رئیس ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی کشور قوه قضائیه.

جناب آقای رازینی؛ معاون محترم حقوقی قوه قضائیه سلام علیکم. بازگشت به نامه شماره ۱۳۹۱/۹/۲۰-۹۰۰۰/۱۹۰۰/۵۰۰ در خصوص «لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، ریاست محترم قوه قضائیه مرقوم فرمودند: «موافقت می‌شود. اقدام لازم مبذول گردد.» لذا مراتب جهت اقدام لازم ابلاغ می‌گردد.^(۱) دیگر چه کاری باید انجام دهند؟! ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، لایحه‌ای نوشته و دولت تصویب کرده است و آقای رازینی و دیگر مسئولین قوه قضائیه هم نظرات و پیشنهادهای اصلاحی‌شان را با حضور رئیس قوه قضائیه جمع‌بندی کرده‌اند و آن را به ضمیمه‌ی نامه برای مجلس فرستاده‌اند. آقای رازینی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ به رئیس قوه قضائیه نوشته‌اند و ایشان هم در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۵ به این نامه جواب داده‌اند که من با آنچه که تهیه شده، موافقم؛ این را به مجلس بدهید.

آقای جنتی - اگر ما بخواهیم واقعاً ایراد خیلی جدی به این مصوبه بگیریم، باید بگوییم این کافی نیست؛ چون اصل لوایح قضایی را باید قوه قضائیه تهیه کند [نه دولت یا مجلس].

آقای هاشمی شاهرودی - ما هم قبلاً این را گفتیم؛ منتها گفتند که حضرت آقا [= مقام معظم رهبری] نسبت به تسریع در تصویب این مصوبه دستور داده‌اند.

آقای علیزاده - ما قبلاً با توجه به ملاحظات که در مورد تسریع در رسیدگی به لایحه قاچاق کالا و ارز وجود داشت، از نمایندگان مجلس خواستیم که حداقل نظر رئیس قوه قضائیه را درباره‌ی این لایحه بگیرند [و لایحه را به صورت کلی رد نکردیم که دوباره در قوه قضائیه تهیه شود]. حالا دیگر نمی‌توانیم دوباره یک ایراد جدید بگیریم که [این لایحه باید توسط رئیس قوه قضائیه تهیه شود].

آقای هاشمی شاهرودی - الآن ما باید متن این مصوبه را ماده به ماده بخوانیم و بررسی کنیم.

آقای علیزاده - بله، باید متن را ماده به ماده بخوانیم. اگر خواستید پیشنهادهای رئیس قوه قضائیه را هم می‌خوانیم؛ اما باید توجه داشته باشیم که لازم نیست مجلس پیشنهادهای رئیس قوه قضائیه را در تصویب رعایت کرده باشد؛ در همین حد که نظرات رئیس قوه قضائیه را دیده باشند، کافی است. آقای رازینی هم در جلسات مختلف کمیسیون اقتصادی مجلس که درباره‌ی این لایحه بوده، شرکت کرده و

۱. نامه‌ی شماره ۹۰۰۰/۳۴۷۴۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۵ حجت‌الاسلام والمسلمین علی خلیفی (رئیس حوزه‌ی ریاست قوه قضائیه) به علی رازینی، معاون حقوقی قوه قضائیه.

حرف‌های رئیس قوه‌ی قضائیه را زده است. بنابراین هر اصلاحی در لایحه شده، با اخذ نظر قوه‌ی قضائیه همراه بوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - درست شد.

آقای جنتی - خیلی خوب، پس ادامه‌ی بررسی این مصوبه بماند برای هفته‌ی آینده.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.^(۱)

۱. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۸ شورای نگهبان ادامه یافته است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir